

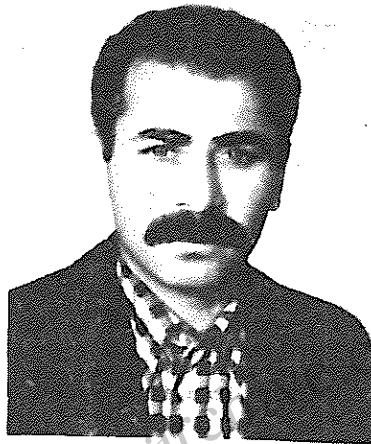
# اقتصاد

دور دوم - سال پنجم از ۱۳۶۳ ★ ارگان سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ★ قیمت: ۰.۰۰ ریال شماره ۹

## زندانیان سیاسی و ترفند جدید فقها

این روزها رژیم خمینی به منظور سربوش گذاشتن به حنایات خود در مورد اعدای بی شمار و اعمال بی رحمانه ترین نوع شکنجه در مورد هزاران زندانی سیاسی، حیل و تازهای را برای فریب کارگران و زحمتکشان میهنمان و انحراف افکار عمومی مترقی بین المللی سازمان داده است! فقهای جنا تیکار با تعویض برخی از روسای زندانها و انجام مباحثه ها و نمایش مکارانه خود، و بخشناه های نمایشی به داستانیها مبنی بر رعایت "شرعی" حقوق زندانیان گرد و خاک راه انداخته و میکوشند چهره بلبید خود را از انظار پنهان کنند. و برای جاشنی زدن به این سیاست مردم - بقیه در صفحه ۲

## فقها، در تقلای تعدیل بحران



رفیق یوسف آل یاری همیشه وفادار به نیروهای زندگی

بدنبال فاصله گیری از سیاست "نه شرقی - نه غربی" و فعال نمودن دیپلماسی بین المللی، بنظر میرسد تغییرات محسوسی در نحوه پیشبرد سیاستهای داخلی رژیم جمهوری اسلامی حادث شده و این تغییرات، تاثیر قابل توجهی در برنامه حکومتی فقها نهاده است. پیگیری چنین برنامه های را از زبان خامنه ای به گویا ترین شکلی میتوان دریافت: "ما احتیاج داریم که در داخل مرزهای خود، امنیت، آسایش و سلامت حکمفرما باشد تا بتوانیم در خانه خود به این اصولی که معتقدیم عینیت دهیم. چینی امنیت در کشور امکان پذیر نیست مگر اینکه تا جاییکه ممکن است از تحریکات بقیه در صفحه ۷

## آخر مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران

- اعتصاب کارگران کانا دا درای
- اعتصاب در جنرال صنعتی
- اعتراض کارگران کفش ملی
- مقاومت کارگران راه آهن
- در برابر اخراج همکاران نشان
- پیروزی کارگران تولیدارو
- کارگران مدیرعامل را گروگان میگیرند!
- مقاومت کارکنان "شرکت ملی فولاد ایران"
- فشار مدیریت به زنان کارگر
- گزارشی از چیت سازی تهران
- اعتراض مردم فیروزکوه به اعدام یک جوان انقلابی
- راهپیمایی مردم بروجرد
- در اعتراض به پاسداران
- مبارزات زحمتکشان "شاد شهر"

هچکدام از طرفین قادر به گشایش آن نیستند. تداوم فرسایشی جنگ بر سترجایاتی های مختصر نظامی، هر دو رژیم را فرسوده کرده است. بر مبنای چنین چشم اندازی است که هرکسدام از طرفین برای خروج از آن دست و پا میزنند عراق در وضعیت است که خواهان آتش بس فوری و مذاکره برای خاتمه بقیه در صفحه ۴

## رژیم در باقلاق جنگ

دیگر بزرگی پوشیده نیست که جنگ ایران و عراق همچون کلاف در هم ریخته ای به گره های کور رسیده و

## رژیم جمهوری اسلامی ایران و مسئله مسکن



نقدی بر رینش آنارشیستی "حزب کمونیست" کومه له در صفحه ۹ (قسمت دوم)

اعلامیه کمیته کردستان در صفحه ۲۹  
 اخباری از کردستان در صفحه ۲۸

هدف حزب توده، مشارکت با سرمایه داران در صفحه ۵

## رفیق یوسف آل یاری

### همیشه وفادار به نیروهای زندگی

ادامه داد و بعد در تهران در دانشگاه ملی، رشته حقوق خواند. او نزدیکترین دوست رفیق کرامت دانشجویان بود. آندو در سالهای آخر دبیرستان، همکلاس و با هم دیگر آشنا شدند و با طرکرایشات سیاسی مشترک، دوستی شان بسرعت محکم شد. بعد از پایان دبیرستان، آنها یک محفل مارکسیستی بوجود آوردند و مبارزه سازمان یافته علیه رژیم خودکامه پهلوی پرداختند. و در ارتباط با همین محفل بود که در سال ۴۹ هردو در یکی از روستاهای خوزستان، که کرامت در آنجا بعنوان سپاهی دانش خدمت میکرد، دستگیر شدند. دشمن نتوانست از آنها اطلاعات مهمی بدست آورد، در نتیجه یوسف فقط به شش ماه زندان محکوم شد و کرامت به یکسال، آنها بعد از آزادی، سلفاطله مبارزه شان را با بیگیری بیشتری از سر گرفتند. و بار دیگر در سال ۵۲ دستگیر شدند. راز داری رفیق کرامت در برابر دشمن،

ارستوچه گوارا، به روایت یکی از دوستان نزدیکش، همیشه میگفته: "باید خشن باشی تا کسی را لطفان را از دست بدهی". با آمدنی چنین، بسیار مشکل است و بدون خمیرمایه عشق به مردم و عشق به نیروهای زندگی، ناشدنی است یوسف یکی از نمونه های درخشان این آلیاژ گرانتها بود. عشق بی کراش به مردم و ایمان تردیدناپذیرش به حقانیت زندگی، در او کینه ای خاموش نشدنی نسبت به ستمگران و بهره کشان و جهانخواران بوجود آورده بود. و همین عشق و کینه توامان بود که او را یکی از استوارترین انقلابیون کمونیست کشور ما تبدیل کرد. با خاک افتادن او، نیروهای زندگی، طبقه کارگر و همچنین سازمان ماگورگرانتها را از دست دادند.

رفیق یوسف آل یاری در سال ۱۳۲۴ در تبریز و در یک خانواده مرفه زاده شد، تحصیلاتش را تا پایان دبیرستان در تبریز

## زندانیان سیاسی و ...

فریبانه به آزادی تعدادی توپ و باره ای زندانیان سیاسی که محکومیت بسیاری از آنها مدت ها ست سیری شده، اقدام کرده اند!

اما همزمان با این نمایشها و در پشت این هیاهو موج جدیدی از دستگیری ها آغاز شده و کشتار زندانیان تشدید گشته است. تنها در دو ماه گذشته صدها انقلابی اسیر در زندانهای تهران بویژه زندان اوین، و در اکثر شهرستانها مانند تبریز، رشت، شیراز و... به جوخه اعدام سیر شده اند. بسیاری از اعدام شدگان اخیر، زندانیانی بودند که حتی قبل از سی خرداد دوازدهم و در خود بیادگاه رژیم فقها به زندانهای مختلف محکوم شده بودند!

هیاهوی اخیر ضمن اینکه سرپوشی است برای جنایات تازه، سازمان دادن عمقی سرکوب و سیاست تمرکز تصمیم گیری در مورد اعدام ها و شکنجه های وحشیانه را در دستور دارد! با اینهمه علی رغم این همه جنایات، همیشه رژیم به صورت ظاهرم کدشده ناجا گردیده تا عده ای را از آدم از رعایت "ترمی" حقوق زندانیان بزند، خود بهترین نشانه کارکرد افشاکری نیروهای انقلابی و خانواده های شهدا و اسرا و اعتراضات پنهان و آشکار توده های میهن ماست. و نیز نشانه به تنگنا افتادن اجتناب ناپذیر رژیم ددمنشی است که مزورانه میکوشد خود را در مقابل افکار عمومی مترقی جهانی، رژیم موجه جا بزند!

رژیم سفاکی که تا کنون وجود هر نوع فشار و شکنجه را شایعه ضد انقلاب قلمداد کرده و اساسا به مرزندانان اعتنائی ننموده که سهل است، رسماً برای کشیدن خون آنان قبل از اعدام بخشنامه صادر کرده، با فشارهایی که از داخل و خارج بر او وارد شده، اینک در تنگنا گیر کرده و برای پوشاندن چهره کریه خود به تقلای افتاده است و نشان داده که در برابر دفاع از زندانیان سیاسی و افشای اعدام و شکنجه بشدت آسیب پذیر است.

ما همانطور که در شماره قبل نشریه خود طی رهنمودهایی تاکید کردیم، افشای جنایات رژیم در مورد هزاران زندانی سیاسی و دریدن نقاب از چهره



خانه، محل کار، خیابان، مدرسه، تاکسی، قهوه خانه و هر جا که ممکن است، فقها را به عقب نشینی واداریم. همچون وظیفه ای مبهم شعار زیر را همه جا گسترش داده و آن را توده گیر کنیم: اعدام یا شکنجه، ممنوع باید گردد. زندانی سیاسی، آزاد باید گردد.

بلید فقها را وظیفه عاجل انقلابیون میدانیم. با تمام توان این ترغیب تازه رژیم را برای توده ها و برای افکار عمومی مترقی جهانی افشا کرده و هر چه بیشتر این جنایتکاران رسوا را رسوا تر کنیم! و با سازمان دادن مبارزه حول دفاع از زندانیان سیاسی و نقل دهان به دهان فجایع رژیم در



## رژیم در با تلاق ...

جنگ است. و ایران اگرچه فتح بنفاد را از دستور خارج کرده و از شرط غرامت دویست میلیاردی خود کوتاه آمده است، اما برقراری آتش بس را تنها و تنها مشروط به سرنگونی صدام کرده است! طرفین متخاصم در ماههای اخیر، برای به ثمر رساندن سیاستها - ایشان، تاکتیکهای جدید و پیچیده تری را در دستور کار قرار داده اند.

عراق با بین المللی کردن جنگ و رودر رو قرار دادن دولتهای خلیج با ایران، کوشیده است جنگ را از زمین - که آسیب پذیرش کرده - به هوا و دریا منتقل کند. تا ضمن وار کسردن خسارات اقتصادی به رژیم ایران، او را از نظر مالی و تدارکاتی که عمدتاً بوسیله فروش نفت تامین میشود، فلج کرده و از نظر سیاسی نیز هرچه بیشتر درد نیا، بویژه در منطقه منزویش کند! هدف اساسی از اتخاذ چنین تاکتیک، وارد آوردن فشار بین المللی و داخلی به رژیم جمهوری اسلامی بمنظور عقب نشینی از خواستهای و پذیرش آتش بس بمنابیه گام نخستین صلح بوده است. این تاکتیک عراق اگرچه موفقیت کاملی نداشته، اما توانسته است با جلب حمایت بخشی از همسایگان عرب که منافع حیاتی در حفظ امنیت آبهای خلیج دارند و از قدرت گیری رژیم پان اسلامیست ایران بشدت هراسانند، فقها را دچار نگرانی کرده و آنان را به احتیاط وادارد.

رژیم فقها در هراس از بین المللی شدن جنگ و در اجتناب از رودر رو شدن با همسایگان عرب خود، کوشید تا با تغییر محل مجدد جنگ از هوا و دریا به خشکی، بحران خلیج را از جنگ ایران و عراق جدا کند. و همچنان سیاست قبلی خود را که تصرف عراق و بیژان سو در آوردن نظامی صدام است، تعقیب کند. اما عوامل جندی موجب ناتوانی فقها از پیشبرد چنین سیاستی شد که عمده ترین آنها را میتوان در جوه زیر خلاصه کرد. ۱) شکست نسبی عملیات والفجر پنج و شش و خیبر و ناسودی بخش قابل توجهی از نیروی انسانی و تدارکاتی ایران (۲) ناکافی بودن ساز و برگ نظامی و ناتوانی در تامین

آن بخاطر انزوای سیاسی رژیم و تنگناهای ارزی و بحران اقتصادی. ۳) پائین آمدن چشمگیر توان بسیج نیروی انسانی بوسیله رژیم که ناشی از بیزاری مردم از این جنگ ویرانگر است. ۴) تقویت بنیه نظامی و تدارکاتی عراق با استفاده از حمایت های مالی و نظامی بین المللی. (ما جزئیات این روند را در مقاله "زنده باد ملخ وزنده باد انقلاب" مندرج در شماره شش نشریه خود، ارائه داده و به بررسی آن پرداخته ایم.)

رژیم فقها وقتی اجرای سیاست خود را مبنی بر سقوط صدام از طریق نظامی در بن بست دید، تاکتیک جدیدی در پیش گرفت: از یکسو در عرصه داخلی سیاست میدان دادن به بخش خصوصی و دادن تضمین به سرمایه داران برای سرمایه گذاری بمنظور مقابله با رکود اقتصادی را شتاب داد، و از سوی دیگر، با پائین آوردن قیمت نفت بمنظور جلب مشتریان خود که نگران محموله های نفتی بخاطر صیاران های مکرر دریایی بوسیله عراق هستند، کوشید بحران اقتصادی را دهنه زده و ارزش لازم را برای تهیه ساز و برگ نظامی تامین کند. همزمان با این اقدامات، رژیم با دو هدف مشخص به فعال کردن دیپلماسی خود پرداخت: الف) بمنظور منزوی کردن صدام، همزمان با تقویت روابط اقتصادی با غرب، مناسبات دیپلماتیک خود را نیز با آنان گسترش داد. و ب) با دلجوئی کردن از رژیم های منطقه کوشید تا اعتماد همه را نسبت به معقول بودن رژیم جمهوری اسلامی جلب کند. برای توسعه هر چه بیشتر این سیاست، شخص خمینی وارد میدان شده و گسترش و تعمیق روابط سیاسی با همه دول را حکم میکند. وی در سخنرانی ش آبان خود گفت: "... ما باید با همه کشورهای رابطه داشته باشیم... رابطه نداشتن یعنی منزوی شدن، کسی که منزوی است، زندگی نمیتواند بکند..."

ب) رژیم بریستر چنین تلاشهایی خواهان قطع کمک به عراق و موافقت این کشورها با سقوط صدام شد. ملایان کوشیدند هر طور شده ثابت کنند که با سقوط صدام نه فقط آب از آب تگسان نخورده و منافع هیچکس به خطر نخواهد افتاد، بلکه آرامش و ثبات در منطقه

تضمین خواهد شد! و ایران به حسن همجواری با کشورهای همسایه و اخوت برادرانه اسلامی نسبت به همسایگان خود پایبند است!

ملاقاتهای مکرر نمایندگان جمهوری اسلامی با دول غربی و کشورهای عربی - بویژه حکام خلیج فارس برای بشمر رساندن این سیاست بود. رژیم این تاکتیک خود را با ماسک ضد اسرائیلی و تحت عنوان تلاش برای اخراج اسرائیل از سازمان ملل انجام میداد. مسافرتهای خامنه ای، نقطه اوج این دور تعرض دیپلماتیک بود. اما تلاشهای چند ماهه رژیم دستاوردی نداشت و این مرحله از تلاش دیپلماتیک رژیم شکست خورد. فقها نه فقط نتوانستند رضایت مخالفین صدام را به جز لیبی به نفع سیاست خود جلب کنند، بلکه حتی دوستانشان از جمله الجزایر و سوریه نیز حاضر نشدند با چنین خواستی موافقت کنند! هنگامی که دولتمردان رژیم خود را در این تعرض دیپلماتیک ناکام یافتند، تصمیم گرفتند با سازمان دادن یک تعرض نظامی ضمن اینکه توان رزمی خود را به نمایش بگذارند، در همان حال بیروزی حاصل از این تعرض نظامی را همچون یک برگ برنده، بشنوند. به عبارتی عرض دیپلماتیک خود کنند. برای این منابیه که حمله میمک سازمان داده شد. رفتن جانی بدون برده بوشی همیمن سیاست را اعلام کرد: " حمله ما جنبه سیاسی دارد، نه نظامی (" بیست و هفتم مهر کیهان ). به عبارت ساده، دیگر از آن شعارها و آن تبلیغات گذشته رژیم که خبر از سازماندهی یک حمله تعیین کننده و نهائی میداد که خود رفتن جانی بارها در نمازهای جمعه از آن دم میزد، خیری نیست. آنجائی هم که ادعای بیروزی میشود برخلاف گذشته مضمونی دفاعی بخود میگیرد. به این سخن خامنه ای توجه کنید: " عملیات استراتژیک میمک، تصور اینکه ایران توان حمله ندارد را، از بین ببرد." ( پنج آبان، اطلاعات ) بیان این جمله ضمن اینکه مفهوم سیری شدن دوران خود بزرگ بینی رژیم فقهاست که آنهمه بر طبل تبلیغی آن میکوفتند، نمایش واقعی از مقدرات و امکانات

کنترل کارگری نه بطور سراسری و در سطح اقتصاد ملی، بلکه در کارخانه‌های منفرد و مجزا از یکدیگر برقرار شده بود، در ایجاد اختلال و تجزیه بعدی نهضت کنترل کارگری و شوراهای کنترل نقش مهمی ایفا کرد.

آنچه حزب توده خائن "دستاورد" کارگران در مشارکت مینا مددروا قسح روند بعدی این مبارزات که در آن کارگران در قبال یورشهای مکرر رژیم، عقب رانده شدند، حزب توده روند

میدهد. آمار نشان میدهد که در آنجا که کنترل تولید بدست کارگران افتاد است، نه تنها تولید کاهش نیافته و هرج و مرج پیش نیامده، بلکه ریتم تولید و انضباط کار به نحو موثری حفظ شده و گاه افزایش داشته است. این خرابکاریهای بورژوازی و بویژه دولت ضد انقلابی در امر تهیه مواد اولیه لازم و قطعات مورد نیاز کارخانه‌های تحت کنترل کارگران بود که باعث کاهش تولید، در دوره بعد، گردیدند.

حزب توده در بحثی پیرامون قانون کار جمهوری اسلامی، درباره نقش کارگران در اداره تولید نوشته است "حق مشارکت کارگران در اداره واحد - های تولیدی و خدماتی یکی از دستاوردهای بزرگی بود که طبقه کارگر ایران ضمن شرکت همه جانبه خود در انقلاب بهمن ماه و ایفای نقش انکارناپذیر در به ثمر رساندن آن بدست آورد و در اصل ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی آن را

## هدف حزب توده، مشارکت با سرمایه داران

انحلال کنترل کارگری و درهم کوبیده شدن آنها توسط دولت را "دستاورد" انقلاب نامیده است. اصل ۱۰۴ نیز که امتیاز فقها در مقابل فشار نیرومند نهضت کنترل کارگری بود دقیقاً فرموله کننده این روند بود که در جهت منحرف کردن و تحت کنترل درآوردن جنبش شورائی کارگری و تقلیل آن به جنبش همگانی ارتجاعی (کارگر، مباحث، مدیر و...) در سطح کارخانه بود. سمحض آن که، با تجزیه جنبش شورائی، از فشار آن کاسته شد، حتی همین عقب نشینی و مشارکت این جنبشی، روی کاغذ باقی ماند.

دوم آنکه حزب توده، متکی بر این تحریف تاریخ مبارزه کارگران، خواستار "مبارزه برای بس گرفتن" "دستاورد" فوق الذکر و رعایت حق مشارکت کارگران در اداره تولید شده است. آنان این را استراتژی خود قرار داده اند و شعار "برقراری شوراهای مشارکتی" طبق اصل ۱۰۴ قانون اساسی را شعار محوری خود کرده اند. اما مشارکت کارگران در اداره کارخانه به چه معناست؟ این معنای آنست که کارگران و سرمایه داران در وضعیتی که تمامی شرایط عینی حاکم بر تولید سرمایه داری ثابت و بی تغییر باقی مانده است، با یکدیگر در اداره تولید همکاری و مشارکت کنند. از آنجا که دست نخورده ماندن شرایط عینی تولید بمعنای بازتولید سلطه سرمایه بر کار است (و این را هرما رکبست متدی و اصولاً هر آدم باهوشی میفهمد) این امر بخودی خود ادامه سلطه سرمایه داران

کنترل کارگران بر تولید، که عمدتاً از طریق شوراهای کارگری و کمیته‌های منتخب کارگران اعمال میشد. مضمون دخالت کارگران در تولید بود. کارگران دفاتر کارخانه را باز کردند. دخل و خرج را بازرسی کردند، اقدامات زائد و تشریفاتی را حذف کرده و با برقراری انضباط داوطلبانه موفق به بشیرد امر تولید شدند. این عمل انقلابی مکتب پرورش کارگاهی شد که از میان طبقه کارگر به فراگیری بس گرداندن تولید، بدون بورژوازی، برخاستند. کارگران در این میان از طریق عمل مستقل خود می‌موختند که چگونه باید به سازماندهی نویسن تولید دست یازید و اینکه نقش سرمایه دار و کارفرما در تولید چیزی جز مکیدن زالو و آرزو آرزو تولید شده توسط آنان نیست. دهها نمونه از کارگاهها و کارخانجاتی را که تولید بدست کارگران کنترل و هدایت میشدرا میتوان ذکر کرد. در برخی موارد (نظیر کاشی سعدی در تهران) کارگران با اقدام انقلابی خود اسناد وابستگی و حیال کارخانه توسط امیرالیهتها را منتشر کرده و کارخانه را ملی اعلام کردند. این تکامل کنترل کارگری به مدیریت کارگری بود. امری که البته عمومیت نداشت. پاسخ سرمایه داران به این اعمال، کارشکنی از طریق وابستگان خود و دولت در امر راه اندازی و گردش تولید بود. این اقدامات که سلطت نقش سلط طبقه بورژوازی در تولید ملی و سراسری از کارائی زیستاد بر خوردار بود فشار طاقت بر سائی بر کارگران وارد میساخت و از آنجا که،

تشبیه کرد. (ضمیمه مردم شماره ۸۹، صفحه ۵) و در ادامه "دستاورد" کارگران یعنی اصل ۱۰۴ را بدین ترتیب ذکر کرده است "بمنظور تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و... شوراهای ترکیب از نمایندگان کارگران، دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران... تشکیل میشود" (همانجا) و در پایان شعار داده که "شوراهای مشارکتی باید در قانون کار به رسمیت شناخته شوند" (همانجا) بنا بر این حزب توده دستاورد کارگران (در حیطه تولید) را "حقی مشارکت" در امور مدیریت و برنامهریزی میدانند و بر اساس آن خواسته کارگران در تولید را اجرای اصل ۱۰۴ قانون اساسی (که در همانجا این قانون را "دستاورد انقلاب بهمن" مینامد) میدانند و برای آن دعوت به "مبارزه" میکنند. به این مطلب از دوزاویه میبایست توجه کرد. نخست آنکه این جمع بندی از تاریخ مبارزات طبقه کارگر در انقلاب بهمن تحریف واقعیت این مبارزه است. کارگران ایران در طول انقلاب بهمن، با فراری دادن سرمایه داران و مبارزین و نوکرانشان، در هر جا که تولید در شرف تعطیل شدن بود، با شهادت انقلابی به حریم "مقدس" نظم بورژوازی تعرض کردند و کنترل تولید کارگاهها را در دست خود توانای خود متمرکز کردند. طبقه کارگر با این عمل خود نشان داد که، علیرغم عدم بلوغ سیاسی، قادر است در تولید جای خالی سرمایه داران را پر کرده و مانع از تعطیل تولید گردد. گامهایی که کارگران ایران در این جهت برداشتند، جوانه های سازماندهی نوین تولید را در ایران فردانشان

## هدف حزب توده . . .

برکارگران را به همراه دارد. تولید و تحقق ارزش در نظام سرمایه‌داری، به همراه گسترش پایه تولید در هر سیکل تولیدی بمعنای بازتولید حاکمیت سرمایه بر کارکنان است. در پایان هر سیکل، با ردیگر کارگران، به مثابه فرو - شندگان کالا در یک سو و سرمایه‌داران به مثابه صاحبان وسائل تولید و خریداران نیروی کار، در سوی دیگر، بازتولید می‌شوند. در یک سو فقر و در آن سو ثروت، متراکم می‌شود. در شرایط متفاوت، تنها هنگامیکه در مکانیسم گردش تولید اختلالی ایجاد نشود، هیچ اقدامی از این بازتولید جلوگیری نمی‌کند. مشارکت کارگران در اداره تولید، حتی اگر با "سهم" مساوی صورت گیرد کوچکترین خللی در نظم گردش سرمایه ایجاد نمی‌کند و از ایشور و روندها بازتولید سلطه سرمایه بر کار کوچکترین خدشهای وارد نمی‌سازد. مشارکت سازماندهی بورژوازی تولید را مختل نمی‌کند. و نتیجتاً کارگران را نه تنها به همدست کارفرمایان در بحران ناگزیر تولید سرمایه‌دارانه، یعنی آن یک شریک، مسئول معرفی خواهد کرد. تحت نظام سرمایه‌داری اگر نتیجه هر سیکل تولید تنها حاصل ارزش اضافی از جانب سرمایه‌دار است و این در شرایط مشارکت کارگران در اداره تولید نیز تغییری نخواهد کرد، در عوض کارگران در چشیدن ثمرات بحران ناشی از آنارشی تولید، به تمامی "سهم" و "شریک" خواهند بود. مشارکت آزادانه کارگران و سرمایه - داران در اداره و برنامه ریزی تولید همانقدر "آزادانه و مساوات‌گرایانه" است که در جریان فروش نیروی کار از جانب کارگر و خرید آن از جانب سرمایه‌دار، این دو آزاد و برابر در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. یعنی آنکه این "آزادی" توسط شرایط اقتصادی - اجتماعی سرمایه‌داری و براساس ادامه سلطه سرمایه بر کار مشروط شده و تسرار می‌گیرد. طرح مشارکت همکاری آزادانه کارگران و سرمایه‌داران در امر تولید را پیش‌فرض دارد، چه مشارکت در اداره تولید بمعنای جهم‌کاری در گرداندن تولید ندارد. بنا بر این طرح مشارکت در مقیاس عمومی، طرح همکاری طبقه کارگر و طبقه سرمایه‌دار در امر گرداندن تولید است. این طرح می‌خواهد

این همکاری را دستاورد کارگران قلمداد کرده و آن را یک پیروزی بحساب آورد. اما روند تولید سرمایه‌داری نه تنها بازتولید سلطه سرمایه بر کار بلکه در همان حال بازتولید مبارزه کارگر بر علیه سرمایه‌نیز هست. روند تولید و مبادله نه فقط روند تولید و تحقق ارزش اضافی و تصاحب آن از جانب سرمایه‌داران بلکه روند مبارزه کارگران بر علیه استثمار و چساول ارزش اضافی حاصل از دسترنج آنان نیز می‌باشد. کمونیستها وظیفه دائمی سازماندهی این مبارزه در روند تولید و پیشبرد گام به گام و ارتقاء آن را به حد یک مبارزه سیاسی، پیش روی خود نهاده‌اند. سازماندهی تولید و مبارزه بر علیه سازمان اجتماعی بورژوازی کار یکی از حیظ‌های این مبارزه است. فرم‌یسم با طرح مشارکت می‌خواهد بر این زمینه عینی مبارزه طبقاتی، بجای حدت بخشیدن به آن، منادی سازش طبقات گردد و تنها در گونگی سازماندهی سلطه سرمایه بر کار با سرمایه‌داران همکاری کند. این بر پایه یک توهم خرده بورژوازیستی نسبت به جامعه سرمایه‌داری قسار گرفته است. خرده بورژوازی بدنبال چگونه جامعه‌ای است؟ جامعه آرمانی او همان جامعه سرمایه‌داری است که راحت‌تر و قابل تحمل‌تر شده است. "زیاده خواهی" و "افراط‌گرایی" سرمایه بزرگ کنترل شده و به خرده سرمایه‌داران و کارکنان اجازه کسب و کار داده شود بی آنکه خطر بلعیده شدن توسط سرمایه بزرگ و به خاک سپاه نشستن، جوینان عزرائیل بر سرشان پرتاب شوند. جامعه‌ای که براساس همکاری همه طبقات (مثلاً از طریق تعاونی‌های تولید) بنا شده است. تشریک مساعی در انواع نهادهای مشترک و همگانی نوع تعاونیستی، آن کیمیائی است که خرده بورژوازی از طریق آن مبارزه طبقاتی را به آشتی طبقات "سوق" می‌دهد. این جامعه متضمن حق حیات بی دردسر و بسی اصطکاک برای همه، کوچک و بزرگ است. این ایده آل خرده بورژوازی از آنرو توهم است که خیلی ساده از سرمایه می‌خواهد تا سرمایه نباشد. سرمایه میل به تمرکز و انباشت دائمی دارد.

سرمایه‌داری با حرکت از تولید هر چه بیشتر بمنظور افزایش سود، مشخص می‌شود. در این راه همواره کوچکترها قربانی می‌شوند و بزرگترها بخششی از اشتهای سیری ناپذیر خود را با بلعیدن آنان بر آورده می‌سازند. هیچ قانون یا دعای خیری نیز نمیتواند مانع از تمرکز سرمایه و قطعی شدن هر چه بیشتر جامعه بگردد. اما خرده بورژوازی که میان دو سنگ آسیاب گیر کرده است ملتسانه از بورژوازی تقاضا می‌کند تا "حق" او را به رسمیت بشناسد. او خواستار جمهوری دمکراتیک است تا یکمک حق رای خود دارای اکثریت شده و سرمایه بزرگ را از طریق دولت منتخب خود زیر کنترل بگیرد. از فشار مالیاتهای دولت کم کند و مالی آخر. این توهم خرده بورژوازی بر اساس امکان همزیستی مسالمت آمیز و برادرانه طبقات متخاصم بنا شده است. این خواسته خرده بورژوازی جامعه بورژوازی را نقطه آغاز و پایان خود می‌گیرد. قانون مزدوری در این جاسا خدشه ناپذیر و تعرض ناکردنی باقی میماند. اما آنچه خرده بورژوازی خرد مالک قادر به درک آن نیست اینست که در شرایط بقای کار دستمزدی، سرمایه‌داران جاقتر می‌شوند و طبقات میانی هر چه بیشتر به صفوف پرولتاریا رانده می‌شوند. جمهوری دمکراتیک نیز مانع از این نبوده و برعکس، حق رای او مسیر راهوارتر می‌کند. طرح مشارکت کارگران نیز درست بهمین ساق است. در شرایط بقای قانون کار دستمزدی و سلطه سرمایه، کارگران و سرمایه - داران با یکدیگر همکاری میکنند تا با تصویب برخی مواد و تبصره‌ها شرایط کار آسانتر شود، محیط کار قابل تحمل‌تر گردد و کارگر و کارفرما، هر یک بدون "تحمیل اراده" بردیگری، به سازماندهی تولید بپردازند. این غایت خواست مشارکت را تشکیل میدهد. طرح مشارکت حزب خیانت پیشه آنجا تکمیل میشود که او دعوت میکند که این مشارکت با تشکیل "شورای مشترکی" از مدیر، کارگر و... و از مشارکت در تدوین قانون کار آغاز گردد. آیا این امر در محتوای قانون کار تغییری بوجود می‌آورد؟ آیا این امریله‌ای است که یک گام مبارزه بقیه در صفحه ۲۷

## فقه در تقابلی ...

(خارجی) علیه خود بکاهیم" (اطلاعات ۱- آبان ۶۳). لازم به توضیح نیست که کاستن "از تحریکات خارجی علیه خود" نمیتواند جز از طریق پیشگیری سیاسی مغایر با سیاست "نه شرقی - نه غربی" - ای که در تبلیغات و شعارهای "ضد امپریالیستی" و نادیده گرفتن کلیه ضوابط و قوانین و منشورهای بین المللی خود را نشان میدهد، متحقق گردد. سیاستی که "خروج از تزوا و جلوگیری از شکست و مدفون شدن" را در عرصه بین المللی هدف قرار داده (نقل به معنی از سخنان خمینی - رادیو جمهوری اسلامی ۶ آبان ۶۳) و در داخل کشور، برقراری امنیت اقتصادی و سیاسی و "آسایش" عمومی یعنی نظم دادن به بوروکراسی دولتی حاکم و متحول ساختن کارکرد جنبشی و آنتارشیک آن به سمت سانترالیزه کردن این دستگاه و قوام بخشیدن به آن را دنبال میکند. اما اگر در عرصه سیاست خارجی امکان انعطاف و حتی مانورهای از جانب فقها که بیانگر تغییر موضع آشکار نسبت به برخی دول امپریالیست است، وجود دارد و این مانورها و انعطافها راهگشای نزدیکی جمهوری اسلامی به این دولتهاست، در داخل چنین امکانی اگر برای بکدوره نسبتاً طولانی ناممکن نباشد لاقلاً در بسیاری جنبه‌ها بسادگی و صرفاً با اراده دولتمردان جمهوری اسلامی قابل حصول نیست. رژیم تلاشهای زیادی برای فراهم ساختن امکانات و زمینه مساعد جهت متقاعد ساختن سرمایه‌داران به سرمایه‌گذاری در داخل کشور و میدان دادن به بورژوازی برای راه اندازی چرخهای اقتصاد ورشکسته و بحران زده جامعه را سازمان داده است. دعوت از سرمایه‌داران و متخصصینی که در کشورهای اروپائی و آمریکا بزمیبرند، و گسیل هیئت‌هایی به این کشورها بمنظور تماس با این افراد و متقاعد ساختن آنان به بازگشت به "وطن اسلامی" که در کنار تعمیق روابط دوستانه و "غیرمتعهدانه" با دول بزرگ سرمایه‌داری جهان انجام میگیرد، پس از بیش از دو سال گرچه فقها را با موفقیت‌هایی در این زمینه روبرو کرده اما هنوز گرهی از

مشکلات اساسی آنان را نگشوده و ایسن تلاشها را به ثمر رسانده است. هنوز فقها نتوانسته اند در این فضایی اقتصادی - اجتماعی و سیاسی ایران، اعتماد سرمایه‌داران را برای به‌گردش انداختن سرمایه‌های خود در داخل و معامله با دولت جمهوری اسلامی جلب نمایند. هنگامی که ورشکستگی کنونی اقتصاد ایران را نسبت به ده سال پیش در نظر آوریم، ابغادنیازهای رژیم فقها در جلب سرمایه‌داران و تأمین امنیت برای سرمایه و ضرورت سرمایه‌گذاری در باعادی به مراتب وسیعتر از دوران تسلط سلطنت برجامعه - جهت نظم بخشیدن به تولید آشکارتر میشود. و این درحالی است که با توجه به خصلتهای ذاتی رژیم "ولایت فقیه" و واقعیات جامعه مانعیتوان امکسان برخوردار سرمایه‌داران از حین اعتمادی را امری بالفعل بشمار آورد. رژیم جمهوری اسلامی، دستگاه ایدئولوژیک دولتی خود - ولایت فقیه - را سازمان میدهد و بنا بر این اساس زندگی عرفی به معنای عام آن در بک جامعه سرمایه‌داری هیچگونه خورشاوندی ندارد. رژیم "ولایت فقیه" اگر چه میتواند توسط "ولی فقیه" تا حدودی از غلظت "غیر عقلانی" خود بکاهد اما هرگز نمیتواند موجودیت خود را نفی نماید. فقها ناچارند با حفظ جنبه حکومتی - و در واقع بخاطر حفظ جنبه حکومتی - در ضوابط و قوانین مدنی و سیاسی جامعه انعطافهایی را متحمل شوند تا سلطه خود را برای مردم قابل تحمل نمایند و همچنین چهره جامعه را "آرام" و "سالم" که لازمه امنیت سرمایه است نشان دهند. و این برنامه کنونی فقها را تشکیل داده است. رفسنجانی در خطبه نماز جمعه ۷ مهرماه از لزوم اعتدال در نظارت و کنترل بر زندگی مردم سخن میراند و ضرورت تنوع در برنامه‌های رادیو و تلویزیون را با عطف توجه به مسائل فرهنگی جامعه متذکر میگردد. خامنه‌ای در توضیح سیاستهای داخلی رژیم در ۱۷ مهرماه (اطلاعات) میگوید: "در زمینه سیاستهای داخلی نیز به برخوردارانی همه مردم کشور از مواهب و بخششهای الهی، از آزادی، از علم، از حق آموزش و تبلیغات، از تعالی معنوی و از همه

خوشیها و شادبهای زندگی (!!) معتقدیم. رژیمی که حتی شیندن موسیقی را معصیت کبیره و مغایر با قوانین اسلامی حاکم بر جامعه دانسته و در چهارچوب ایسن قوانین حجاب را امری واجب و تخطی ناپذیر اعلام نموده و روزه خواری را باسخ شلاق میدهد چگونه از اعتقاد به خوشیها و شادیهای زندگی میگوید؟ رژیمی که "تقوا" را اصل دانسته و در قاموس آن "خوشیها و شادبهای زندگی" مذموم و برابر با فراموش کردن الله و روز محشر است؛ و رژیمی که از هنگام بقدرت رسیدنش، دشمنی خود را با هر چه نشان از علم و هنر دارد به اثبات رسانیده است، اکنون ناگزیر دست به تلاشهایی میزند تا در حد ممکن خود را با واقعیات جامعه و نمایلات عمومی مردم انطباق دهد. این تلاشها که از برخورد او با ش کمیته جی و گشتیهای... الله با مردم در کوجه و خیابان گرفته تا آزاد گذاشتن انتشار برخی از کتب "فاله" و ممنوعه دیروز، و تسهیل در امر ملاقاتهای زندانیان سیاسی در برخی سطوح که هماهنگ با تحولاتی در سیستم و ضوابط توزیع کالاها و "عنایت" به بخش خصوصی در این رابطه، خود را مینمایاند، تلورتنگنای حکومتی فقها و جگونگی حفظ و تحکیم آن برجامعه میباشد. بطور خلاصه میتوان گفت که فقها از دست زدن به این اقدامات و تبلیغات وسیع حول آن بمثابه برنامه حکومتی کنونی خود چند هدف اساسی ذیل را دنبال میکنند:

۱ - تامین فضای مطمئن برای سرمایه‌داران و جلب آنان به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف اقتصاد جهت تخفیف بحران اقتصادی جامعه. رفسنجانی سیاست دولت را در این زمینه چنین بازگو میکند: "سیاست دولت از مدت‌ها پیش این است که بخش خصوصی را هر چه بیشتر فعالتر بکند که در میدان باشند. در همین ۵ ساله ۱۷ هزار موافقت اصولی شده با اینکه بخش خصوصی کارخانه و کارهای تولیدی داشته باشد... خوب، ۱۷ هزار در مقابل تعداد بسیار کمی که در پنج سال آخر رژیم شاه بودند نشان میدهد که ما قویتر از گذشته بطرف بخش خصوصی میرویم منتهی سالم" (از خطبه نماز جمعه ۷ مهرماه).

## فقه در تقاضای ...

۲ - جلوگیری از کارکرد آثار ششگانه: رگانهای اجرائی و از بین بردن چند مرکزی در آنها از طریق سازماندهی و تمرکز آنها در دست دولت و بطور کلی هسته اصلی روحانیت حاکم، ایجاد وزارت سپاه پاسداران جهت پیشبرد سیاستها و عملکردهای آن در چهار رُحوب تصمیمات مستقیم دولت مورد تأیید " امام " و هسته اصلی روحانیت حاکم، از جمله اقدامات فقها در این زمینه است.

۳ - جلوگیری از گسترش و تعمیق جنبش اعتراضی توده‌ها که در شومبه‌های مکرر فقها و صدور احکامی از جانب آنان به ارگانهای سرکوب، در ضرورت اجتناب از " تندروی " و یکارگی سر و انعطاف و نرمش در زمینه‌های مختلف خود را نشان میدهد. توصیه‌ها و احکامی که البته نه سیاست حاکم و نه فقه شیعه را متحمل خسارات جدی نمیکند، تذکرات منتظری به دادستان و اعضاء دادستانی انقلاب اسلامی ( منسدرج در اطلاعات ) ( مهرماه ) مبنی بر برپایی از " سختگیریهایی بیجا در قبال مردم " و چگونگی برخورد با مسافری در فرودگاهها و اجتناب از " زندانی کردن بدون دلیل " (۱) و... در این رابطه حائز اهمیت است.

بی‌گیری این اهداف قبل از هر چیز نشانگر آن است که فقها چون سابق قادر به حکومت نیستند و سلطه دیکتاتوری مذهبی بر کلیه شؤون اجتماعی و سیاسی جامعه، عصیان توده‌ها را که بلحاظ وجود تورم سنگین و بحران بیسابقه اقتصادی به حد انفجار رساری نزدیک میشود، مضعف نموده و رژیم " ولایت فقیه " را در تحکیم پایه‌های خود دچار تنگنای جدی نموده است.

آیا این اقدامات به حوصله بحرانهای رژیم کمک میکنند و منجر به تحکیم پایه‌های آن میگردد؟

با توجه به خصوصیات ذاتی نظام " ولایت فقیه " و سطح موجود ناراضی عمومی علیه این نظام، بعید بنظر میرسد که این اقدامات بتوانند بدون رخدادی از پائین تا نتیجه حداقتل مطلوبی برای فقها، ادامه یابد. زیرا علاوه بر اینکه ایجاد " فضای باز سیاسی " و حتی اعمال حداقل دموکراسی از جانب

جنبش رژیمی خطلتا ناممکن است، خود فقها بخوبی میدانند که گشایش روزنه‌ای برای مردم جهت انعکاس آزادانه اعتراضاتشان علیه حکومت و یا حتی پاسخ دادن به بخشی از تمایلات عمومی آنان که بطور بیواسطه در مقابل تمایلات عمومی فقها قرار دارد، ظرفیت گسترش سریع به تمامی وجوه زندگی اجتماعی و سیاسی آنان را داشته و حکومتیان را در خطری به مراتب جدی‌تر از پیش و رویاروی " زیاده‌خواهی " توده‌ها قرار میدهد. رژیمی که هرگز قادر به ارائه آزادیهای مدنی یک جامعه بورژوازی به مردم نیست و به بیان دیگر حتی استدائاتی ترین اصول دموکراسی بورژوازی در تضاد با سیاستهای موجودیت آن قرار دارد چگونه میتواند دست به اقداماتی زندکسلطه خود را برای مردم تحمل بذیر سازد؟ درست به همین دلیل بود که پس از اعتراض منتظری به نحوه گزینش دانشجو در دانشگاهها و تجدیدنظر در این امر، جوانان واجد شرایط ( بلحاظ مدارک تحصیلی ) از آن استقبال نکرده و هیچگونه تغییری تقریباً در هیچیک از افسار و طبقات جامعه در این زمینه بروز نکرد. مردم بدرستی به این دست و بازدهیهای ملایان بدیده مسخره مینگرند و حتی آنها را ترفندی تازه برای تشدید فضای خفقان و سرکوب بشمار می‌آورند.

حکومت فقه اساساً با آزادیهای مدنی مبادینت دارد. و این در حالیکه که " برخورداری همه مردم از همه خوشیها و شادیهای زندگی " نمیتواند بدون بی‌توجهی و رعایت نکردن لاقابل برخی از دستورات شرع توسط همین مردم تحقق پذیرد. امری که با روح قوانین حاکم بر جامعه ما مغایر است. این جنبه‌ای است از تناقض ذاتی نظام " ولایت فقیه " در یک جامعه سرمایه‌دار که هر چه میگذرد بحر انزائی درونی خود را آشکارتر میکند و گلوئی فقهیای حکومتگر را سخت‌تر از پیش می‌فشرد. انجام " اصلاحاتی " در زمینه سیاستهای خارجی و انعطافهایی در دربحوه جاری ساختن قوانین حکومتی، در حقیقت تلاشی است در سرپوش گذاشتن برای تناقض و تخفیف فشار عوامل بحر انزائی نظام " ولایت فقیه ". این اقدامات و تبلیغات وسیع

حول آن از جانب دولتمردان جمهوری اسلامی، موجب احیای مجدد توهمات لیبرالی امکان استحاله رژیم از درون آن، گشته است. بنی صدر آن را نتیجه تسلط " جناح میان‌روها " و شکست " جناح افراطی " در هیئت حاکمه میدانند و احمد مدنی در طی نامه‌های متعددی خود به خمینی و رفسنجانی هشدار میدهد که این گامهای بایستی " حساسا و تحت رهبری های جناب عالی " برداشته شود. چرا که " بعد از جناب عالی " با از دست رفتن " فرصتهای مناسب سازندگی " " هرج و مرج و جنگ داخلی آنهاست " خانمان برانداز و دشمن شادکن بر محیط ایران سایه خواهد افکند " ( از نامه مدنی به خمینی ۱۹ آذر ۶۲ - نقل از نشریه مجاهد شماره ۲۱۶ ). این توهمات لیبرالی اگر در طی دوران ترور و جنگ داخلی آشکار رژیم علی و شیروهای انقلابی پس از ۳۰ خرداد موقتا ذوب شد، اکنون با بن بست رژیم در ادامه جنگ با عراق در شرایط کسری بودجه و تورم سنگین و اوجگیری نارضایتی عمومی توده‌ها که موجب توسل فقها به برخی مانورهای انعطافهایی در نحوه بشیردسیاستهای حکومتی خود شده است، دوباره احیاء گردیده است. این توهم لیبرالی نه تنها بدان جهت که به هرگونه " رفرمی " از جانب فقها در مقابل انقلاب دلخوش میکند، خصلتی رفرمیستی دارد بلکه مهمتر از آن بدلیل ایجاد ائتلاف با ارتجاع حاکم علیه " هرج و مرج " و " خطر جنگ داخلی " دارای خصلتی آشکارا ضد انقلابی و ارتجاعی است. در حقیقت در این توهمات، انزجار لیبرالها از انقلاب و قهر و خشونت توده‌های بی‌سروا " با ناتوانی آنان در مقابل رژیم فقها بهم گره خورده است. تلاش برای حفظ " وفاق همگانی "، اعمال فشار بر رژیم جهت تأمین امنیت برای سرمایه و ایجاد جبهه مشترک با ارتجاع حاکم در مقابل انقلاب، محور سیاست استحاله دادن به رژیم جمهوری اسلامی است. اما همچنانکه اشاره شد این تنها یک توهم در قبال سیاستهای برنامهای کنونی رژیم فقهاست زیرا اولا در تشخیص ماهیت مانورها و " رفرم " های جزئی روحانیت حاکم برای تحکیم رژیم " ولایت فقیه " ناتوان است و آن



در مقاله پیشین، اظهار داشتیم که یکی از وجوه عمده پوپولیسم آنارشیستی پس از انقلاب بهمن در زمینه تشکیلات غیر حزبی طبقه، قرار دادن تجربه شوراهای در مقابل فعالیت اتحادیه‌های است. رنگ آنارشیستی ایدئولوژیهای گوناگون سوسیالیسم خلقی در کشور ما، موجب تحریف عمیقی در تجربه شوراهای شده

## نقدی بر پینش آنارشیستی "حزب کمونیست" گومله در باره تشکلهای غیر حزبی طبقه کارگر

است. بدون افشای تحریفات آنارشیستی در باره تجربه شورایی انقلاب بهمن، نمیتوان طبقه کارگر را برای تکرار این تجربه در مقیاس وسیعتر و عمیقتر آماده کرد. این نه تنها، بمعنای تشخیص شرایط عمومی بیدایش شوراهای نقش و عملکرد آنان است، بلکه همچنین به معنای نقد نقاط ضعف و محدودیت این شوراهای نیز میباشد. ما پوپولیسم آنارشیستی، چنانکه نشان خواهیم داد، حتی قادر به تشخیص شرایط عمومی بیدایش شوراهای نشده است، تا چه رسیده اینکه محدودیتهای این شوراهای را در - باید. در زیر این موضوعات را منور در بررسی قرار خواهیم داد.

### الف) شوراهای کنترل یا کمیته‌های کارخانه

شوراهای کنترل که در دوره انقلاب در کشور ما شکل گرفتند معادل آن جیسیزی هستند که در تاریخ جنبش کارگری معمولاً کمیته‌های کارخانه نامیده میشوند.

کمیته‌های کارخانه نخستین بار بر اثر شرایط ناشی از جنگ جهانی اول در روسیه و بکسرشته کشورهای دیگر پدید آمد، یعنی در شرایطی که مبارزه اقتصادی پرولتاریا برای افزایش دستمزد و بهبودهای عمومی در سطح زندگی بوده کارگران و کاهش ساعات کار روزانه بطور دائم التزاجی تاثیر خود را از دست میداد. پرولتاریا ناگزیر به مبارزه بر سر شرایط عمومی تولید و نجات حیات اقتصادی سوق

می یافت. از اینجا، ضرورت روزمره مبارزه کارگران برای بکساف آوردن کنترل تولید نشات میگرفت. کمیته‌های کارخانه تحت شرایط تکوین یک قدرت دوگانه در واحدهای منفرد تولید وجود آمدند. آنان مبین یک وضعیت انتقالی از رژیم سرمایه‌داری به رژیم سوسیالیستی اقتصاد در واحدهای منفرد تولیدی بودند و بدینسان بوجود یک

قدرت دوگانه (بلحاظ اقتصادی) رسمیت میبخشیدند. هدف فوری مبارزه کمیته‌های کارخانه علیه سرمایه‌داری، استقرار کنترل کارگران بر تولید بود. کمیته‌های کارخانه صورت جداگانه در واحدهای تولیدی پدید آمده، وسیعتر شدن بوده کارگران را در خود متشکل میکردند، در عین حال کمیته‌های کارخانه با اتحادیه‌ها نیز تفاوت دارند. زیرا اولاً اتحادیه‌ها تحت نظام سرمایه‌داری کارگران را بعنوان فروشندهگان نیروی کار، جهت مبارزه بر سر دستمزد و ساعات کار متحد میکنند، حال آنکه کمیته‌های کارخانه کارگران را بعنوان تولیدکننده جهت اعمال کنترل تولید متحد میکنند. علاوه اتحادیه‌ها تشکیلاتی بایدار طبقه محسوب میشوند، حال آنکه کمیته‌های کارخانه مبین یک وضعیت انتقالی، یک قدرت دوگانه در واحد تولید هستند و تشکیلی بایدار محسوب نمیشوند. ثانیاً اتحادیه‌ها کارگران را در سطح اقتصاد ملی متحد میکنند حال آنکه کمیته‌های کارخانه کارگران را در سطح واحد تولید متشکل میکنند. البته این امر محدودیت کمیته‌های کارخانه محسوب میشود. کمیته‌های کارخانه تنها در طی مبارزه میتوانند از سطح واحدهای منفرد تولید فراتر رفته، کارگران را بر پایه مقیاس کل صنعت متحد نمایند و در نتیجه رهبری برای مبارزه کل طبقه فراهم آورند. اما لازم این امر انتقال از قدرت دوگانه (اقتصادی) در واحدهای تولید به قدرت دوگانه در سطح ملی یا

مبارزه برای بکف آوردن قدرت سیاسی میباشد. بدین منظور کمیته‌های کارخانه باید به سطح شوراهای نمایندگی کارگری در مقیاس ملی ارتقاء یابند. ثالثاً کمیته‌های کارخانه تسوده برعکس وسیعتری را نسبت به اتحادیه‌ها در واحد تولید متشکل میکنند زیرا آنان محصول مستقیم اقدام تسوده‌ای برای کنترل تولید هستند. خلاصه آنکه، بنا به جمع بندی کا ملا صحیح کمینترن: "این عملکردهای متفاوت کمیته‌های کارخانه و اتحادیه‌ها تکامل تاریخی انقلاب اجتماعی را منعکس مینمایند. اتحادیه‌ها تسوده‌های کارگر را در مقیاس ملی برای مبارزه حول تقاضای ازدیاد دستمزد و ساعات کار کوتاه‌تر متشکل مینمایند. کمیته‌های کارخانه، مبارزه برای غلبه بر بحران اقتصادی و استقرار کنترل کارگران بر تولید را متشکل مینمایند؛ تمامی کارگران در یک واحد تولید در آن مشارکت مینمایند، اما مبارزه‌شان بتدریج خصلتی ملی کسب مینمایند. کمونیست‌ها تنها هنگامی میتوانند از اقدام تبدیل کمیته‌های کارخانه به سلولهای کارخانه اتحادیه پشتیبانی کنند که اتحادیه‌ها بر گرایشات ضد انقلابی بوروکراسی‌شان غلبه نمایند و به واحدهای انقلابی آگاه بدل شوند." (قطعاً مه کنگره دوم کمینترن "جنبش اتحادیه‌های، کمیته‌های کارخانه و انترناسیونال سوم"). بنا بر این کمینترن کمیته‌های کارخانه در تجربه تاریخی جنبش کارگری بطور کلی مترادف با ارگانهای تسوده‌ای طبقه کارگر نیست اعمال کنترل کارگری در واحدهای تولید است. و اما آیا در تجربه جنبش کارگری میهن ما، این ارگان پدید آمده است؟ آری، این ارگان مقدمتاً بشکل کمیته‌های اعتصاب و سپس تحت عنوان شوراهای پدید آمد. در حقیقت آنچه تحت عنوان "شوراهای کارخانه" در کشور ما پدید آمد، همانا کمیته‌های کارخانه بود و از همین امر نیز باید محدودیت عمده "شوراهای کارخانه" ما را مورد نقد قرار داد. "شوراهای کارخانه" در انقلاب ما، همانا ارگانهای کنترل کارگری در واحدهای تولید بودند و نه شوراهای نمایندگی سراسری. کمیته‌های کارخانه، عمدتاً در جداره واحدهای تولیدی

نقدی بر بینهش ...

جداگانه محصور شدند و راه تحول به اتحاد سراسری شوراهای نمایندگان را نیامودند.

مبارزه توده‌ای برای برقراری کنترل کارگری در واحدهای تولیدی باید به اتحاد شورائی سراسری کارگران جهت اعمال کنترل بر کل صنعت ارتقاء مییافت و یا باید عقب نشینی میکرد، چاره‌ای بجز این دو مسیر در مقابل وضعیت انتقالی نبود، و اما عقب نشینی دوایله داشت، بلکه اول عقب نشینی عبارت بود از تبدیل مبارزه کارگران برای کنترل تولید به مشارکت کارگران در مدیریت تولید، و انضامی کمیته‌های کارخانه بوسیله سندیکاها.

زمینه مادی این عقب نشینی عبارت بود از پراکندگی طبقه کارگر در واحدهای منفرد تولید، بورژوازی بسا قرارداد شرایط عمومی تولید در مقابل اقدامات پراکنده کارگری در واحدهای تولیدی که فراتر از "شرایط عمومی تولید" میرفت، این اقدامات را مورد حمله قرار میداد، تمرکز بخش عمده‌ای از صنایع در دست دولت، در دوران حکومت موقت بازرگان این امر را تسهیل میکرد، روشن است که ایسن تمرکز در صورت ارتقای مبارزه شورائی کارگران به سطح ملی میتواند زمینه‌ای جهت انتقال سریعتر به رژیم شورائی گردد اما این تمرکز اقتصادی همراه با تمرکز قدرت در دست روحانیت حاکم تنها وسیله‌ای جهت درهم شکستن اقدام کارگران برای کنترل تونید بود.

پله دوم عقب نشینی عبارت بود از تبدیل مبارزه کارگران برای کنترل تولید به حق مشورت آنان در مدیریت کارخانه، و انضامی کمیته‌های کارخانه بوسیله شوراهای اسلامی. زمینه این عقب نشینی را با ایدرو وضعیت مشخص مبارزه طبقاتی، در تسلط ارتجاع بنا بر تئورستی مذهبی بر جنبش انقلابی توده‌ای و کرنش پوپولیزم بسمت ایسن ارتجاع جستجو کرد. "حق مشورت" و "شوراهای اسلامی" نسبت به "حقوق مشارکت" و "سندیکا" عقب نشینی جدی - تری محسوب میشد، واضح است که مرکز ثقل "شوراهای اسلامی" ضدیت بسا کنترل کارگری بود، ولی این ضدیت بشیوه‌ای متمایز از مدیران سازمان

مییافت، بدین معنا که این ضدیت با اتکاء به حرج و مرج تولید (و نه نظم) و انقلاب اسلامی و به نام تابع کردن مبارزه اقتصادی کارگران نسبت به مبارزه ایدئولوژیک ضد طاغوتی تحقق پیدا میکرد. بین ارتجاع بنا بر تئورستی مذهبی و سوسیالیزم خلقی فرقه‌های ایدئولوژیک در برخورد به مسئله "شورا" قرابت بنیادین وجود دارد. هر دو "شوراها" رانه بمثابه ارگان توده‌ای جهت اعمال کنترل تولید بلکه ارگان متشکل کننده لایه معینی از طبقه (لایه ممتازی که بسا تعلق ایدئولوژیکش مشخص میشود) در مقابل مجموعه شکلهای پایدار طبقه (از جمله اتحادیه‌ها) در نظر میگیرند. علاوه بر دو مبارزه اقتصادی طبقه را به بهانه مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی نفی میکنند. این قرابت نیز چندان عجیب نیست. سوسیالیستها تا کنون بارها وجه اشتراک فرقه گرائی در جنبش کارگری با فرقه گرائی مذهبی و سوسیالیزم خلقی را با سوسیالیزم خاظر نشان کرده‌اند، در بررسی دیدگاه حزب کمونیست کومله درباره "شوراها"، ما این حقیقت را بهتر درک خواهیم کرد. تا اینجا دریافتم که کمیته‌های کارخانه، شکل حزبی محسوب نمیشوند و اینکه کمیته‌های کارخانه در تحریر جنبش کارگری میهن ما، همان چیزی هستند که سورانا میده شده‌اند.

### ب) شرایط عمومی پیداایش شوراهای

آقای فتوائی مینویسد: "حرا با وجود بنیادین و گسترش وسیع جنبش شورائی در دوران قیام و اولین سالهای بعد از آن، و با وجود آنکه خواست تشکیل شوراهای به یکی از مطالبات اساسی توده‌های کارگری از مسائل اصلی مبارزه میان طبقه کارگر و بورژوازی ایران تبدیل شده است، با این همه کمونیستها باید برای تشکیل سندیکاها مبارزه کنند؟" (سریسه کمونیست شماره ۵) در این عبارات جوهر بیش از آن تئورستی درباره شوراهای و شکل‌های غیر حزبی طبقه به صراحت فرموله شده است. نویسنده کمی در باره این نکته نیندیشیده است که چرا شوراهای "در دوران قیام و اولین

سالهای بعد از آن" پدید آمدند، گویا این امر تصادفی بوده است. حقیقت اینست که این "حزب کومله‌ای - اتحاد مبارزاتی" بمثابه برجمدارانترنا سیمونال نوین چندان واقعی به تحارب کمینترن در باره جنبش شورائی نمی‌نهند، چنانکه میدانیم، انترناسیونال کمونیستی در کنگره دوم، خود قطعنامه‌ای درباره تحارب جنبش شورائی تحت عنوان "جه هنگامی و تحت چه شرایطی شوراهای نمایندگان کارگران میتوانند تشکیل شوند" صادر نمود، این قطعنامه ناظر بر کلیه تحارب جنبش بین المللی کارگری از جمله تجربه سه انقلاب روسیه بود. در این قطعنامه شرایط سه گانه تکوین شوراهای نمایندگان چنین جمع بندی میشود: "الف) وسیعترین اقشار کارگران مرد و زن، سربازان و مردم کارگری بطور کلی در اعتلای انقلابی توده‌ای شرکت کرده باشند، ب) بحران اقتصادی و سیاسی بحران سطحی رسیده باشد که قدرت از دستان حکومت شروع به لغزیدن کرده باشد، ج) تصمیم قاطعی بوسیله اقشار قایل ملاحظه‌ای از کارگران و بالاتر از همه، بوسیله اعضای حزب کمونیست برای شروع یک مبارزه سیستماتیک، هماهنگ و قاطع برای قدرت گرفته شده باشد".

قطعنامه همچنین تحارب کلیه انقلابیات را منتهی بر افول جنبش شورائی و مسخ آن در شرایط افت جنبش انقلابی توده‌ای خاظر نشان میشود و علیه اقدام گروهیای منفرد کمونیستی در فرانسه، ایتالیا، آمریکا و بریتانیا بسا بوجود آوردن شوراهای علیرغم فقدان شرایط تصرف فوری قدرت، جنبش همدار میدهد: "کوششهای گروهیای منفرد کمونیستی در فرانسه، ایتالیا، آمریکا و بریتانیا برای ایجاد شوراهای علیرغم این واقعیت که توده‌های وسیع کارگر درگیر آن نیستند، و اینکه بسا مبارزه مستقیم برای قدرت خارج از دستور است، تنها به تدارک واقعی انقلاب شورائی لطمه میزند. "شوراهای" "برها هوئی" مصنوعی در بهترین حالت به مجامع کوچکی که ایده‌آل‌های قدرت شورائی را تقلید میکنند، انحطاط مییابند و در بدترین حالت به "شوراهای" بوجوی که تنها قادرند این ایده‌آل‌ها را در

# مسئله مسکن و رژیم جمهوری اسلامی ایران

را به دولت‌های خودکامه حافظ سرمایه‌داران و نظام سرمایه‌داری تحمیل کنند اما حل قطعی، نهائی و ریشه‌ای مسئله مسکن بطور تنگاتنگی با مسئله قدرت سیاسی و انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه کارگر پیوند یافته است. تجربه تاریخی نشان میدهد که تنها در جوامع سوسیالیستی است که مسئله مسکن در مسیر حل اساسی قرار گرفته است و بالعکس در پیشرفته‌ترین جوامع سرمایه‌داری علیرغم همه امتیازات مهمی که کارگران و زحمتکشان در مبارزات طولانی خود به کف آورده‌اند مسئله مسکن هیچگاه بنفع آنها حل نشده است. اما مسئله مسکن میتواند بایک سلسله اقدامات ضربتی و بسا برنامه‌ریزیهای میان مدت و دراز مدت بنفع کارگران و زحمتکشان حل شود. رئوس این اقدامات و برنامه‌ها را میتوان شرح زیر برشمرد.

(۱) ملی کردن اراضی شهری: ملی کردن زمینهای شهری با پایان بخشیدن به بدیده بورس‌بازی زمین میتواند نقش مهمی در کاهش قیمت‌های ساختمان و اجاره‌ها ایفا نماید. مالکان بزرگ اراضی شهری از طریق تملک خود برای این اراضی و بر بستر بحران و کمبود مسکن بخش مهمی از ارزش نیروی کار کارگران را بلعیده و بدین ترتیب در استثمار کارگران با بورژوازی سهیم میگرددند. ملی شدن اراضی شهری از طریق درهم شکستن زمینه بورس‌بازی و کاهش اجاره‌ها که نتیجه مستقیم از بین رفتن مالکیت بزرگ اراضی شهری است نقش قابل توجهی در کاهش فشار بر دستمزدهای کارگران و درآمد حقوق بگیران جزء و متوسط و بهبود سطح زندگی آنها خواهد داشت. مرنظر از مالکیت‌های بزرگ بر اراضی شهری، ملی شدن بمعنی حذف حق خرید و فروش زمینهای شهری بوده و در حکم سلب حق بهره برداری مالکین کوچک از زمین‌ها و ساختمان‌های خود نخواهد بود. آنها میتوانند از مایملک خود بهره برداری کرده اما در همان حال با حذف حق خرید و

آلونکها، حلبی آبادها و حصارآبادها انباشته شد.

در حکومت فقها نیز با تشدید بحران اقتصادی و بین بستهای آنها در بازسازی اقتصاد سرمایه‌داری، سرمایه‌ها به فعالیت خود در بخش‌های غیرمولد و از جمله بورس‌بازی بر روی زمین و ساختمان ادامه میدهند. در نتیجه قیمت زمین، ساختمان، اجاره و مصالح ساختمانی بسرعت افزایش یافته است. شرکت‌های بزرگ معاملات مسکن که از سازمان دهندگان اصلی بورس‌بازی و افزایش قیمت زمین و اجاره‌بها هستند و بدیعه را بعنوان یک تحمیل کمرشکن به مستاجرین و خوش خدمتی بی شائبه به مالکان، وسیعاً اشاعه داده‌اند. کمبود مسکن و اجاره سنگین بویژه بر کارگران، کارمندان جزء و متوسط فشار خرد کننده‌ای وارد ساخته و در اغلب موارد بیش از نیمی از حقوق آنها را می‌بلعد.

توده‌های حاشیه تولید نیز از بافت مسئله مسکن در معرض ختن ترسین شیوه‌های سرکوب قرار دارند. جمهوری اسلامی برای جلوگیری از سیل مهاجرت و اسکان در حاشیه شهرهای بزرگ نه فقط آنها را از خدمات شهری محروم میسازد بلکه به تخریب خانه‌ها، بشان پرداخته و یا به محدودیت‌هایی همچون مشروط ساختن استفاده از دفترچه‌های رزاق عمومی به حداقل ۱۵ سال سکونت در شهرهای بزرگ دست می‌بازد. بحران مسکن از همینرو به یکی از نیرومندان ترین محرک‌های کارگران، کارمندان و بویژه تهیدستان حاشیه تولید در مبارزه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

## مسئله مسکن چگونه

### حل خواهد شد؟

اگرچه طبقه کارگر و سایر اقشار زحمتکشان و تهیدستان میتوانند در برتومبارزات خود پیرامون مسئله مسکن به دستاورد های چشمگیری نائل آیند و این دستاورد ها

مسکن در شرایط حاضر تبدیل به یکی از حادثترین مطالبات کارگران و زحمتکشان شده است. بحران مسکن در جامعه ما با زتاب بحران ساختمانی اقتصاد و ناموزونی‌هایی است که نظام سرمایه‌داری در روند تحول خود بسدان دچار آمده است. پس از اصلاحات ارضی سال ۴۱ و غلبه مناسبات سرمایه‌داری در مجموعه ساختار اقتصادی - اجتماعی ایران، شهرنشینی با ابعاد وسیعی رو به رشد نهاد. اقتصاد متکی بر نفت شهرها رابه کانون بوروکراسی متورم و خدمات پر شاخ و برگ تبدیل ساخت که البته میتوانست در متن و با جنب خود مشاغل پایدار یا ناپایدار با درآمد های غیر قابل رقابت در مقام مقابسه با اقتصاد خرد زوال یابنده دهقانی برای توده‌های فلاکت زده روستاها فراهم سازد. مهاجرت شتاب یابنده خرد تولید کنندگان دیروز و ورشکستگان امروز به شهرها، متورم شدن شهرهای بزرگ به بدیده‌ای رایج بدل گشت. هجرت جمعیت روستایی به شهرها، شکل یابی طبقه کارگر و خرد بورژوازی جدید که محصول رشد مناسبات سرمایه‌داری بودند و بویژه رشد و گسترش اقشار مرفه و بورژوازی و تقلید آنها از الگوی زندگی بورژوازی غرب، رشد جهش آسای تقاضا برای مسکن در ابعاد بسیار وسیع و عمومی را موجب شد. این عوامل زمینه را برای پیدایش بحران مسکن مهیا ساخت. بخش مهمی از سرمایه‌ها جذب بورس‌بازی بر روی زمین و ساختمان شدند. مالکان اراضی شهری، بورس بازان زمین و ساختمان، شرکت‌های بزرگ معاملات زمین و مسکن، شرکت‌های ساختمانی و ساز و بفروش‌ها بر بستر بحران و کمبود مسکن بولهای هنگفتی بارو کردند و بنوبه خود بر بحران مسکن دامن زدند. بخش عمده خانه سازی معطوف به ساختن ساختمانهای مجلل، قصرهای مدرن و ویلاهای اشرافی برای بورژواها در مناطق مرفه نشین شهرهای بزرگ گشت در حالیکه مناطق فقر زده و حاشیه این شهرها از خانه‌های کوچک و نامناسب با جمعیت زیاد، گودها،

## مسئله مسکن و ...

فروش زمینها قادر نخواهند بود از افزایش جهش آسای قیمت زمین در جهت چپا و کارگران و زحمتکشان بهره - برداری نمایند.

(۲) کاهش و کنترل اجاره بها: اجاره بها باید طوری تنظیم شود که تنها سهم محدودی از دستمزد کارگران و درآمد زحمتکشان را بخود اختصاص دهد. اجاره ها باید براساس میزان درآمد مستاجر، مساحت خانه، تجهیزات و نوع ساختمان تحت اجاره تعیین شود. بهمراه ملی شدن اراضی شهری کاهش موثر اجاره ها باید مهمترین نقش را در افت فشار اجاره های سنگین بر دستمزد کارگران و درآمد حقوق بگیران جزء و متوسط و بهبود سطح زندگی آنها داشته باشد. در مواردی که خانه های تحت اجاره متعلق به افراد تهیدست و از کار افتاده ای است که زندگی آنها عمدتاً از طریق اجاره اطاقها و ویلا خانه ها تامین میگردد باید مابین التفاوت عادلانه ای به آنها پرداخت شود.

(۳) مسافره واحدهای بزرگ مسکونی، خانه های خالی و مستغلات سرمایه داران و زمینداران بزرگ توسط دولت انقلابی و واگذاری آنها به تهیدستان بی - خانمان و بی پناه از طریق نظارت شوراها. مسلم است که اقدام مصادره به تنهایی قادر به پاسخگویی به کمبود مسکن نخواهد بود زیرا جمعیت در شهرهای بزرگ بگونه ای است که اکثریت کارگران و زحمتکشان علیرغم مصادره های یاد شده قادر نخواهند شد از حداقل مسکن مناسب برخوردار شوند. اما این اقدام تا آنجا که میتواند برای بخشهای معینی از توده ها که بی سرپناه بوده و در بدترین موقعیت به لحاظ مسکن قرار دارند چاره ساز باشد باید بعنوان یک اقدام ضربتی بکار بسته شود.

(۴) تعمیر و نوسازی خانه های قابل استفاده قدیمی و واگذاری آن به ساکنین سابق و یا متقاضیان جدید. از آنجا که تامین مسکن مناسب برای همه کارگران و زحمتکشان با توجه به اولویت بندیها مستلزم زمان و آنهم زمان طولانی است لذا باید ساختنهای قدیمی و یا ساختمانهای که بلحاظ

بنا نامناسب بوده اما قابل تعمیراند نوسازی و تجهیز شوند.

(۵) ارائه امکانات و وام به تعاونیهای داوطلبانه ای که برای تامین مسکن توسط اهالی ایجاد میشوند. در این زمینه باید دولت امکانات لازم را در اختیار این تعاونیها قرار دهد تا آنها با تجهیز همه اعضاء خود اقدام به احداث ساختمانهای جدید نمایند.

(۶) ساختن مجتمعهای بزرگ مسکونی از طریق بنیان گذاری صنعت مدرن ساختمان و شهرسازی بعنوان محور اصلی حل مسئله مسکن. مسلم است که پیشبرد این برنامه در مقیاس توده ای و وسیع مستلزم برنامه ریزیهای دراز مدت است. از آنجا که در حکومت انقلابی حق مسکن مناسب مانند حق کارگری از حقوق مسلم شهروندان است بنا بر این برنامه احداث مجتمعها و شهرهای جدید برای تامین مسکن مناسب برای همه اهالی باید ادامه یابد. آبارتمانهای جدید باید با اجاره های نازل و با توجه

به اولویتها در اختیار کارگران، زحمتکشان و کلیه نیازمندان قرار داده شود.

(۷) جلوگیری از رشد بی رویه جمعیت شهرهای بزرگ از طریق الف: احیاء کشاورزی توسط نظام تعاونیها و اعمال حمایت قاطع دولتی از آنها و در نتیجه کاهش مهاجرت اجباری دهقانان و ورشکته به شهرها. ب: اجرای سیاست عدم تمرکز در روند صنعتی شدن کشور. توسعه مناطق صنعتی جدید و ایجاد انگیزه برای جذب اضافه جمعیت شهرهای بزرگ. قطبهای صنعتی جدید باید همزمان با جذب نیروی کار از شهرهای بزرگ امکانات مناسب اسکان را در اختیار جمعیت این مناطق قرار داده و بدین ترتیب فشار جمعیت بر شهرهای بزرگ را کاهش دهند.

موارد بالا در کلیت خود تنها میتواند برنامه یک دولت انقلابی شورائی برای پاسخگویی به نیاز کارگران و زحمتکشان در ارتباط با بقیه در صفحه ۲۱

## مبارزات زحمتکشان "شاد شهر"

## از سنگری به سنگر دیگر

دهند. مردم همانجا با اعتراض کردند و میگویند: "ما سالها زجر کشیدیم تا آب لوله ها یمان کمی زیاد تر شده است و حال باید چوب دزدی دیگران را بخوریم." و زحمتکشان اعلام می کنند که آماده مقابله با ماوران شهرداری هستیم. اواسط هفته سوم مرداد ماه ماوران شهرداری بهمراه تعداد زیادی پاسدار سه راه "باغ نرده" ریخته و شروع به کندن زمین می کنند. مردم "باغ نرده" از مساله باخبر میشوند. زنان جلودار حرکت شده و به پاسداران اعتراض می کنند. پاسداران با توسل به اسلحه و خشونت جلوی زنان را سد می کنند و زنان مبارز بعد از حدود ۲ ساعت مقابله با پاسداران، عقب نشسته و شروع به سنگ - پزانی به سوی پاسداران می کنند. مقاومت و مبارزه دلیرانه زنان شاد شهر (محل باغ نرده) باعث می شود پاسداران از کندن بیشتر زمین منصرف شده، مناطق کندن شده را پر کرده و عقب نشینی نمایند. این موفقیت در روحیه زنان و مردان زحمتکش نشین شاد شهر اثرات بسیار مثبتی داشت. اکثراً می گفتند: "فکرمی کنند می توانند با ما در بیفتند. روی یک مشت کارگر و زحمتکش اسلحه می کشند. خجالت هم نمی کشند." (به نقل از: "اتحاد کارگران" (۴) مهر ۶۳ نشریه محلی جنوب غرب تهران - وابسته به سازمان)

"شاد شهر" یک شهرک کارگر نشین در ۲۰ کیلومتری جاده ساوه می باشد که طی یکسال گذشته مبارزات بسیاری در محله های مختلف آن صورت گرفته است. اب یکی از مسائل مهم ساکنان این شهرک و محور اکثر مبارزات آنان می باشد در محله "باغ نرده" شاد شهر، مدتی است که با همت و مبارزات انقلابی مردم، فشار اب کمی بیشتر شده است. بعد از ماه رمضان در محله شاد شهر می شود که رژیم قصد دارد از اب این منطقه به محله مجاور که آنهم محله ای از شاد شهر است لوله کشی نماید. بعد از پیگیری مساله از طرف مردم محله "باغ نرده" معلوم میشود که شهرداری مدتها پیش مقدر زیاد پول از مردم محله مجاور گرفته و قول لوله کشی اب را داده است. اما طی این مدت پول مردم را به جیب زده و چون با اعتراض زحمتکشان روبرو شده است تصمیم گرفته از "باغ نرده" برای انجا اب بکشد. مردم چون از این موضوع آگاه میشوند از طریق نماینده های محلی به شهرداری اعتراض کرده و میگویند: "مانمی گذاریم اب ما را بجای دیگری ببرید. ازانها پول گرفته - اید برای شان چاه بزنید." بعد از مدت ها درگیری در مرداد ماه امام جماعت در بالای منبر به مردم "باغ نرده" اطلاع میدهد که تا چند روز دیگر ماوران برای لوله کشی اب به محله مجاور خواهند آمد و متذکر میشود که مردم "صبر اسلامی" را از خود نشان

# اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان

## اعتصاب کارگران "کانادا درای" مقاومت قهرمانانه، جدالی نابرابر

در شماره ۶ نشریه "راه کارگر" خبر اعتصاب قهرمانانه کارگران کانادا درای درج گردید. پس از آن با دریافت نشریات منطقه ای سازمان و دیگر گزارشات خبری زوایا و نکته های مهمی از حرکت انقلابی کارگران بطور کاملتر انعکاس داده شده است. ما بدلیل اهمیت این اعتصاب و قهرمانیهای کارگران در شرایط سرکوب فاشیستی کنونی حاکم بر میهنمان، با استفاده از عمدتاً نشریات "اتحاد کارگران" شماره ۴ و "اتحاد سرخ" شماره ۱ گزارش خبری زیر را تنظیم کرده ایم:

شرکت سازان تولید کننده نوشابه های "کانادا درای"، کوکاکولا، سون اپ و جریه" با داشتن نزدیک به چهار هزار نفر کارگر در سه شیفت یکی از کارخانجات بزرگ جاده قدیم کرج و در جوار کارخانه شیشه و گاز می باشد. کارگران این کارخانه نیز مانند سایر کارخانجات از کمبودها و خفقان حاکم بدست مدیریتان وابسته به "بنیاد مستضعفان" رنج می برند. مدیریت این کارخانه در مقاطع مختلف به بهانه های جنگ و کاهش تولید از پرداخت پاداش افزایش تولید خودداری می نماید. امسال نیز مدیریت اعلام می کند بدلیل کاهش تولید در چهار ماهه اول سال، پاداش پرداخت نخواهد شد؛ و این در حالی بود که کارگران بدلیل گرم بودن هوا تولید را افزایش داده بودند. آنان که مشاهده کرده بودند که کارگران کارخانه شیشه و گاز در سایه مبارزاتشان از حقوق و مزایای بیشتری نسبت به خودشان برخوردارند، تصمیم می گیرند از مبارزات آنها سرمشق گرفته و در مقابل ندان پاداش اعتراض نمایند. در ابتدا اعتراضات بصورت فردی و پراکنده صورت می گیرد. در تاریخ ۲۶ تیر ماه، یکی از کارگران پیشرو و مبارز بالای میز ناها رخوری رفته و با صدای بلند می گوید: "کارگران شما همگی مرا می شناسید. من حدود ۱۴-۱۵ سال است که در اینجا کار می کنم، نه ضد انقلاب هستم و نه چیز دیگری الان میدانم که ما چند تولید داریم و میدانم که سال گذشته حدود چند بیلبیون تومان سود داشته ایم. اما مدیریت حق ما را می خورد و ما پاداش افزایش تولید نمی پردازد." کارگران پس از شنیدن حرفهای او به جنب و جوش آمده با تصدیق گفته های کارگر مبارز، اعلام می کنند مدیریت باید بطا پاداش پرداخت کند. انجمن اسلامی کارخانه کسه از شور و آگاهی آنان بوحشت افتاده بود به ناها رخوری آمده و خطاب به کارگران

می گوید: "ما این کارگر را می شناسیم و مدتی است او را تحت نظر داریم، او فردی ضد انقلاب، منافق و کمونیست، حرف او را گوش نکنید، او می خواهد اخلال و آشوب کند." کارگران گول حرفهای انجمن اسلامی را نخوردند، بعد از نهار دسته جمعی با دادن شعار مرگ بر سه مفسدین (اسم سه تن از روسای کارخانه) به قسمتها بر میگردد و بقصد گرفتن پاداش دست از کار کشیده، اعتصاب مینمایند. کارگران شیفت ۲ نیز از عمل انقلابی کارگران شیفت ۱ دفاع کرده و بقصد گرفتن پاداش افزایش تولید و دیگر خواسته های دست از کار کشیده و به اعتصاب می پیوندند، کارگران از خروج کامیونهای فروش از کارخانه جلوگیری بعمل می آورند. فردای آنروز ۳ نفر از دادستانی به همراه تعداد زیادی پاسدار به کارخانه می ریزند و کارگر مبارزی که جرقه اعتراض همگانی رازده بود و سر کارگر مبارز دیگر را دستگیر می نمایند و با ایجاد جو رعب و وحشت سعی می کنند کارگران را به سر کار برگردانند، اما کارگران که خشم یک عمر ستندیدگی و حقارت را در دل داشتند به سر نمایندگان دادستانی ریخته و آنها را گروگان میگیرند و اعلام می کنند در صورتی آنها را آزاد می کنیم که ۴ کارگر مبارز را آزاد کنید. پاسداران سرمایه از این جو بهم ریخته استفاده کرده و بداخل سالنها هجوم می آورند و با تیراندازی بطرف کارگران نمایندگان دادستانی را آزاد می نمایند. به گفته شاهدان ۲ کارگر شهید و عده ای مجروح می گردند. کارگران با نظریه های شکسته نوشابه به جنگ پاسداران سرا پا مسلح می روند و کارخانه یکبارچه صحنه مقاومت و نبرد آنان با پاسداران می گردد. پاسداران که مبارزه و سر سختی همگانی کارگران را مشاهده می کنند، عقب نشینی می نمایند. کارگران بعد از تعطیلی سه شنبه و جمعه در روز شنبه همراه با زن و بچه های دستگیرشدگان و زخمیها به کارخانه آمده و همچنان اعتصاب را ادامه می دهند. روز سه شنبه ۲ مرداد مسله "صانعی" دادستان انقلاب به کارخانه آمده و برای کارگران سخنرانی می نماید و می گوید: "ما حامی مستضعفین هستیم اما الان جنگ است و باید سختیها را تحمل کرد." یکی از کارگران از وسط سالن بلند شده و فریاد میزند این "صانعی" اصلاً ایرانی نیست. او پدر و مادرش مغول هستند و خودش خونخوار و آدمکش است." پاسداران "صانعی" برای دستگیری این کارگر

بمیان کارگران حمله ور میشوند، اما با مقاومت کارگران روبرو شده و کارخانه بار دیگر صحنه درگیری میشود. کارگران مجدداً پاسدار "صانعی" را دستگیر کرده و سالن را تحت کنترل خود می گیرند. "صانعی" که موفق به فرار میشود از مرکز تقاضای کمک می کند و در زمانی کوتاه ۵۰۰ پاسدار مسلح بداخل کارخانه ریخته و شروع به تیراندازی می کنند. بار دیگر تعدادی شهید و مجروح میشوند، حدود ۳۰۰ کارگر نیز دستگیر میشوند. از فردای همان روز کارخانه شروع تعطیلات تابستانی را اعلام میکند، اما کارگران به همراه خانواده های مجروحین و دستگیرشدگان در روزهای ۵ شنبه و جمعه ۴ و ۵ مرداد ماه مجدداً با کارخانه می آیند لکن در همانجا از طرف پاسداران سریعاً متفرق میشوند. بعد از تعطیلات تابستانی، دادستانی در داخل کارخانه شعبه ای دائر میکند و هر روز تعدادی از کارگران مبارز را به دفتر فرامیخوانند که در آنجا پاسداران و یکتفر بعنوان بازجو منتظر کارگران مبارز بودند. بهنگامیکه کارگران فراخوانده شده وارد اتاق می شدند، بازجو سؤال میکرد، که چرا اعتصاب کرده بودید؟ پاسخ کارگران این بود که ما اعتصاب نکردیم بلکه بامدیریت اختلاف داشته ایم که حق ما را ندادند و ما سعی در گرفتن حق خودمان داشته ایم. بازجو سؤال میکرد که چرا به خمینی فحش داده اید که کارگران مکرر فحش دادن بودند و زمانیکه بازجویی به اینجا میرسید پاسداران به کارگر حمله کرده و شیدا او را مورد ضرب و شتم قرار میدادند و سپس کارگر خون آلود را به کمیته برده و دوباره مورد آزار و شکنجه قرار میدادند، شکنجه کارگران از شلاق خوردن تا گذاشتن تفک روی شقیقه و مجبور کردن آنها به نوشتن وصیتنامه و فحش های رکیک ادامه می یافتند و سرانجام آنها را مجبور به امضاء تعهدنامه ای میکردند که حق نزدیک شدن به کارخانه را نداشته و آنها را از کارخانه نیز اخراج مینمایند. گرچه تعدادی از کارگران آزاد شدند، اما تاکنون تعدادی از کارگران در زندان بسر میبرند.

خبر اعتصاب کارگران مبارز کارخانه "کانادا درای" سریعاً در سطح جامعه پخش گردید. در کارخانه دیگر با پخش خبر اعتصاب، کارگران احساس غرور و شادی میکردند. به دیوارها و دستشوییهای اکثر کارخانه ها شعارهایی مبنی بر پشتیبانی و درود بر کارگران اعتصابی شرکت سازان نوشته شد. کارگران دیگر کارخانه ها در جمعهای هرچند کوچک خود و در سرویسها خبر اعتصاب را نقل نموده و می گفتند باید از آنها پشتیبانی کرد.

### اعتصاب در کارخانه جنرال صنعتی

### مقاومت کارگران راه آهن در برابر اخراج همکارانشان

### پیروزی کارگران تولیدارو

کارخانه جنرال صنعتی حدود ۱۲۰۰ کارگر دارد و سازنده انواع آب سرد کن، آب گرمکن و بخاری میباشد. این کارخانه روبروی کارخانه جنرال استیل قرار دارد. کارگران این کارخانه در تاریخ ۳۰/۴/۶۳ بمنظور دریافت حقوق و پاداش افزایش تولید به حسابداری مراجعه می کنند، ولی مشاهده می نمایند که هیچگونه پولی بعنوان پاداش که سالانه در سه نوبت پرداخت می شود، در لیست تعیین نشده است. بمرور پخش این خبر در سراسر کارخانه، کارگران دسته دسته به دفتر مدیریت مراجعه کرده و خواهان توضیح در مورد عدم پرداخت حق افزایش تولید میشوند. مدیر کارخانه مهندس زرگر می گوید که سود چهارماهه اول کارخانه را برای تأمین بخشی از تسلیحات جنگی و هزینه های جنگ بجهت ارسال کرده ایم، کارگران در پاسخ به وضعیت فلاکت بار زندگی خود اشاره کرده و به این تصمیم ضد کارگری شدیداً اعتراض می کنند، بمرور که کارگران بخشهای مختلف کارخانه از این اقدام مدیریت مطلع میشوند و به سبب یافتاری کارگران در دریافت حق افزایش تولید که بخشی از حقوقشان می باشد و اصرار مدیر بر تصمیم خود، کارگران را خشمگین ساخته و منجر به توقف تولید از طرف کارگران میشود. اعتصاب بمدت ۳ روز یعنی تا روز ۳ شنبه ۲ مرداد ماه ادامه یافته و کارگران روز سه شنبه به اعتصاب خود پایان داده و تولید از سر گرفته میشود.

(به نقل از: "اتحاد کارگران" (۴) مهر ماه ۶۳ نشریه محلی جنوب غرب تهران - وابسته به سازمان)

در روز جمعه هفته اخیر ماه رمضان (روز قدس) دو لکوموتیو در راه آهن تهران بر اثر یک سانحه بهمد یگر برخورد می کنند و خسارات قابل توجهی ببار می آید. مسئولین راه آهن چند نفر کارشناس را برای ارزیابی میزان خسارت و علت وقوع حادثه به محل می فرستند. آنها گزارش می دهند که ایسن تصادف بطور عمدی صورت گرفته است و مسئولین برای تهدید کارگران از فرصت سوءاستفاده کرده و می گویند: چون روز قدس بوده، رانندگان لکوموتیو می خواستند با استفاده از این تصادف ساختگی دست به خرابکاری بزنند و بر اساس این گزارش (کارشناسها) پرونده های بر علیه رانندگان لکوموتیو تشکیل داده و هر دو را بلافاصله اخراج می کنند. کارگران دیگر که این خبر را می شنوند و بعضی از آنها نیز شاهد تصادف بودند، یقین داشتند این حادثه عمدی نبوده است و شدت خشمگین شده و همگی دست با اعتصاب می زنند و اعلام می کنند تا رفقای اخراجی ما به سرکار برگردانده نشوند، ما قطارها را حرکت نخواهیم داد و حداکثر تا پنج کیلومتر به خارج تهران خواهیم بود. مقامات مسئول سعی می کنند با تهدید اخراج و ایجاد رعب و وحشت رانندگان راه آهن را به سرکارها - پیمان برگردانند ولی این توطئه در برابر اتحاد کارگران راه آهن که بطور یکپارچه دست به اعتصاب زده بودند، شکست خورده و مجبور به عقب نشینی میشوند و سرانجام کارگران اخراجی به سرکار برگردانند.

(به نقل از نشریه "کارگران انقلابی غرب تهران" (۵) - مرداد ماه ۶۳ - وابسته به سازمان)

حدوداً اواخر تیرماه کارگران يك قسمت از کارخانه در برابر اخراج یکی از کارگران که با سرپرست قسمت درگیر شده بود، تهدید به اعتصاب می کنند، که مسئولین کارخانه با وحشت از وحدت کارگران از اخراج کارگر مزبور صرف نظر می کنند. کارگران طبق معمول، زمانی که بوی بدناشی از سوختگی مواد تولید شده بوجود می آید و برای جلوگیری از اثرات سوء آن بر سلامتی کارگران، دست از کار می کشند و محل کار را ترک می کنند، تا بعد از ناپدید شدن بو دوباره مشغول بکار شوند. سرپرست قسمت که عامل مزور مسئولین کارخانه است برای خود شیرینی، بدین اقدام کارگران اعتراض می کند و بعنوان تهدید کارگران، کارت کارگری را ضبط می نماید و بوی وهمه کارگران توهین می کند. کارگر مزبور با سرپرست درگیر میشود و کارگران قسمت فوق نیز برای حمایت از همکارشان دست به اعتراض می زنند و می گویند: "این مساله مربوط بیک یا ۲ نفر نیست و مربوط بهمه کارگران است و در این مواقع همه دست از کار می کشیم و اکنون نیز تا موقعی که همکارمان به سرکار برنگردد، ما همگی کار نخواهیم کرد". سرپرست به کارگر مزبور می گوید: "حالا من کارت را ضبط می کنم و نمی گذارم ساعت بزنی تا تکلیف مشخص شود". بعد از یک ساعت کارگر مزبور را بد فتر احضار می کنند. همه کارگران از کارگر مزبور حمایت می کنند و مسئولین کارخانه از ترس کارگران وی را به سرکار برمی گردانند. بعد از یکی دو روز جلسه ای توسط مقامات مسئول کارخانه برای بررسی مسئله تشکیل می شود و در نتیجه بعد از قدردانی از اصطلاح زحمت سرپرست، از نحوه برخورد و صحبتش با کارگران انتقاد می شود و کارت کارگر مزبور به او پس داده می شود و هم چنین بخاطر توهینی که به کارگران شده بود عذرخواهی می نماید و به کارگر مزبور می گویند، "اصلاً سرپرست حق ندارد که کارت شما را ضبط کند و این در حیطه اختیارات سرپرست نیست".

(به نقل از نشریه "کارگران انقلابی غرب تهران" (۵) - مرداد ماه ۶۳ - وابسته به سازمان)

گرفته و در انبار کارخانه زندانی می نمایند. مدیر عامل به دست و پا افتاده و بعد از تقریباً چند ساعت با کلیه خواستهای کارگران موافقت می کند و کارگران نیز او را آزاد می کنند.

در کارخانه "ترانزیستورسازی" رشست نیز کارگران، مدیر عامل کارخانه را "گروگان" میگیرند.

(به نقل از: "پیام زحمتکشان" (۹) - شهریور ۶۳ - ارگان هواداران سازمان گیلان)

### کارگران مدیرعامل را گروگان میگیرند!

کارخانه "ابریان" در شهر صنعتی رشت واقع شده و کمتر از ۵۰ کارگر دارد. تولیدات این کارخانه انواع تشکهای ابری و تولیداتی از این قبیل می باشد که مواد اولیه آن از استان غربی تأمین می گردد. این کارخانه خصوصی است و از جانب صاحبان شخصی بعنوان مدیرعامل، کارخانه را اداره می کند. مدیر عامل کارخانه بعد از مدتی میزانی از درآمد کارخانه را بالای می کشد و برای آنکه اعتراض کارگران را بخواباند، تسهیلاتی از قبیل کانتینر غذای گرم و نیز بشکهای خالی مخصوص مواد اولیه را که به قیمت حدود ۱۰۰۰ تومان در بازار آزاد خرید و فروش می شود، در اختیار کارگران قرار می دهد. بعد از مدتی دست مدیر عامل رو می شود و فرار می کند. صاحب کارخانه نیز نصف سهام کارخانه را بشخصی

می فروشد که ضمناً بعنوان مدیرعامل کارخانه نیز مشغول بکار میشود. مدیرعامل جدید بمحض شروع بکار به اقدامات ضد کارگری جهت پائین آوردن حقوق و مزایای کارگران از جمله بستن کانتینر، ندادن سهمیه بشکه حتی سالی یکبار بالا بردن سرعت کار دست میزند. مدیرعامل که به آسانی قادر بانجام تمامی اقدامات ضد کارگری فوق نمی باشد، با همکاری رئیس اداره کار تصمیم با اخراج کلیه کارگران و بستن کارخانه بطور موقت و استخدام کارگران جدید با حقوق و مزایای پائین می نماید. کارگران با دیدن وضعیت جدید اقدام به نوشتن نامه برای کلیه ارگانهای رژیم در استان از جمله اداره کار، سپاه، امام جمعه و نیز رئیس جمهور و مجلس می نمایند. پس از چند روز که به نامه کارگران ترتیب اثر داده نمیشود، کارگران تصمیم به گروگان گرفتن مدیرعامل می نمایند. بدنیال این تصمیم صبح روز ۲ شهریور کارگران با ورود مدیر عامل دست از کار کشیده، او را

### مقاومت کارکنان

## "شرکت ملی فولاد ایران"

"شرکت ملی فولاد ایران" یکی از ادارات مرکزی صنایع فولاد است که بدنبال سیاست عدم تمرکز اداری رژیم فقها، از تهران به اصفهان انتقال یافته است. این اداره بیشتر به امور مالی و اداری شرکت‌های (دوب آهن، مجتمع فولاد مبارکه، نورد اهواز مستقر در مجتمع فولاد مبارکه) را بعهده دارد. پرسنل این اداره مرکزی از دوب آهن و از تهران انتقال یافته اند. اخیراً وزیر صنایع "نبلی" طی بخشنامه ای خواهان انحلال این اداره مرکزی شده و انتقال آنرا به تهران مطرح مینماید و از کلیه پرسنل آن می‌خواهد که به جاهای قبلی خود بروند. کلیه کارکنان این اداره که ۱۵۰ نفر می‌باشند با این طرح مخالفت نموده و اعتنایی به بخشنامه مربوطه نمی‌کنند. در بخشنامه بعدی از کارکنان خواسته میشود که اگر به میل خودشان اداره را ترک نکنند به زور متوسل خواهند شد. کارکنان بنا به وضعیت شغلی که با مشکلاتی از لحاظ اشتغال مجدد و یا انتقال بهتران گریبان گیرشان خواهد شد، مقاومت نمود و برای جلوگیری از اینکه ممکن است شبانه به اداره حمله کنند و وسائل را بتهران ببرند، ازین خنود نگهبانانی انتخاب می‌نمایند. بدنبال این جریان‌ها در تاریخ ۵ شنبه ۲۲ شهریور ماه در ساعت ۶ صبح حدود ۵۰ نفر حزب اللهی به همراه پاسداران به جلوی درب ورودی ساختمان آمده و خواهان رفتن به داخل ساختمان می‌شوند تا اناشیه و وسائل ساختمان را جمع‌آوری نمایند. این اقدام مزدوران با مقاومت نگهبانان روبرو شده و درگیری شروع می‌شود. کارکنان اداره که بسرکار می‌آیند و از بردن وسائل توسط مزدوران جلوگیری می‌کنند. عده ای از کارکنان به شهربانی رفته و از پلیس می‌خواهند که مزدوران حزب اللهی و پاسداران را متفرق نمایند، اما شهربانی اعلام بی طرفی می‌نماید. سرانجام افسر کشیک شهربانی به اداره آمده و از مزدوران می‌خواهد که بپراکنده شوند و برای متفرق کردن آنها شروع به تیراندازی هوایی می‌نماید. با افزایش پرسنل و تجمع مردم، درگیری شدت زیادی پیدا می‌کند، بطوریکه با سنگ کلیه شیشه‌های این اداره شکسته شده و در اثر تیراندازی عده ای از طرفین زخمی و روانه بیمارستان می‌شوند. این درگیری تا ساعت ۱۱ صبح همان روز ادامه می‌یابد تا سرانجام با ورود سپاه و شهربانی اداره مزبور تحت کنترل آنها درمی‌آید. طبق آخرین خبر بلیکه کارکنان اداره تا ۱۵ روز مهلت داده شده که بسر کارهای قبلی‌شان برگردند و الا اخراج خواهند شد.

(به نقل از "پیام زحمتکشان" (۹) - شهریور ۶۳ - ارگان هواداران سازمان - گیلان)

## اعتراض مردم فیروزکوه به اعدام یک جوان انقلابی

اواخر مرداد ماه در فیروزکوه، یک جوان انقلابی که هوادار یکی از جریان‌ها سیاسی بوده، دستگیر و بعد از سه روز حکم اعدام صادر می‌شود، و بلافاصله او را اعدام می‌کنند. مردم فیروزکوه بسرای تشییع جنازه جوان انقلابی گرد می‌آیند و این مراسم به تظاهرات علیه رژیم تبدیل میشود. در این تظاهرات شعارهای مرگ بر پاسدار، مرگ بر خمینی داده میشود. پاسداران در حالت کزده و سعی می‌کنند با تیراندازی هوایی مردم را متفرق کنند، ولی مردم عصبانی شده و به پاسداران هجوم می‌آورند و چند نفر از آنان را زیر مشت و لگد خود زخمی می‌سازند.

پاسداران اقدام به تیراندازی بطرف مردم کرده و در نتیجه سه زن و مرد کشته و حدود ۲۰-۱۵ نفر زخمی شده و حدود ۱۵۰ نفر از مردم دستگیر می‌شوند. بعد از این واقعه روحیه اعتراضی مردم اوج می‌گیرد و در جمعهای گوناگون بر علیه رژیم علناً صحبت می‌کنند. روز جمعه بعد از واقعه بعثت عدم استقبال مردم از نماز جمعه رژیم دست به تبلیغات گسترده‌ای می‌زند و بالای یک و اونت بلند گونصب کرده و در کوچه پس کوچه‌ها شعار میدهند و از مردم با عنوان "مردم شهید پرور"، "مردم همیشه در صحنه"، برای شرکت در نماز جمعه دعوت بعمل می‌آورند. ولی هیچکس به تبلیغات رژیم گوش نداده و نماز جمعه را تحریم می‌کنند.

(به نقل از نشریه "کارگران انقلابی غرب تهران" (۷) - وابسته به سازمان)

## اعتراض کارگران کارخانه "پارس ایران" رشت

با سرویس تعداد زیادی از کارگران یا جا می‌مانند و یا اینکه با وسائل نقلیه دیگری خودشان را به کارخانه می‌رسانند که این امر باعث یکسری اختلال در روند تولید کارخانه شده بود. این اختلالات و اعتراضات سرانجام باعث درگیری شدیدی میان سرپرست شیفت با کارگران می‌گردد و کارگران در مورد غیبت و دیرکرد چند دقیقه ای سرپرست را کتک می‌زنند. در پی این جریان سپاه در حالت کزده و یک نفر از کارگران را دستگیر می‌کند، ولی اغتشاش و ناراضی‌ها همچنان در این کارخانه در مورد بخشنامه جدید مدییرعامل ادامه دارد و کارگران متحداً خواستار لغو بخشنامه هستند.

(به نقل از "پیام زحمتکشان" (۹) - شهریور ۶۳ - ارگان هواداران سازمان - گیلان)

اوایل شهریور ماه، مدییرعامل کارخانه دستور جدیدی در مورد ساعت تحویل کارخانه به شیفت بعد و نحوه نقل و انتقال کارگران و سرویس کارخانه بخشنامه می‌کند. این بخشنامه باعث بروز درگیری و اغتشاش درون کارخانه میگردد. جریان با اینصورت بود که کارفرما در دستور جدید مطرح میکند که راس ساعت آ بعد از ظهر کارگران می‌باید دست از کار بکشند و تا تحویل به شیفت بعد، حق بیرون رفتن از کارخانه را ندارند و سرویس هم نباید منتظر هیچ کاری باشد و فقط در ایستگاه بمسدت ۱۰ دقیقه توقف کرده و سپس بسرعت خود را به کارخانه برسانند. در طلبیکه قبلاً کارگران ساعت جلوتر دست از کار کشیده و حمام و شستشو میکردند و دستگها را در این یکساعت تا رسیدن شیفت بعد خاموش می‌نمودند. پس از دستور جدید مدییریت در رابطه

### فشار مدیریت

## به زنان کارگر

ایران پولین:

هم اکنون رژیم فقها و عمالشان در کارخانه برای اخراج زنان از کارخانه دست به حیل‌های گوناگون می‌زنند. در کارخانه ایران پولین، کارگران زن را مجبور به انجام اضافه کاری بمدت ۱۲ ساعت می‌نمایند و در صورت عدم پذیرش آن و حتی کوچکترین اعتراض به آن، کارگران زن را اخراج میکنند. باشدت گیری اعتراضات، مدیریت کارخانه بعد از تقریباً ۲ هفته از اجرای طرح ضد کارگری فوق بمنظور جلوگیری از اعتراض دسته جمعی کارگران موقتاً اضافه کاری ۱۲ ساعته را لغو و بجای آن تعطیلی روزهای پنجشنبه را به بهانه جبران تعطیلات تابستانی مطلق کرده است.

یارلون: در کارخانه یارلون در طی ۶-۵ ماه گذشته حدود ۲۰ کارگر زن بدلیل سخت بودن شرایط کار، اقدام به استعفاء نمودند. مدیریت کارخانه برای اینکه از پرداخت حداقل مبلغ بازخرید خلاص شود از قبول استعفاء کارگران امتناع می‌ورزد تا کارگران مجبور شوند بدون دریافت بازخرید از کارخانه بروند. اکنون سیاست فشار بر زنان کارگر تا بدان حد رسیده که در این کارخانه زنان را از شیفت روز به شیفت شب منتقل می‌کنند که با مخالفت سرپرست‌ها و هم چنین کارگران روبرو شده است. به دنبال این مقاومتها، مدیریت از سرپرست‌ها خواهان آن شده است که کارگران زن را از یک قسمت به قسمت دیگر کارخانه که کارش مشکلتر است منتقل نمایند که باز هم با مخالفت سرپرست‌ها مواجه شده است.

(به نقل از "پیام زحمتکشان" (۹) - شهریور ۶۳ - ارگان هواداران سازمان - گیلان)

## گزارشی از کارخانه "ایران تایر"

۳۰ تومان از کارگران و ۷۵ تومان از حقوق کارمندان کسر می‌کنند. در دوره قبل از انقلاب غذای کارمندان بمراتب بهتر از حالا بود. زتون کارمندی ۳۵ ریال و کارگری ۱۵ ریال بود، حالا کیفیت غذا تنزل پیدا کرده، غذای کارمندی و کارگری یکسان است. کارخانه دارای سرویس رفت و آمد کارمندی و کارگری در اکثر نقاط تهران می‌باشد. دارای حمام، بهداشتی، کلاس اکابر لباس کار و گلش ایمنی نیز بکارگران تعلق می‌گیرد.

مسائل ایمنی: نوعی از دستگاه پخت تایر (پرس لدیگی) وجود دارد که هر از چند گاه لاستیک داخل آن می‌ترکد و بخار آب و آب جوش داخل آن بیرون می‌زند، که یکبار یکی از کارگران که نزدیک پرس ایستاده بود در آن واحد مجال شده و می‌سوزد، ولی هم چنان از این دستگاه استفاده می‌شود. در قسمت بنیودی بعلت استفاده از ماده و مواد شیمیایی چهره کارگران زرد است. کارگران تیرسازی (تایر سازی) ۶ نفر تا بحال فوت کرده‌اند. مرگ آنها ناشی از سختی و شرایط بد کار بوده که بتدریج مریض و ضعیف شده و فوت کرده‌اند.

تشکلهای موجود:

- ۱- صندوق قرض الحسنه؛ بعد از انقلاب تاسیس شده و سرمایه اش گویا به ۳ میلیون تومان می‌رسد و قبلاً تا ۱۰ هزار تومان وام میداد. حالا جزو معدود کارخانه‌هایی است که تا ۲۰ هزار تومان نیز وام به کارگران می‌دهد. این صندوق در کارخانه دارای دفتری است که مدیرعامل آن از اعضاء انجمن اسلامی است.

- ۲- تعاونی مصرف؛ در سال ۵۲ تاسیس شده است. حق عضویت در آن ۳۵۰ تومان می‌باشد که بتدریج تا ۱۰۰۰ تومان از حقوق کسر می‌شود. کارگران اجناس کوپنی مثل قند و شکر و روغن و ... را برای جلوگیری از اتلاف وقت خود و خانواده‌هایشان از تعاونی تهیه می‌کنند. تعاونی قند، شکر، روغن، کره، دقتر و مواد، بقیه در صفحه ۱۷

این کارخانه توسط آمریکائیان در سال ۱۳۴۴ ساخته شد که ۵۱٪ سهم ایرانیان و ۴۹٪ سهم آمریکائیان بود. سهامداران ایرانی "ثابت" و "اسفند یاری" (داماد شاه گوربگور شده) و غیره بودند. بعد از انقلاب کارخانه مصادره شد و حدود ۴۰٪ سهمش در دست بنیاد مستضعفان است و سازمان گسترش صنایع ایران نیز در آن سهم دارد. سهام آمریکائیان خریداری شده، جدیداً نیز ۲۰٪ سهامشان خریده شده که هنوز مشخص نیست در اختیار کدام ارگان قرار گرفته است. چند کارخانه دیگر مشابه این کارخانه وجود دارد مثل: اف. اف. گودریچ (کیان تایر)، پارس تایر و غیره. این کارخانه تایر سواری، یاری، تراکتور و تیوپ و ... تولید می‌کند. تولید کارخانه دارای افت و خیز بوده و بطور متوسط روزی ۲۰۰۰ تایر تولید می‌کند. کارخانه دارای ۱۳۰۰ پرسنل می‌باشد که کارگران در سه شیفت کاری می‌کنند. قسمتهای مختلف کارخانه شامل بنیودی (قسمتی که مواد را با هم مخلوط می‌کند)، ویپ یونیت (قسمتی که نخها را بعمل می‌آورد)، گلندر (قسمتی که لایه نازکی از لاستیک در طرف نخ می‌چسباند) - تیوب سازی - بند سازی - بید سازی (قسمت تولید طوقه سیمی) - برش - دیلکس - تیرسازی (تایرخام را می‌سازد) - قسمت پخت و ... و خط تولید مواد اولیه کارخانه که شامل لاستیک مصنوعی، لاستیک طبیعی، نخ، مواد شیمیایی می‌باشد. اما از خارج وارد میشود و گویا فقط در داخل تامین میشود. بطور کلی از نظر مواد اولیه و ماشین آلات متکی بخارج می‌باشد. نخ هارا از کره شمالی و هلند وارد می‌کنند. جدیداً افرادی از ژاپن به کارخانه آمدند و در ماه گذشته دستگاه اسکا پور (برش ترد یعنی برش قسمت گوشته تایر) از ژاپن خریداری شده که بعد از یکماه نتوانسته‌اند خوب تنظیمش کنند و بالاخره از ژاپن متخصص برای تنظیمش آوردند.

امکانات رفاهی: کارخانه دارای سلف سرویس کارگری و کارمندی است که ماهی

## اخبار کوتاه

● در شهر یورماه از طرف مدیریت کارخانه قفل سازی (قزوین) اطلاعیه ای در مورد بالا رفتن استاندارد میزان تولید (که همانا افزایش تولید و فشار بیشتر بر کارگران می‌باشد) بر تابلو زده می‌شود. کارگری بطور انفرادی در اعتراض به این اطلاعیه آنرا پاره می‌کند و چند تن دیگر از کارگران نیز خشمگین شده و با پرتاب قفل، شیشه‌های قسمت اداری را خرد می‌کنند و استعفاء می‌دهند. در مجموع ۶-۵ نفر از کارگران استعفاء می‌دهند.

● در کارخانه مهرام (قزوین) که تولید کننده سس و محصولات غذایی مشابه بوده و حدود ۱۰۰ کارگر و کارمند دارد، مدیریت بتازگی سرپرست قسمت انبار را احضار کرده و با او می‌گوید: "تو کم کاری میکنی و دیگران را نیز باین کار تشویق میکنی. برای خودت در فکر اشتغال در جای دیگری باش". سرپرست قسمت انبار می‌گوید: "من ۱۲ سال برای تان کار کرده‌ام حالا باین سادگی بروم". کارگران وقتی از این مساله مطلع می‌گردند از آنجا که کینه شدیدی از مدیریت ضد کارگری دارند، دست به تهیه طوماری زده که حدود ۷۰ نفر از کارگران زن و مرد آنرا امضاء میکنند. کارگران در این طومار ضمن مخالفت با اخراج سرپرست قسمت انبار، خواهان اخراج مدیر میگردند. آنها در طومار مینویسند که مدیر کارگران را "عله" صدا می‌زند و بدون خبر و ناگهانی به رختکن زنان میرود نظایند اداره کار که برای رسیدگی آمده بود نظری نداد، اما بهر حال اخراج سرپرست تا اینجا منتهی شده است.

● مراسم هفته جنگ در کارخانه جم: در این کارخانه که حدود ۲۰۰۰ نفر کارگر دارد و تحت پوشش کفش بلا می‌باشد، در روز سوم هفته جنگ روز تیر اقتصاد اعلام می‌کنند که کارگران برای کمک به جیبه در روز ۲ ساعت اضافه کاری نمایند. عده زیادی از کارگران به بهانه‌های مختلف اجازه گرفته و به خانه‌های خود رفتند و عده دیگری هم بجای ۲ ساعت اضافه کاری فقط حدود نیم ساعت اضافه کار کردند. عدم استقبال کارگران توأم با غرزدن به این اضافه کاری اجباری بود. در هفته جنگ مراسم سخنرانی توسط سلامتی معاون وزیر کار در کارخانه انجام گرفت و برای برگزاری این مراسم کارخانجات بهپوش، بلا، کفش جم را در یکجا جمع نمودند که اکثریت کارگران باهم صحبت کرده و توجهی به سخنرانی نداشتند. کارگران این کارخانه اکثراً موضع ضد جنگ دارند و رژیم را مسبب ادامه جنگ میدانند.

● کارخانه فخرایران (نمازی): از شهر یورماه بمرور زمان قسمتهای مختلف کارخانه شروع بکار نمودند و طی سخنرانی که در اوایل مهر توسط "ناجسی" مدیر عامل بعمل آمد، قرار بر این میشود که ۱۸ روز از یکماه تعطیلی کارخانه را که قبلاً بدون حقوق اعلام کرده بودند، حقوقش را بکارگران بپردازند. کارگران خواهان حقوق ۱۲ روز بقیه نیز شدند و چون ناجسی به آنها جواب منتهی میدهند شروع با اعتراض نموده و شعاً "مرگ بر ناجسی" میدهند. ناجسی از ترس فرار کرده و استعفاء خود را به "بالا" رد می‌کند که مورد قبول واقع نمیشود و مجدداً به سر کار برمیگردند. بعد از بازگشت عده ای از کارگران پیمانی را بدلیل عدم نیاز بکار آنها اخراج می‌کند.

● در کارخانه شیشه قزوین، کارگران به منظور دریافت پاداش افزایش تولید از چند ماه قبل با مدیریت بمذاکره می‌پردازند و چون نتیجه‌ای نمی‌گیرند در شهریور ماه دست به کم کاری وسیع می‌زنند. با شیوه کم کاری تولید از ۳۰۰ تن در روز به ۱۵۰ تن میرسد. مهندس کارخانه هرچه تلاش می‌کند، نمی‌تواند علت کاهش تولید را بفهمد، چرا که ظاهراً کارگران بطور عادی کاری کردند. مهندس سرگیجه گرفته، سرانجام به دست و پا افتاده و قول میدهد که به خواست کارگران رسیدگی نماید. پس از این قول بود که تولید مجدداً به روال عادی باز میگردد، بدون آنکه معمای آن بسیاری جناب مهندس حل شده باشد.



گزارشی از ۵۵۵

خمیرندان، صابون، حبوبات، پارچه و غیره را در اختیار کارگران و کارمندان قرار می‌دهد، واجناس دیگر مثل یخچال، کولر، تلویزیون و ۲۰۰۰ یا قرعه کشی بین کارگران تقسیم می‌شود. تعاونی دارای ۵ نماینده و ۲ نفر علی‌البدل و ۲ بازرسی می‌باشد که مدبرعامل تعاونی تمام وقت برای تعاونی کار می‌کند و از طرف کارخانه چند کارگر در اختیار تعاونی مصرف قرار داده شده‌اند. در انتخابات جدید برای هیات مدیره و بازرسان تعاونی نفر اول ۴۲۰ رای آورد و نفر اول بازرسان ۸۴ رای ۱۰ انتخابات فقط در شیفت اول ۱۲ انجام گرفت.

۳- صندوق اعتبار کارمندی: این صندوق نیز قدیم‌التاسیس است و سرمایه اش در حدود ۳ میلیون تومان است و تا ۵۰ هزار تومان وام می‌دهد.  
۴- تعاونی مسکن: که در محوطه پشت کارخانه برای ۴۰ نفر زمین تهیه کرد (برای هر نفر ۱۷۰ متر) و اقدام دیگری نکرد. تعاونی مسکن نیز قدیم‌التاسیس است.

سرنوشت سهم کارگران از کارخانه: در دوره رژیم منفور شاه، مقداری از سهام کارخانه را به کارگران فروختند و هر سهم حدود ۱۸۰ تومان که هر کارگر لااقل ۱۰ سهم خریداری کرده و حتی بعضی‌ها تا ۴۰ هزار تومان سهم خریده بودند که با فروش فرش یا ماشین یا لوازم خانه پول این سهام را تهیه کرده بودند. فقط یکبار سود سهام را بین کارگران (در رژیم شاه) تقسیم کردند. بعد از انقلاب همراه با مصادره کارخانه در واقع سهام کارگران نیز مصادره شد. کارگران و کارمندان طی نوشته‌ای خواستار روشن شدن وضع سهام خود شدند. نه تنها سود سهام را بکارگران ندادند، بلکه فعلا کسی جرات مطرح کردن این مطلب را ندارد که حداقل خود سهام را پس بدهند، چرا که بعنوان ضد انقلاب معرفی خواهند شد!  
(به نقل از گزارشات ارسالی: نشریه "کارگران انقلابی غرب تهران" - وابسته به سازمان)

اعتراض کارگران روزمزد کفش ملی

در این کارخانه بجز کارگران استخدامی حدود ۶۰-۷۰ کارگر روزمزد نیز استخدام شده‌اند که بکارهای سخت و موقت و در شرایط نامناسب وادار می‌شوند. این عمل (موقتی بودن) به این خاطر است که هر موقع مقامات کارخانه دلشان بخواهد آنها را اخراج کنند و حق بیمه و سرویس نیز به آنها پرداخت نکنند و بتوانند بدلیل نیاز کارگران بکار، آنها را در شرایط غیر انسانی بکارهای طاقت فرسا و مشکل بکشند. بکارگران روزمزد بعلت سختی و مشقت کار و شرایط بد و غیر بهداشتی کار روزانه ۱۳۰ تا ۱۵۰ تومان پرداخت می‌شود. آنها در انبارهای پوست، چرم و مواد و کارهای ساختمانی مشغول بکار هستند و بدلیل شرایط غیربهداشتی محیط کار و فضای ناسالم و بوی بد، سیلانی آنها در خطر است و در حقیقت آنها پول به خطر افتادن سلامتی شان را میگیرند نه حقوق کار خود را، ولی همین حقوق نیز کفاف زندگی آنها را نمیکند. در تاریخ ۲۷/۵/۶۳ حدود ۲۰ نفر از کارگران روزمزد، موقع ظهر بقصد صرف ناهار بطرف یکی از قسمت‌ها برآه می‌افتند تا باین ترتیب بتوانند از حقوق استفاده از سرویس ناهار بهره‌مند شوند. نگهبانان قسمت از وارد شدن کارگران به قسمت جلوگیری می‌کنند. بعد از آن کارگران روزمزد ریگی از خیارهای کارخانه با صاف منظم برآه افتادند و شعار "ناهار، ناهار" سر میدهند. این راهپیمایی اعتراضی ۱۰ دقیقه بطول می‌انجامد. مقامات کارخانه برای جلوگیری از گسترش اعتراض و از ترس اینکه حمایت کارگران استخدامی قسمت‌ها به اعتراض کارگران مزبور جلب نشود مجبور بعقب نشینی شده و اجازه صرف ناهار و حق استفاده از سرویس را بکارگران روزمزد در کارخانه میدهند.  
(به نقل از نشریه "کارگران انقلابی غرب تهران" (۷) - وابسته به سازمان)

بهباد نبوی: حکم اخراج ۹ نفر کارگر را میخواهم

"هیکو" یکی از کارخانه‌های بزرگ وابسته به وزارت صنایع سنگین می‌باشد که در کنار ماشین سازی اراک قرار دارد. این کارخانه نزدیک به ۲۰۰۰ نفر پرسنل دارد و عمده تولید آن که امروزه بصورت مجزا جهت مونتاژ از خارج وارد میشود لودرهای جاده صاف کن و غلطک می‌باشد.  
روز شنبه ۲۳/۷/۶۳ به همراه موسوی نخست وزیر، بهباد نبوی نیز به اراک رفته و به بازدید از کارخانجات اراک می‌پردازند. بهباد نبوی ضمن بازدید از کارخانه "هیکو" با ۹ نفر از کارگران برخورد می‌نماید که در ساعت کار کارخانه، برای خوردن چای دست از کار کشیده بودند. نبوی جنایتکار به کارگران می‌گوید که چرا در این ساعت بیکارید؟ کارگران جواب میدهند که برای خوردن چای دست از کار کشیده‌اند. نبوی اعتراض کرده و یکی از کارگران می‌گوید: "مگر خود شما بین روز چای نمی‌خورید؟" نبوی از این جواب به خشم آمده و باوقاحت شروع به فحش دادن به کارگران کرده و می‌گوید: "من از این کارخانه خارج نمی‌شوم مگر اینکه حکم اخراج این ۹ نفر را بگیرم!" مدبریت کارخانه حکم اخراج ۹ نفر را صادر کرده و هر ۹ نفرشان اخراج میشوند. در بین اخراج شدگان کارگری با ۱۲ سال سابقه کار وجود داشت.  
(به نقل از گزارشات ارسالی از اراک)

اعتراض کارگران طرح توسعه ماشین سازی اراک

روز یکشنبه ۸ مهرماه کارگران در پی اعتراض خود به زورگویی و بی عدالتی‌هایی که از طرف کارفرما بر آنان اعمال میشود، در ساعت ۱۰/۵ صبح دست از کار کشیده و با تعطیل کار و جمع شدن در سالن اداری طرح توسعه، خواسته‌های خود را عنوان مینمایند. کارگران اعتراض میکردند که سرپرست‌ها در کابل کشی آنان را بکارهای سخت وامیدارند و حتی اجازه استراحت یک لحظه‌ای را بآنها نمیدهند و رفتارشان نسبت به کارگران زننده و ناشایست میباشد و ۲۰۰۰ سرانجام وقتی که کارگران خواهان اعلام خواسته‌هایشان به رئیس کارگزینی می‌شوند، رئیس کارگزینی که از قبل از قضیه مطلع شده بود، در اطاق را بسته و بیرون نمی‌آید. در این میان درگیری لفظی بین چند تن از کارگران با یکی از سرپرستان بنام "میرزائی" رخ میدهد که سرپرست مزبور کارگران را تهدید به اخراج می‌کند. سرانجام کارگران بعد از ۳ ساعت درگیری با سرپرستان و با پافشاری توانستند خواسته‌های خودشان را به آنان تحمیل نمایند و در ساعت ۱/۵ بعد از ظهر مجدداً بسر کار برگردند.  
(به نقل از گزارشات ارسالی از اراک)

گزارشی از کارخانه چیت سازی تهران (با فکار)

چند تن نخ بوده که بعد از انقلاب این میزان به حدود ۶۰۰۰ متر پارچه تقلیل یافته است. البته بعد از راه اندازی سالن شماره ۲ بافندگی که قرار است تا اواخر سال ۶۴ شروع بکار کند، میزان تولید تا مرز ۷۰۰۰ متر افزایش خواهد یافت.  
- وضعیت کار و دستمزد کارگران: رشته بافندگی یکی از سخت‌ترین رشته‌های تولیدی می‌باشد، شرایط سخت کار محصول مگانسیم خاص تولید، میزان رطوبت و گرد و غبار و همچنین سرو صدای وحشتناک دستگاه‌ها می‌باشد. در این کارخانه هم بقیه در صفحه ۲۹

کارخانه چیت سازی تهران یکی از اولین کارخانجات تولیدی بزرگ در ایران است که در سال ۱۳۳۰ یا سرمایه دولتی و تحت نظارت مستشاران آمریکائی تاسیس شد. تولید کارخانه انواع منسوجات پارچه‌ای و نخ می‌باشد که بعد از انقلاب تولید نخ بعلت کاهش تولید حذف شده است.  
تعداد کارگران کارخانه قبل از انقلاب ۲۵۰۰ نفر بود که اکنون به ۲۷۵۰ نفر رسیده است. کارخانه از وقت اصلی بافندگی وریسندگی تشکیل شده است که از هم جدا می‌باشند. میزان تولید کارخانه قبل از انقلاب حدود ۶۵۰۰۰ متر پارچه باضافه

# اخباری از کردستان قهرمان

## پیکار قهرمانانه پیشمرگان کردستان ایران

طبق اخبار واصله عملیات نظامی پیشمرگان قهرمان احزاب و سازگانهای کرد و دیگر سازگانهای رزمنده در کردستان ایران اوج نوینی می یابد. در ابان ماه عملیات حماسه آفرین پیشمرگان قهرمان ضربات شدیدتری بر پیکر زخم خورده رژیم جمهوری اسلامی وارد کرده اند. این عملیات بویژه پاسخ محکمی بر یاوه سرانیهای موسوی نخست وزیر و دیگر سردمداران جنایتکار رژیم اسلامی است که دم از پاک سازی کامل کردستان میزنند.



پیشمرگان حزب دموکرات کردستان ایران، در همین ماه پیکارهای قهرمانانه ای را در شمال کردستان، پیرانشهر، مهاباد، سردشت، بوکان، سقز، افشار، بانه، دیوان دره و اورامانات و دیگر مناطق بعمل آوردند. نبرد قهرمانانه پیشمرگان حزب دموکرات در روستای "شلم جاران" که بیش از ۱۲ ساعت بطول انجامید و چهار حمله مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را با شکست مواجه نمود، در صدر این عملیات قرار گرفت.



در ابان ماه پیشمرگان سازمان "کوموله" به عملیات نظامی متعددی در مناطق کردستان دست زدند که تصرف گامسلی پایگاه بزرگ برده زرد از جمله مهمترین این عملیات بوده است. دنبال تصرف پایگاههای داش آغل و قلندراین سومین پایگاهی است که اخیراً توسط پیشمرگان کوموله در اطراف بوکان به تصرف در می آید.

### گزارش تظاهرات ۲۷ اکتبر ۸۴

#### آلمان (هانور)

#### برعلیه "کوچ اجباری"

به دعوت کمیته همبستگی با جنبش مقاومت خلق کرد در ایران - هانور روز شنبه ۲۷ اکتبر ۸۴ تظاهراتی در اعتراض به سیاست "کوچ اجباری" و باتشکلیدن و بمباران روستاها و قتل عام روستائیان بی دفاع و همچنین در دفاع از مقاومت خوتین خلق رزمنده کرد بر علیه ایمن سیاست ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی با شرکت بیش از ۱۵۰ نفر از ایرانیان مبارز مقیم هانور و دهها نفر از عناصر مترقی آلمانی، ترک و... که از این حرکت پشتیبانی کرده بودند، برگزار شد. واحد هانور کمیته خارج از کشور سازمان ما با دادن اعلامیه و شرکت فعال از این حرکت حمایت نمود.

در تاریخ ۱۵ مهرماه جاشها و پاسداران مزدور روستای "چوبی رامحاصو" می کنند. مزدوران مردم را جمع کرده و فرمانده آنان برای مهم سخنرانی کرده و از روستائیان می خواهد که به تسلیح اجباری تن دهند. مردم يك صد اعتراض کرده و می گویند که حاضر نیستند برای رژیم اسلحه در دست گیرند. مزدوران همسه زحمتکشان روستا را به شهر "تکاب" میبرند ولی مردم بر مقاومت خود چنان ادامه می دهند تا سرانجام مزدوران ناچار می شوند آنان را آزاد نمایند.



در تاریخ ۱۵ مهر، رژیم جنایتکار در ساعات اولیه صبح روستای "بیوران پائین" را محاصره کرده و بیرکس از پیر و جوان و زن و مرد که میرسید، آنها را دستگیر و در ماشینهای کمپرسی و گاز ارتشی سوار می کند تا بدین وسیله توطئه شوم خود را برای تخلیه روستاها عملی سازد. عده ای از جوانان قبل از اینکه مزدوران سر برسند از روستا خارج شده و فرار می نمایند. در این بیورش، مزدوران رژیم بمردم امکان و فرصت جمع کردن وسائل زندگیشان را نداده و روستا را خالی از سکنه مینمایند. مردم "بیوران" به محض وارد شدن بشهر "سردشت" با شعار "مرگ بر خمینی مرگ بر جمهوری اسلامی"، صدای اعتراض خود را بگوش مردم سردشت میرسانند. مردم سردشت در محلهای مختلف تجمع کرده و از وضع اهالی "بیوران پائین" خبر می گیرند. مزدوران رژیم وحشت کرده و شروع به تیراندازی می نمایند. عده ای از جوانان خود را از خود روهای دولتی به بیرون پرتاب کرده و فرار مینمایند. نزد يك ظهر مزدوران اهالی "بیوران" را به شهر "ریت" برده و بدین ترتیب مردم را آواره و سرگردان در سردشت و ریت رهسان می سازد. رژیم بالاخره بعد از چند روز بر اثر اعتراض مردم مجبور می شود آنها را دوباره به روستاهایشان بازگرداند ولی برای آنها و هم چنین اهالی "بیوران بالا" مهلت ده روزه ای تعیین می کند که طی این مدت روستاها را تخلیه نمایند. هم چنین رژیم اهالی روستای "بنوخلف" را نیز تهدید کرده که یا باید کوچ کنند و یا چهار خواسته زیر را عملی سازند:

- ۱- به رژیم اسلحه بدهند.
- ۲- کسانیکه به سن سربازی رسید مانند تحویل مزدوران بدهند.
- ۳- خانواده های پیشمرگان از فرزندانشان بخواهند که خود را تحویل رژیم دهند.
- ۴- تمام مردم باید برای رژیم اسلحه بردارند و بسیجی شوند.

مردم روستای "یازی بلاغی" که به زور مسلح شده بودند اسلحه های خود را پس میدهند و ۲ ماه است که روستای خود را ترک کرده و احشام خود را به قیمت ارزان فروخته و به دهات دیگر پناه برده اند، و به مزدوران رژیم گفته اند که حاضر نیستیم برای شما اسلحه در دست گیریم.



"ملاحذر محمد آقا" فرمانده جاشهای مزدور منطقه سردشت، فشار زیادی بر مردم روستای "گورانگا" وارد می آورد تا به تسلیح اجباری تن دهند لکن مردم مخالفت کرده و ۱۵ روز است که مردم این روستا به آبادیهای دیگر و یابه کوهها پناه برده اند.



در تاریخ ۱۸ مهرماه، بزور مسلح شده های روستای "شریف آباد" سلاحهای رژیم را پس دادند و در برابر این سیاست رژیم به مقاومت برخاستند. رژیم برای وا داشتن مردم به تسلیح اجباری ۳ نفر از اهالی را زندانی می کند. اما مردم هضم چنان بمقاومت خود ادامه میدهند و هم اکنون فقط ۲ نفر از افراد این روستا مسلح هستند.



فرمانده پایگاه "قشلاق" واقع در منطقه "خورخور" مدتی به آبادی قشلاق می رود و از مردم تقاضای مواد غذایی میکند. مردم اعتراض کرده و شروع به راهپیمایی به سمت شهر سقز مینمایند. فرمانده مزدوریه دنبال مردم رفته و از آنها درخواست می کند و مردم نیز از رفتن به شهر سقز خودداری میکنند.



در تاریخ ۱۳ شهریورماه مزدوران رژیم به روستای "یازی بلاغی" رفته و با آزار و اذیت اهالی از آنها می خواهد که به تسلیح اجباری تن دهند. عده زیادی از مردم این روستا به روستای دیگری میروند. مزدوران رژیم تعدادی اسلحه بی خشاب و فشنگ به زور به زنان و بچه های روستا میدهند.



اهالی روستای "ناخند" که آنان نیز به زور مسلح شده اند، اعتراض کرده و میخواهند اسلحه های خود را تحویل بدهند. مزدوران رژیم به ده ریخته و ۱۰ نفر از مردم را به شهر برده اند.

## د و اعلامیه از کمیته کردستان

## عملیات پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در منطقه بانه

## تعرض پیشمرگان به پایگاه برده بوک

مدام پدافند به مدت یکساعت بعد از عملیات محل استقرار پیشمرگان و اطراف پایگاه را می‌کوبیدند. بعد از این حمله پیشمرگان سالم و منظم به مناطق از قبل تعیین شده بازگشتند.

## انفجار مین

پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در جاده گرده رش - گاکر دست به یک سلسله مین گذاری زدند که در تاریخ ۶۳/۶/۲۸ یکی از تاینهای جاده گرده رش - گاکر بر روی یکی از مین‌های کار گذاشته شده رفته و در مهلاکت رسید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران! برقرار باد جمهوری دمکراتیک توده ای! بیروز باد مبارزات عادلانه خلقی کرد! سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) کمیته کردستان ۶۳/۷/۱۷

پیشمرگان همگی سلامت باز گشتند. حمله به پایگاه گویزلی در مسیر جاده بانه - سردشت

در عصر روز ۶۳/۷/۵ پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در سه دسته بطرف پایگاه گویزلی در مسیر جاده بانه - سردشت حرکت کردند و بعد از استقرار پیشمرگان در اطراف پایگاه در ساعت ۸ عملیات خود را با شلیک آری جی آغاز کردند و همزمان با آن دیگر پیشمرگان با سلاحهای متفاوت پایگاه را زیر آتش شدید خود قرار دادند. در مقابل پایگاه با خمپاره و سلاحهای دیگر اقدام متقابل نمود و در این حین پیشمرگان آتش خود را بطور موضعی قطع کردند.

پیشمرگان پس از آرام شدن آتش پایگاه یکباره با شعار مرگ پیر خمینی سنگرها و محوطه پایگاه را زیر آتش مجدد قرار دادند. در این حمله که نیمساعت بطول انجامید، پایگاه مذکور با خمپاره و سلاحهای دیگر و یکی از پایگاههای مجاور بارگیر

عصر روز ۲۹ شهریور گروهی از پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) خود را به نزدیکی پایگاه برده بوک در مسیر جاده گاکر - زروا واقع در منطقه بانه رسانده و در دو دسته در اطراف آن مستقر شدند. در ساعت ۷/۵ تعرض پیشمرگان با شلیک موشک آری جی آغاز شده و همزمان با آن پایگاه را بزرگترین مسلسل‌های خود قرار دادند. مزدوران پایگاه سراسیمه شده و برای مقابله با پیشمرگان مراکز استقرار و اطراف آنها را بزرگترین خمپاره و انواع سلاحهای خود گرفتند. پیشمرگان از دو سو هم چنان مزدوران را در زیر آتش خود قرار داده و مراکشان را با گلوله نارنجک اندازی می‌کوبیدند.

پس از پایان عملیات پیشمرگان با دستور فرمانده عملیات عقب نشینی کرده و خود را به یکی از روستاهای نزدیک پایگاه رساندند و در آنجا مورد استقبال گرم اهالی قرار گرفتند. از تعداد تلفات دشمن اطلاع دقیقی در دست نیست و

## عملیات مشترک پیشمرگان راه کارگر و حزب دمکرات

## در جاده پایگاه سربرد - رزه پیر

و سرنشینانش اکثر مهلاکت رسیدند. هم چنین در ساعت ۲ ظهر یکی دیگر از مینهای در زیر پای مزدوران "تاین" جاده که وارد سنگرهای خود شده بودند منفجر گردید و یکی دیگر از آنها را مهلاکت رساند. در این عملیات بیش از ده تن از مزدوران مهلاکت رسیده و تعداد بیشتری از آنها زخمی شدند. پیشمرگان پس از پایان عملیات به روستاهای اطراف رفته و مورد استقبال گرم روستائیان قرار گرفتند و تیم امداد پیشمرگان در روستای سربرد دختر بچه ای را که در اثر اصابت ترکش خمپاره مجروح شده بود مداوا نمودند. در این عملیات هیچگونه آسیبی به پیشمرگان وارد نیامد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران! برقرار باد جمهوری دمکراتیک توده ای! هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای انقلابی!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان

۶۳/۷/۱۷

میگذاشتند. پیشمرگان نیز به آنها مهلاکت داده و در زیر آتش بی امان سلاحهای خود قرارشان میدادند.

با آغاز عملیات دسته دیگر پیشمرگان که در نزدیکی پایگاه مستقر شده بودند حمله خود را به پایگاه شروع کردند و آنرا با موشک آری جی ۷ و سلاحهای دیگر میکوبیدند. در نتیجه اصابت موشک آری جی ۷ یکی از سنگرهای اجتماعی پایگاه منهدم و افراد مستقر در آن تماماً کشته و زخمی شدند. پایگاه مذکور و یکی از پایگاههای مجاور برای رها - مینی مزدوران از آتش پیشمرگان، محوطه - درگیری و روستاهای اطراف را بطور - دیوانه واری به زیر آتش خمپاره و آری جی ۷ و سلاحهای دیگر گرفته بودند که در نتیجه آن یک دختر بچه ۸ ساله زخمی و دو خانه در روستای سربرد آسیب دیدند.

پیشمرگان برای جلوگیری از تلفات خود و مردم منطقه بطور منظم عقب نشینی کرده و خود را به اولین روستا رساندند. پس از آرام شدن منطقه در ساعت ۱۰/۵ یک آمبولانس برای حمل زخمیها وارد پایگاه شده بود. هنگام بازگشت بر روی یک مین قوی ضد خود رو که در مسیر جاده کار گذاشته شده بود، رفته و یکی منهدم شده

پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و پیشمرگان حزب دمکرات طی یک طرح مشترک در شب ۶۳/۷/۹ در جاده پایگاه سربرد - رزه پیر (از توابع بانه) تعدادی مین ضد خود رو تله ای را همراه تعداد زیادی مین ضد نفر در مسیر جاده و در سنگرهای متعددی "تاین" های تپه اطراف جاده کار گذاشتند. پیشمرگان از صبح زود با استفاده از موقعیت جنگلی منطقه در دو دسته اصلی، دسته اول در فاصله نزدیک به پایگاه و دسته دوم در مسیر جاده و اطراف سنگرهای "تاین" به کمین دشمن نشستند. در ساعت ۸/۱۰ صبح مزدورانی که برای کنترل جاده از پایگاه خارج شده بودند به نزدیکی سنگرها رسیدند که از چند جهت زیر آتش تند پیشمرگان قرار گرفتند. در لحظات اول دو تن از مزدوران مهلاکت رسیدند و بقیه آنها برای مقابله با پیشمرگان بطرف سنگرها میگریختند که یکی پس از دیگری بر روی مینهایی که شب قبل کار گذاشته شده بود میرفتند و مهلاکت میرسیدند. مزدوران در اثر انفجار مینها و رگبار مداوم پیشمرگان سراسیمه شده و بسوی پایگاه پناهنده فرار

حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلقهاست!

# اشتباه‌های جهانی

## اعتصاب خونین در ترانسوال

بعد از تجدید نظر در قانون اساسی که به سیاه پوستان و رنگین پوستان اجازه میدهد (که در قدرت سهیم شوند) شورش و اعتصاب سر تا سر آفریقای جنوبی معادن و مدارس را فرا گرفته است. در مدت چهار ماه بیش از ۲۰۰ نفر کشته و صدها نفر زخمی شده‌اند. در اکتبر پلیس برای ورود به شهر کپا ناگزیر بود از ارتش نیز کمک بخواهد. نیروهای مخالف اپارتاید که در رأس آنها اکنون سازمان‌های سیاسی و سندیکا‌های کارگری قرار دارند نه تنها خواسته‌های بیواسطه خود را افزون تر ساخته‌اند بلکه مواضع سیاسی خود را نیز سرسخت تر کرده‌اند. درخواست اعتصاب همگانی ۲ روزه در ترانسوال مورد حمایت جمعیت سیاه بویزه در شهر کپا قرار گرفته است. در نخستین روز اعتصاب همگانی ۹ کشته و دهها زخمی بجای ماند. ۹۰٪ کارگران در اعتصاب همگانی شرکت جستند و سیاحت‌های پلیس یوسیله کوکتل مولوتف به آتش کشیده شد. اعتصابیون از تاکتیک "در خانه بمان" استفاده کردند.

### شیلی :

#### جنبش مقاومت به پیش می‌رود

سیام اکتبر، شیلی شاهد تظاهرات سراسری گسترده‌ای تحت عنوان "روز اعتراض ملی" علیه دیکتاتوری پینوشه بود. در همه کشته و زخمی بیلان این تظاهرات بود که در محلات کارگری و زحمتکش نشین به سنگر بندی و جنگ تن به تن با دزدوران سرطایه تبدیل شده بود. اما اگر تظاهرات خیابانی، دست‌انگاز کشیدن و زد و خورد در این روز، بیانگر شجاعت و تداوم اشکال اعتراضی تکنونی بود. ابعاد وسیع شرکت توده‌های کارگر و زحمتکش، بگاری قهر توده‌های و حضور فعال و نسبت اشکار نیروهای چپ متشکل در "اتحاد مکراتیک" توده‌های "در این تظاهرات بیانگر فانونینی بود که مبارزه ضد دیکتاتوری مردم شیلی بایدان گذارده است. پویلا درها (حاشیه نشینان)، کارگران صنعتی و دانشجویان انقلابی دوشادوش یکدیگر راه را بر موران پلیس بستند، ماشینهای آنان را به آتش کشیدند و خشم انقلابی مشترک خویش را نسبت به سیاستهای ضد مردمی و خانمانسور رژیم دیکتاتوری پینوشه بیان داشتند. خون کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی در خیابانهای سانتیاگو، والپارائیسو و دیگر شهرهای شیلی، در متن جنبش مقاومت ضد دیکتاتوری، درهم آمیخت.

پاسخ پینوشه جلاد و ژنرالهای هم‌پالکی‌اش به این اوج نوین مبارزاتی، اعلام مجدد برقراری حکومت نظامی و بدنبال آن دستگیری وسیع مبارزین، فعالین سندیکاها و شخصیت‌های سرشناس اپوزیسیون بود. تا امروز بیش از سیصد تن دستگیر شده‌اند اما تظاهرات همچنان ادامه یافته است.

## زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری

بدخواست اتحادیه کارگران شوروی دولت شوروی، بمنظور افزایش فشار بر دولت انگلیس که تمامی تلاش خود را برای جبران کمبود زغال سنگ ناشی از اعتصاب از طریق واردات بکار میرود، صدور هر نوع مواد سوختی بمقصد انگلستان را متوقف کرده است. این حرکت اخیر، علاوه بر کمکهای است که تاکنون کارگران شوروی در جهت یاری رساندن به معدنچیان اعتصابی برای آنان فرستاده‌اند، اتحادیه‌های کارگری مجارستان و چکسلواکی با جمع آوری کمک مالی و مواد مورد نیاز بیاری معدنچیان برخاسته‌اند.

کارگران فرانسوی متشکل در سندیکای (CGT) (کنفدراسیون عمومی کارگران) با ارسال ۳۵ تریلی حامل ۴۰۰ تن غذا، پوشاک، دارو و سایر مواد ضروری زندگی بهمراه یک چک ۷۰۰ هزار فرانکی برای معدنچیان اعتصابی و خانواده‌ها - نشان به مقابله با سیاست فشارمادی تسارحند کرسنگی دادن که از جانب دولت تاچر و سرمایه‌داران انگلیس دنبال میشود برخاسته‌اند.

جمع آوری و کمک و جلب پشتیبانی افکار عمومی در حمایت از معدنچیان اعتصابی، امروز بصورت سمبل همبستگی بین المللی کارگران درآمده است. سندیکای کارگران و مهندسان صنایع فلزی آلمان ۱۰۰ هزار پوند (معادل ۱/۲ میلیون تومان) به معدنچیان کمک نقدی نمود. کارگران زلاند نو هزاران کیلو گوشت گاو و گوسفند ارسال داشته‌اند و کنکره کارگری کانادا ۱۰ هزار پوند (معادل ۱۲۰ هزار تومان) به معدنچیان کمک مالی نمود.

### ترکیه :

#### دیکتاتور خون می‌ریزد

نظامیان کودتاچی، در ادامه سیاست "نظم و ثبات" برای سرمایه‌داران، تاکنون دهها تن از انقلابیون در بند رابه چوبه‌های دار سیرد مانده‌اند. ماه پیش رفیق حیدر اصلان رزمنده برجسته ترک از رهبران سازمان "راه انقلاب" (دوبول)، در ریشگاه سرمایه و امپریالیسم قربانی شد. شهادت او که از رهبران سرشناس جنبش چپ ترکیه بشمار میرود، موجی از انزجار را در میان افکار عمومی جهان دامن زد. ما ست فریاد اعتراض خود را علیه جلادان یونیفورم پوش حاکم بر ترکیه رسالت سازمان ما منع از ادامه کشتار انقلابیون اسیر کردیم.

## نیکاراگوئه : ارتش خلق حافظ انتخابات

در تاریخ ۴ نوامبر (۱۳ آبان) اولین انتخابات ریاست جمهوری و مجلس نمایندگان در نیکاراگوئه بعد از انقلاب، برگزار شد. امپریالیسم آمریکا و وابستگانش در این کشور، با تحریم انتخابات و حمله شدید ضد انقلابیون مسلح همزمان با این انتخابات سعی در برهم زدن نظم آن از سوئی و بی اعتبار کردن آن از جانب دیگر داشتند. آنها امید داشتند که تحت تاثیر بایکوت محافظه کاران، انتخابات با اقبال توده‌های روبرونگردد. زهی خیال باطل! اکثریت عظیم صاحبان حق رای در این انتخابات، با نظم و ترتیب انقلابی، شرکت کردند و با این حرکت خود نشان دادند که ساندیسیم برآستی نماینده توده مردم است. رفیق دانیل ارتگا، گاندیدای جبهه ساند نیست با کسب نزدیک به ۷۰٪ آراء به مقام ریاست جمهوری نیکاراگوئی انقلابی انتخاب شد. بزرگترین حزب اپوزیسیون (نیروهای دمکرات و ملی) نتوانست بیش از ۱۳/۵ درصد آراء را کسب نماید. ناظرین بین المللی که بر انجام این انتخابات نظارت می‌کردند، حتی یک نمونه از تخلف را گزارش نکردند (لوموند ۶ نوامبر). برگزاری این انتخابات و پیروزی ساندیسیم در آن راه مفت محکمی بر پیروزه امپریالیسم آمریکا و ضد انقلابیون سازمانیست می‌باشد، به دولت و مردم انقلابی نیکاراگوئه تبریک می‌گوئیم.

## شهادت کمال ازگول

### کارگر مبارز ترک

کمال ازگول کارگر مبارز ترک و عضو (CGT) (فدراسیون عمومی کارگران فرانسه) که همراه سایر رفقای کارگرش برای اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق قصد اشغال کارخانه را داشتند با گلوله‌های محافظان مسلح کارفرمای جنایتکار مواجه شده و در نتیجه کمال ازگول به شهادت رسید. سه تن دیگر از کارگران مجروح شدند. در اعتراض با این جنایت سرمایه‌داران، به دعوت (CGT) و سایر سازمانهای مترقی فرانسوی و خارجی یک راهپیمایی وسیع در پاریس برگزار گردید که بیش از ۱۰ هزار نفر در آن شرکت داشتند. شعارها عبارت بودند از: فاشیست، نژاد پرست، کارفرمای قاتل، زنده باد همبستگی کارگران، کارگر فرانسوی، کارگر خارجی، کارفرمای واحد، مبارزه واحد. واحد پاریس کمیته خارج سازمان ما با شرکت و پخش تراکت از این حرکت حمایت نمود.

## مسئله مسکن و ...

مسئله مسکن باشد. بدون قدرت ثورائی به رهبری طبقه کارگر راه حلهای اتخاذ شده برای حل مسئله در بهترین شکل خود تنها بیک رشته رفرم محسوس و خواهد مانسد.

همانگونه که در قبیل اشاره رفت کارگران و زحمتکشان باید در مبارزات روزمره خود برای مسکن بعنوان یک درخواست بیواسطه اهمیت لازم را قائل شوند مجموعه این مبارزات نه فقط با توجه به تعادل قوای انقلاب و ضدانقلاب قادر خواهد بود دولت ارتجاعی فقیها را به درجات معینی از عقب نشینی وادارد، بلکه در همان حال تشکیل و آگاهی بدست آمده در این مسازرات بشتواند و راهگشای سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی خواهد بود.

## مسکن و

## پیکار طبقاتی جاری

مسئله مسکن در شرایط حاضر یکی از حادثترین مشکلات کارگران و زحمتکشان تبدیل شده است. بحران مسکن در میان توده های حاشیه تولید خلعت انفجاری دارد. از همینرو لازم است کسسه سازمانگران جنبش انقلابی توجه ویژه ای به این درخواست بیواسطه توده های تهیدست مبذول نموده و در رهبری اعتراضات آنها بطور فعال شرکت جویند، مسئله مسکن در کنار خود نیاز به خدمات شهری از قبیل آب و برق، خیابان کشی و اسفالت خیابانها، تامین و توزیع ارزاق... را سیاق فریند که حاشیه شهرها از آنها محروم نمسد. مجموعه این مسائل بصورت مطالبات بیواسطه، حاد و عاجل توده های حاشیه شهرها عمل میکنند که در سازماندهی اعتراضات نباید حول آنها متمرکز شد و به قدرت بالای برانگیزاننده آنها واقف بود. حرکات پی در پی ای (اگرچه پراکنده و کوتاه مدت) که در حاشیه شهرها بوقوع میبویند شاهد خوبی بسر این مدعاست. در میان مجموعه مطالبات بیواسطه حول دوفقره از آنها باید بیشتر متمرکز شده عبارتند از: (۱) عدم تخریب خانه ها توسط ارگانهای سرکوبگر رژیم و انقاید دهه ۱۳۵۰ سابق شهر. داری که تا ظر بر تخلیه و تخریب خانه ها است

(۲) تامین خدمات شهری از قبیل آب، برق، خیابان کشی و اسفالت خیابانها. توده های تهیدست حاشیه شهرها بکرات در برابر هجوم مزدوران جمهوری اسلامی برای تخریب خانه ها مقاومت های درخشانی نموده اند و به دفعات مهاجمین را وادار به عقب نشینی ساخته اند. در مورد خدمات شهری نیز نمونه های از قبیل افسریه بوقوع پیوسته که موجب تأکید و تحسین همه کارگران و زحمتکشان گشته است. برای تقویت و گسترش این نوع اعتراضات باید

رژیم جمهوری اسلامی میکوشد تا با به رخ کشیدن شتاب روزافزون مهاجرت زحمتکشان از روستاها به شهرها و با تاکید به محدودیت های خدمات شهری آنها را مسئول کمبودهای موجود قلمداد کرده و با تبلیغات مسموم کنند خ... افکار کارگران و زحمتکشان ساکنین شهرهای بزرگ را برای سرکوب تهیدستان حاشیه شهرها آماده سازد. اما چه کسی مسئول میاجرت زحمتکشان از روستاها به شهرها از سوئی و کمبود خدمات شهری از سوی دیگر است؟ خرده تولید

## مقاومت زحمتکشان در مقابل ما مورین تخریب

— که با شنیدن صدای الله اکبر، مردم از خانه ها بیرون ریخته و با چوب بسه پاسداران حمله می کنند. مزدوران رژیم وحشت کرده پا بفرار می گذارند. پس از ساعتی، در همان شب پاسداران مزدور دوباره بمنطقه برگشته و مردم را بمسجد دعوت می کنند. مردم بمسجد رفتند و پاسداران به آنان می گویند: "ما برای حمایت از شما آمده بودیم و نه برای سرکوب شما!" مردم که می بینند، پاسداران عقب نشینی کرده اند، می گویند: "خیلی خوب، ما را با شما کاری نیست و شما بروید." با رفتن پاسداران مردم شبانه و با سرعت عظام به ساختن خانه ها ادامه میدهند. (از اخبار ارسالی نشریه "پیک کارگران" وابسته به سازمان)

در جاده نظامی واقع در جاده ورامین که یک منطقه زحمتکش نشین می باشد، از مدت ها پیش زحمتکشان برای خود سر پناهی ساخته و میسازند. در اوایل این ماه ۶۳، ماوران شهرداری بمنظور تخریب خانه ها بمنطقه می آیند که در اثر مقاومت زحمتکشان و با درگیری بین ماوران شهر - داری با مردم، ماوران شهرداری مجبور بفرار میشوند. شب حادثه همان روز پاسداران بمنطقه وارد میشوند لازم به توضیح است که زحمتکشان از قبیل ورود شبانه پاسداران را پیش بینی نموده و بنا خود قرار میگذارند وقتی شب پاسداران آمدند، یک نفر الله اکبر گفته و بقیه با شنیدن صدای الله اکبر از خانه ها بیرون بیایند

تشکلهای توده ای در محلات زحمتکش نشین را سازمان داد و در هر محله ای منطبق با شرایط ویژه اش بشروطترین کارگران و زحمتکشان را متشکل ساخت. اشکال گوناگون مبارزات جاری در محلات مانند طومار نویسی بر علیه تخریب خانه ها و استرداد و واگذاری زمینها به مالکین سابق، تجمع و تحضن در محله به قصد اعمال فشار، مقاومت عمومی ها لیدر برابر تخریب خانه ها، ضرب و شتم مزدورانی که برای تخریب ساکن هجوم می آورند... و اشکال مشابه اعتراضات برای آب، برق، خیابان کشی باید توسط سازمانگران و تشکلهای توده ای بر علیه ارگانهای رنگارنگ رژیم فقیها و استثمارگران سازمان داده شود.

در مقاومتهای زحمتکشان بر علیه تخریب خانه ها و دستیابی به خدمات شهری زنان زحمتکش نقش بسا سرچشمه ای دارند. تشکلهای توده ای محلات باید با توجه باین حقیقت تلاشی لازم را برای جلب سازماندهی زنان کارگر و زحمتکش بعمل آورند.

کنندگان و رشکسته روستاها که از بی تامین نان بخور و نمیر خود آواره شهرها شده اند و یا رژیم فقیها؟ همانگونه که در آغاز این مقاله اشاره رفت بحران مسکن محصول بحران ساختی نظام سرما به داری حاکم بر ایران است و رژیم جمهوری اسلامی بمثابه رژیم بحران و رژیم استمرار و تعمیق بحران اقتصادی - اجتماعی موجود در جامعه بطور تمام عری و رشکستگی بخش کشاورزی را تشدید ساخته و خرده تولید کنندگان روستائی را بیش از پیش به خاک سیاه نشانده است. بنابراین رژیم جمهوری مسیب همه مراتب و فلاکت عظیمی است که زحمتکشان درمانده را به شهرها فرار میدهد. زحمتکشان حاشیه شهرها باید طالب امنیت منازل خود و بهره مندی از خدمات شهری باشند. کاهش جمعیت شهرهای بزرگ باید از طریق ایجاد کار و مسکن مناسب برای زحمتکشان در سایر مناطق صورت پذیرد نه از طریق تخریب

## مسئله مسکن و ...

خانه‌ها و به رگبار بستن تهیدستان . فعالین و سازمانگران باید از طریق تبلیغ و ترویج ایده "جهکسی مسئول بحران مسکن و مهاجرت زحمتکشان از روستاها به شهرهاست؟" همدردی و همدلی کارگران و زحمتکشان در حمایت از مبارزات تهیدستان حاشیه شهرها را بر علیه رژیم فقها جلب کنند .

در شرایط برآمد موج انقلاب و تبدیل وضعیت تدافعی جنبش توده‌ای به وضعیت تعرضی، شورشها و عصیانهای توده‌های حاشیه تولید رشد یافته و یکی از آماج‌های آن مسئله مسکن خواهد بود . در چنین شرایطی برای ارتقاء ظرفیت جنبش انقلابی باید اهداف روشنی را فراروی این طغیانها نهاد .

انقلابی مستغلات و خانه‌های سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ، بخشی از ساختمانهای بزرگ متعلق به دولت و نهاددهیهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و خانه‌های خالی میتواند در شمار این هدفها باشد . عمل مصادره باید به اتکاء جنبش مستقیم توده‌ای و گسترش استکرات انقلابی توده‌ها در جریان گسترش توان تعرضی

جنبش باشد . در شرایط تعرض — موج انقلاب طرح اقدام مصادره انقلابی به اتکاء عمل مستقیم توده‌ها ، لایه‌های حاشیه تولید را به صف آرائی و روبروئی قاطع با رژیم جمهوری اسلامی گشایند و عیار انقلابی این جنبش را تقویت خواهد نمود . در جریان سازماندهی مصادره انقلابی رژیم فقها خواهد کوشید با عنوان نمودن این برجسب که " شورشیان طالب لغو مالکیت خانه‌ها در همه سطوح هستند " و احتمالاً با اتکاء به هرج و مرجهای موجود در جنبش انقلابی اقشار متوسط شهری را دچار هراس نموده و آنها را در برابر توده‌های حاشیه تولید قرار دهد . برای فائق آمدن بر این هراس و برای جلوگیری از انزوای اردوی انقلاب و غلبه بر هرگونه تمایلات احتمالی هرج و مرج طلبانه ضروری است . از همین رو باید به نکات زیر توجه شود : اولاً مصادره انقلابی باید توسط ارگانهای توده‌ای مانند کمیته‌های توده‌ای و شوراهای محلات سازمان داده شود . مساکن مصادره شده باید در اختیار زحمتکشان بی سرپناه نباشد ، شود و ارگانهای که باید بر حسن انجام امور نظارت کنند

همان کمیته‌ها و شوراهای محلات خواهند بود . ثانیاً مصادره باید متوجه سرمایه‌داران ، زمینداران و بیادولت حامی آنها باشد و نه اقشار متوسط شهری . این تفکیک خطر تقابل دویخشان از زحمتکشان را از میان برده آنها را در برابر طبقات استثماری و دولت ارتجاعی فقها متحد خواهد نمود .

در شرایط حاضر هزینه مسکن یکی از عمده‌ترین هزینه‌هایی است که درآمد کارگران را بشدت کاهش میدهد . همانگونه که اشاره رفت اجاره خانه بخشی از درآمد کارگران است که زمینداران ، صاحبان مستغلات و بورس بازان صرفاً به علت مالکیت بر زمین و ساختمان از آن خود می‌زنند . کارگران که در شرایط حاضر برای افزایش دستمزدها می‌کنند باید بکوشند تا با این بخش از بهره‌کشی نیز مبارزه کنند . مبارزه برای کاهش اجاره شکلی از مبارزه برای افزایش دستمزد بوده و هر دو تجلی مبارزه واحدی برای بهبود وضعیت معیشتی کارگران است . از آنجا که کارگران فاقد ساز و موثر و مستقیم برای فشار بر زمینداران و بورس بازان

بقیه در صفحه ۲۹

## درگیری اعضای شرکت تعاونی مسکن دانشگاه با موریان شهرداری

پس از گذشت سه سال از تأسیس شرکت تعاونی مسکن دانشگاه ملی ، اعضای شرکت تعاونی برای پیگیری مسأله زمین و تهیه مسکن ، هیئت مدیره جدیدی را انتخاب می‌نمایند . هیئت مدیره جدید ، نقشه زمین را (زمینهای ولنجک واقع در پشت دانشگاه) تهیه و در اختیار پرسنل قرار میدهد و با اقدامات قانونی و مذاکره با مقامات دولتی خواستار تحویل زمینها میشود . پرسنل چندین هیئت مدیره تعاونی متوجه میشود که زمینهای فوق به دهها شرکت تعاونی دیگر نیز فروخته شده است و از اینرو تنها راه پس گرفتن زمین را توسل به اقدام مستقیم و دست جمعی پرسنل می‌دانند . در یکی از روزهای اوایل تیرماه ۶۳ ساعت ۹ صبح از دانشگاه و بیمارستانهای وابسته بان پرسنل عضو تعاونی دست به دست یاری سرورسها به سر زمینهای که بخاطر آن سه سال است شرکت تعاونی مسکن تشکیل داده‌اند و پول آنها نیز پرداخته‌اند حرکت کرده و شروع به خط کشی و قطعیه بندی زمینها می‌نمایند . چون تعداد آنها بسیار و زنان زیادی نیز از اعضای شرکت آمده بودند ، قرار می‌گذارند که فردا مجدداً بازگردند . هیئت مدیره با توجه به امکان دخالت ماموران دولتی برای جلوگیری از تقسیم زمینها ، به همه پرسنل اطلاع میدهد

که با هیچکس درگیر نشده و مامورین دولتی را به هیئت مدیره ارجاع دهند . فردای آنروز ، هیئت مدیره با توافق قبلی با اعضای چهل گامیون اجر در سر زمینها تخلیه کرده و اعضای شرکت تعاونی را به دستهای مختلف تقسیم و مشغول کار میشوند . از همان اول صبح سر و گله جاسوسان و خیرچینان کمیته پیدا شده و دیری نمی‌گذرد که شهرداری شمیران با اسباب و تجهیزات کافی ، بولدوزر ، گامیون و دهها ماشین کمیته "ضربت" برای حل مسأله از طریق سرکوب فوری و تخریب حاضر میشوند . مامورین شهرداری و کمیته شروع به پرخاش نسبت به پرسنل تعاونی نموده و کار آنها را ضد انقلابی و غیر قانونی می‌شمارند . اعضای تعاونی با گفتن اینکه : قانون از سرمایه‌دارها و تجار حمایت کرده و اینکه هر اقدام "مستضعفان" را که برای تهیه سرپناهی صورت می‌گیرد ضد انقلابی و غیر قانونی قلمداد می‌گرد ، به پرخاشهای مامورین شهرداری و کمیته پاسخ دادند . شهردار که وضع را این چنین می‌بیند به راننده بولدوزر دستور میدهد اجرا را به گامیون ریخته و شروع به دادن فحشهای رکیک به زنانی که مشغول کار شده بودند می‌نماید . این اقدام شهردار با عکس العمل شدید پرسنل روبرو شده و درگیری بشدت

شروع میشود . کمیته چی‌ها پرسنل را که از استادان دانشگاه ، مدیر ، پزشک ، تکنسین ، پرستار ، کارکنان و کارگران و اعضای انجمن اسلامی بیمارستانهای جرجانی ، لقمان‌الدوله ، طالقانی ، هشتم شهریور و ... بوده و دست جمعی اعتراض کرده و بیان میکنند "ما اخلاک نیستیم ، فقط زمین می‌خواهیم" دستگیر و مصلحتاً کتک می‌زنند . تعداد دستگیر شدگان به ۲۹ نفر میرسد . اعضای هیئت مدیره نیز جزو کتک خورده‌ها و دستگیر شدگان بودند که آنها را مجدداً در کمیته سعدآباد به سختی کتک می‌زنند . در پی اعتصاب پرسنل دانشگاه و بیمارستانهای نامبرده شده ، روز بعد همه دستگیر شدگان را به دادسرا می‌برند و همه را آزاد میکنند که در جلوی دادسرا با استقبال گرم کارکنان دانشگاه مواجه میشوند . بدنبال این حوادث ، شهردار اخراج و کمیته چی‌ها معذرت خواهی می‌کنند و مقامات دولتی قول میدهند که بزودی مسأله زمین و مسکن آنها را حل نمایند . (به نقل از "نظم نوین" ۳ - مهرماه ۶۳ - نشریه محلی شرق تهران - وابسته به سازمان)

## نقدی بر پینش . . .

مقابل انظار اکثریت مردم به سازش بکشانند ، مبدل میگردند... شوراها بدون یک انقلاب غیر ممکن اند ، بدون یکا انقلاب پرولتری ، آنان ناگزیر به کاریکا تورشوراهای واقعی مبدل میشوند. (مجموعه قطعا مه های چهار کنگره اول کمینترن ، متن انگلیسی صفحه ۱۲۹). تجربه کلیه انقلابات و منجمله جنبش انقلابی در کشور ما ثابت میکند که شوراها بمثابه پایه های قدرت توده ای تنها در شرایط اعتلای انقلابی توده ای و بحران عمیق در "بالایها" میتوانند پدید آیند و با فصول جنبش انقلابی توده ای ، شوراها ضرورت وجودی خود را از دست میدهند و به انحلال و انحطاط میگردانند. از اینرو بود که وقتی خروس تالیف نخستین رهبر شورای نمایندگی کارگران سنت بطرزبورگ در تابستان ۱۹۰۶ ، پس از آنکه موج انقلابی فروکش کرده بود ، پیشنهاد ایجاد شوراهای نمایندگی کارگران را داد ، لنین با این پیشنهاد مخالفت کرد. مجموعه این تجارب (و منجمله تجربه انقلاب بیمن ) مؤید این حقیقت هستند که پیدایش شوراهای در "دوران قیام و اولین سالهای بعد از آن " بیچوجه نمادنی نبوده بلکه تنها تحت چنین شرایطی ، پیدایش شوراها ممکن است . آقای تقوایی قادر به درک این حقیقت نیست ، از آنرو در شرایطی که موقعیت انقلابی در کشور ما وجود ندارد و مبارزات کارگران عمدتاً خصلتی تدافعی ، اقتصادی و پراکنده دارند ، وی شعار تشکیل شوراها را پیش میکند ، تا پسند ، آقای تقوایی ایجاد شوراهای نمایندگی کارگران را مد نظر ندارد بلکه کمیته های کارخانه را که در جنبش کمونیستی ما به شوراها مصطلح شده اند ، مورد توجه دارد. در آن صورت ، باید ضمن تذکر مجدد درباره این کمیته های کارخانه شکل حزبی نیستند. بگوئیم که کمیته های کارخانه نیز محصول وجود وضعیت قدرت دوگانه در واحد تولید میباشد و وظیفه بلاواسطه شان اعمال کنترل تولید توسط کارگران است. آیا مبارزات طبقه کارگر ، امروزه در موضع تعرضی قرار دارد و اعمال کنترل تولید در مرکز مبارزات کارگری است ؟

میدهند (و این البته به میکروسکوپیهای قوی نیاز ندارد) منفی است. بنا بر این ایجاد شوراها در لحظه حاضر ، به چه چیزی بجز "شوراهای" مصنوعی "پرهیا هو" که در بهترین حالت به جامع کوچکی که ایده آلهای قدرت شورائی را تقلید میکنند و در بدترین حالت به "شوراهای پوچی که تنها قادرند این ایده آلهای را در مقابل انظار اکثریت مردم به سازش بکشند ، مبدل میگردند؟ علاوه هنگامیکه آقای تقوایی میگوید "خواست تشکیل شوراها" امروزه به یکی از مطالبات اساسی توده ها " تبدیل شده است ، باید معنای این " مطالبه " را تشریح نماید. آیا مبارزه کارگران در لحظه حاضر عمدتاً خصلت تدافعی ، پراکنده و اقتصادی دارد یا نه ؟ آقای تقوایی به ایسین برش پاسخ مثبت میدهد ، هنگامیکه مینویسد : " در شرایط حاضر مبارزات کارگران دارای خصلتی تدافعی بوده و به خواستهای صنفی و فابریکی محدود مانده است " (نشریه کمونیست شماره ۱۱) پس آیا در لحظه حاضر کارگران شورا را مطالبه میکنند تا در واحدهای تولید کنترل خود را اعمال نمایند و قدرت دولتی نوین را بوجود آورند ؟ بیچوجه ! پس مطالبه شورا از جانب کارگران به چه معناست ؟ این تنها بدین معناست که سردمداران جمهوری اسلامی و برخی از روحانیون صاحب نفوذ نظیر آیت الله طالقانی نمیتوانند مفهوم شوراها را در ذهن کارگران مسخ نمایند و به شوراها بمثابه پایه قدرت دولتی کارگران و زحمتکشان و ارگان اعمال کنترل کارگری ، اختیارات و وظایف دیگری را نسبت دهند (نظیر شوراها بمثابه ارگان مشورت کارگران با مدیریت یا ارگان ابراز مشکل خواستهای صنفی و رفاهی). در حال حاضر ، با توجه به بی اعتباری رژیم جمهوری اسلامی در نزد وسیعترین توده های کارگر ، شوراهای اسلامی کارخانجات ( که علاوه بر انجمنهای اسلامی تنها ارگانی است که از لحاظ قانونی رسمیت شناخته شده ) در اکثریت قریب به اتفاق واحدهای تولید ، مبدل به ارگانهای انتصابی سرکوبگر شده اند. در بسیاری از کارخانجات ، کارگران انتخابات این " شوراهای فرمایشی را تحریم کرده اند و در آن

مواردی که کارگران در انتخابات "شوراهای" اسلامی شرکت کرده اند تنها کوشیده اند از ابزارهای قانونی نیز برای مبارزه علیه سرمایه داران و دولت استفاده نمایند. مطالبه تشکیل "شوراها" در لحظه حاضر ( یعنی در وضعیت تدافعی جنبش کارگری ) تنها بیان محکومیت "شوراها" های انتصابی سرکوبگر از جانب کارگران و تلاش آنان برای استفاده از پوششهای قانونی جهت یگیری در مبارزه اقتصادی و رفاهی علیه سرمایه داران و دولت است. دقیقاً بدلیل اینکه رژیم جمهوری اسلامی برای اعمال سیادت خود در کارخانه از "شوراها" های اسلامی استفاده میکند ، کمونیستها موظفند تا ذهن کارگران را درباره شوراها بعنوان پایه های قدرت دولتی و ارگان اعمال کنترل به روش روشن کنند و نگذارند استفاده از این پوشش قانونی برای کارگران این توهم را بوجود آورد که گویا شورا ارگان مبارزه بسوی افزایش دستمزد ، کاهش ساعات کار روزانه و بهبود وضعیت رفاهی کارگران است. و اما آقای تقوایی ، با مسخ مفهوم شوراها این توهم را در میان کارگران دامن میزند و شعار "شوراها" را بوسیله ای برای به سازش کشیدن ایده آلهای قدرت شورائی در مقابل انظار اکثریت کارگران مبدل میکند. سرانجام آنکه آقای تقوایی ، بدلیل عدم درک نقش شوراها ، ایسین ارگان را در مقابل سندیکا قرار میدهد و مینویسد : " چرا با وجود پیدایش و گسترش وسیع جنبش شورائی در دوران قیام و اولین سالهای بعد از آن ، و با وجود آنکه خواست تشکیل شوراها به یکی از مطالبات اساسی توده های کارگر ... تبدیل شده است ، با این همه کمونیستها باید برای تشکیل سندیکاها مبارزه کنند؟" عبارات مذکور نشان میدهد که نویسنده نمیفهمد که اولا شوراها در شرایط موقعیت انقلابی پدید می آیند و وظیفه آن اعمال کنترل بر تولید و ایجاد پایه های قدرت دولتی نویسنده میباشد ، حال آنکه سندیکاها ، ارگانهای پایدار طبقه برای مبارزه حول افزایش دستمزد ، ساعات کوتاه تر کار و بهبود وضع رفاهی کارگرانند .

## نقدی بر پینش ...

ثانیا مبارزه برای تشکیل سندیکاها بیجوجه با مبارزه برای شوراها منافات ندارد، همانطوریکه اعتلای انقلابی توده‌ای نه تنها موجبات نفسی مبارزه اقتصادی طبقه رافراهم نمی‌آورد بلکه سبب توسعه این مبارزه و تلفیق موثر و توده‌ای آن با مبارزه سیاسی میشوند. در صورت یک اعتلای انقلابی توده‌ای، تنها این حقیقت را باید حساب آورد که سندیکاها ارگان مناسب و موثر برای اعمال کنترل بر تولید نیستند و از اینرو وظیفه سازمان دادن شوراها را نمایندگی و کمیته‌های کارخانه به محور فعالیت کمونیستها جهت سازمان دادن توده کارگران مبدل میشود. و اما بینیم احتجاجات "مخمس" نویسنده درباره مطالبه اساسی کارگران سنی برای ایجاد شوراها کدامند.

## ج) احتجاجات آنا رشیستی درباره تشکیل شوراها

## در لحظه کنونی

احتجاجات آقای تقوایی را درباره ضرورت تشکیل شوراها در لحظه کنونی، میتوان در سه مولفه جمع بندی کرد: اول وجوددایده شوراها و خواست اعمال اراده شورائی در ذهن کارگران. دوم انگیزه و دلایل مبارزه کارگران که بدلیل خصلت انفجاری خود میتواند سرعت خصلت تعرضی پیدا کند، شوراها میتوانند کارگران را بوضعیت تعرض سوق دهند. سوم برای ایجاد ارگانهای توده‌ای بمثابه ابزار قیام و ارگان جمهوری منبعث از قیام، باید از هم اکنون شوراها را پایه گذاری کرد. یکایک این باصطلاح "استدلالات" را مورد مطالعه قرار دهیم، اما بیشتر خوبست این عبارت لنین را بخاطر آوریم: "نادرستی احتجاجات آنا رشیستها در کجا نهفته است؟ این نادرستی در این واقعیت نهفته است که بدلیل عقاید اساسا نادرست ایشان درباره مسیر تکامل اجتماعی، آنان از بحساب آوردن ویژگیهای وضعیت سیاسی (و اقتصادی) در کشورهای متفاوت کسه اهمیت ویژه این یا آن وسیله مبارزه را برای یکدوران معین زمانی تعیین میکند، نا توانند." (کلیات آنا رلنین

جلد ۱۶ صفحه ۳۴، تاکید و مطالب درون پراستز از لنین است) اکنون اولین جنبه "استدلالات" آقای تقوایی را در نظر گیریم. وی مینویسد: "حتی امروز، سه سال بعد از یورش وسیع رژیم به جنبش کارگری و بازپس گرفتن کلیه دستاوردهای قیام، هنوز یورش بیروازی نتوانسته است که ایسده شوراها و خواست اعمال اراده شورائی را از ذهن کارگران بزدايد. هنوز هر گاه که کارگران برای تحقق خواست معینی بیامی خیزند، مخالفت با شوراها موجود و تشکیل شوراها برای کارگری یکی از انگیزه‌ها و خواسته‌های آنان را تشکیل میدهد و رژیم جمهوری اسلامی هنوز ناگزیر است که در مقابل با جنبش کارگری، سیاست سرکوب خود را با تائید لفظی شوراها و سخن گفتن از مکان و مرتبت والای آنها در اسلام همراه کند" (تشریح کمونیست شماره ۱۱ تاکیده از ماست). آیا نویسنده از عبارات خود سردر می‌آورد؟ وی میگوید رژیم "کلیه دستاوردهای قیام" را از کارگران پس گرفته و یورش وسیعی بدانان نموده است، اما از آنجا که نتوانسته "ایده شوراها و خواست اعمال اراده شورائی" را از ذهن کارگران بزدايد، پس زمینه ایجاد شوراها وجود دارد!! اما مگر شوراها محمول اعتلای جنبش انقلابی توده‌ای نیستند پس چگونه در وضعیت تعرض رژیم میتوان به ایجاد شوراها مبادرت کرد؟ نویسنده در پاسخ خواهد گفت: آخرایده شوراها و خواست اعمال اراده شورائی در میان کارگران وجود دارد. اما مگر ایده شوراها و خواست اعمال اراده شورائی برای بس ندادن دستاوردهای قیام کافی بود که برای بوجود آوردن شوراها کافی باشد؟! آیا مگر "ایده اعتصاب عمومی و قیام و خواست سرنگونی رژیم" در ذهن کارگران وجود ندارد پس چرا کارگران را دعوت به قیام یا اعتصاب عمومی ننمائیم؟! حقیقت اینست که برای طرح شعار ایجاد شوراها در لحظه کنونی، توجه به "ایده" و "خواست" کارگران کفایت نمیکند، ملاک تنها سطح جنبش واقعی توده‌ای است. متاسفانه، نویسنده با تفکر آنا رشیستی خود ویژگی وضعیت جنبش کارگری را در لحظه کنونی نمیتواند در نظر گیرد و از اینرو

با اشاره به "ایده" و "خواست" از روی آن میجهد و در این تناقض گیر میکند که چگونه "ایده شوراها و خواست اعمال آن" برای جلوگیری از پس گرفتن "کلیه دستاوردهای قیام" (که شوراها نیز از جمله آنان بودند) البته بامید آنکه نویسنده نیز با ما موافق باشد) کافی نبود اما برای بوجود آوردن آنها کفایت میکند. و اما نویسنده برای "محکم" کردن استدلال خود به "تائید لفظی شوراها" از جناب رژیم اشاره میکند. وی قادر به درک این موضوع نیست که تائید رژیم از شوراهای اسلامی کارخانجات "لفظی" نیست بلکه بسیار واقعی است زیرا این "شوراها" سیادت رژیم را در واحدهای تولید تضمین میکنند. رژیم با طرح "شوراهای اسلامی" در مقابل خواست شوراهای کارگران عقب نشینی نکرده است بلکه تعرض نموده است و در حقیقت ما با زای "سرکوب کلیه دستاوردهای قیام" طرح شوراهای اسلامی برپا یه حق مشورت بجای شوراهای توده‌ای کارگری برپا یه کنترل کارگری است. اما نویسنده که از لحاظ بینشی درباره خصلت، عملکرد و نحوه پیدایش شوراها با سردمداران جمهوری اسلامی قریبتهائی دارد، طرح شعار شوراهای اسلامی را تائید لفظی (واقعی اثرات اتحاد مبارزان انجام میدهد) شوراها را جان بر رژیم قلمداد میکند. اینست چکیده استدلال نخستین نویسنده. و اما استدلال دوم، وی مینویسد: "بنا بر این بجز این نمیتوان گفت که مبارزات جاری کارگری، علیرغم شکل تدافعی و کارخانهای آن، دارای بتانسیلها و قابلیت‌های بالائی است که در صورت برطرف شدن نقاط ضعف آن، میتواند به سرعت و وسیعاً شکلی سراسری و سیاسی بخود بگیرد. یکی از این نقاط ضعف، فقدان چنان تشکیلاتی است که خود را در چارچوب مبارزات صنفی و اقتصادی کارگری محدود نکرده و از هم اکنون نهیت، روحیه، نا رضایتی و خواستهای سیاسی توده‌های کارگری و بتانسیل سیاسی مبارزات آنها را در پیشبرد وظایف خود بحساب آورند... آیا به جز شوراهای کارگری، تشکیلات دیگری میتواند به این ضروریات پاسخ بقیه در صفحه ۳۰



## فقه در تقاضای

را مترادف با تسلط " میان‌روها " در حکومت قلمداد می‌کند. ثانیاً فراموش می‌کند که روحانیت حاکم در حفظ تسلط خود متکی بر " امت حزب‌الله " است و همین " امت حزب‌الله " است که همواره و بویژه در مقاطع حساس با یستی نقش کلیدی در کنترل اوضاع به نفع روحانیت حاکم و نظام " ولایت فقیه " ایفا کند .

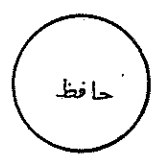
ثالثاً - روحانیت حاکم تنها به قیمت تخفیف فشار سیاسی بورژوازی و تساهل و تسامح سیاسی آن ، تن به انعطاف‌هایی در عرصه اقتصاد داده است . این انعطافها بیش از آنکه مبین تحقق برخی از اجزای برنامه اصلاحاتی بورژوازی باشد منعکس‌کننده مانورها<sup>۱۳</sup> است که روحانیت حاکم به ناگزیر در جهت تحکیم پایه‌های قدرت " ولایت فقیه " و تمرکز آن در دست خود بدان دست می‌زند .

امایی پایه بودن توهم‌سازات لیبرالی مبنی بر استحاله رژیم جمهوری اسلامی ، مبین ناتوانی مطلق رژیم در اقدام به فرم است ؟ زمین نیروهای سیاسی مخالف رژیم فقها ، مجاهدین برجسته‌ترین و قاطع‌ترین پاسخ مثبت‌رانه این سؤال ارائه می‌دهند . آنان چنان از ناتوانی مطلق رژیم در اعمال فرم سخن می‌گویند که گویا در صورت پذیرش امکان انعطافها<sup>۱۴</sup> از جانب فقها در زمینه پیشبرد سیاستهای خود در هر شرایطی و با هر هدفی - نیروهای انقلابی ملزم به قبول ورشکستگی و بی اعتباری سیاسی خود خواهند بود . حقیقت این است که مجاهدین جهت حفظ " تنها آلترناتیو ممکن و دمکراتیک " مجبوره جلیب حمایت بخشهایی از نیروهای امیریا - لیستی و " اقشار متوسط بورژوازی " و کسب اعتبار از طریق تعیین زمام برای سرنگونی رژیم در کوتاه مدت هستند و این با پذیرش امکان توسل رژیم به فرمهای سرمایه‌دارانه (ولو زنگارگی و جزئی) مباحست دارد . زیرا اولاً رژیم با توسل به اینگونه فرمها قادر خواهد بود بخشی از متخصصین و سرمایه‌داران مقیم خارج را بخود جلب کند و این به معنای آن است که مجاهدین برای جلب حمایت این نیرو که شرط لازم " وفاق همگانی " علیه رژیم خمینی میباشد مجبور به رقابت با

قدرتی هستند که هزار بار در جلب این نیروها مجهز تر است زیرا قدرت اصلی و شاهرگهای اقتصاد جامعه را در اختیار دارد . ثانیاً در رقابت برای جلیب خرده بورژوازی جدید و جلوگیری از انفعال آن ، مجاهدین ملزم به تقویت لائیسزم و اتخاذ روش پیگیری بورژوا - دمکراتیک جدائی دین از دولت هستند . حال آنکه تعیین استراتژی ایحاد دولت " جمهوری دمکراتیک اسلامی " با این امر مباحست دارد . در جامعه‌ای که تسلط دولت مذهبی بر جامعه ، خود بزرگترین عامل رویگردانی مردم به ویژه لایه‌های خرده بورژوازی جدید از مذهب شده است ، مجاهدین بلحاظ ناتوانی در مرزبندی با حکومت مذهب بر جامعه و تبلیغ جدائی دین از دولت به مثابه اهرم بسیج‌کننده توده‌ای ، بدیهی است که پایه‌های خود را در میان بخشی از جامعه و بویژه این لایه‌ها از دست ندهند . ثالثاً افزایش ولولناجیز توان رژیم جمهوری اسلامی در بسط سیاست فرم به نفع بورژوازی به معنای بی اعتبار شدن سیاست تعیین زمان برای سرنگونی رژیم در کوتاه مدت است و این ضربه‌ای جدی به " حینیت " تنها " آلترناتیو " محسوب میشود . رابعاً بذیرتی هرگونه تغییر سیاست رژیم مبنی بر خروج از انزوای سیاسی و برقراری ارتباط با دول امبرالیستی سمعنای تضعیف حمایتی بین المللی نیروهای امیرالیست از " آلترناتیو شورای ملی مقاومت " است . خامساً - خرخش دول امبرالیستی و " اقشار متوسط " به سمت سیاست " استحاله تدریجی " رژیم سمعنای آن است که مجاهدین نتوانند صرفاً بر نیروی مسلح خود ، حمایت بخشی از ارتشیان و نیروهای بین المللی جهت تصرف قدرت حساب کنند ؛ بلکه باید بجای تاکید بر " وفاق همگانی " ، از سیاست کمونیستی مبنی بر تعمیق بیکار طبقاتی بیرونی نموده و بدین منظور شعارهای دمکراسی انقلابی را برای تدارک قیام انقلابی توده‌ای اخذ کنند . امری که با سیاست لیبرال - دمکراتیک مجاهدین خوانائی ندارد . اینهاست دلائلی که سبب سربساز زدن مجاهدین از شناخت هرگونه توسل به فرم توسط رژیم میگردد . انکار واقعیت تن دادن فقها به

برخی فرمهای جزئی در حل بحران حکومتی و تامین نظم و امنیت برای سرمایه و تحکیم حاکمیت خود بر جامعه ، چیزی جز ظفره رفتن از سازماندهی اعتراضات جاری توده‌ها و اتخاذ تاکتیک اصولی متناسب با این شرایط نیست . در این شرایط وظیفه انقلابیون عبارت از توضیح هرچه بیشتر ماهیت زنگارگها و تلاشهای نوین رژیم در جلب حمایت " اقشار متوسط " در داخل و حمایتی بین المللی در خارج است .

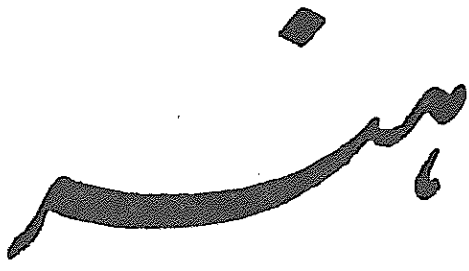
گذشته از چگونگی پیشبرد سیاستهای جاری رژیم در عرصه اقتصاد ، بخوبی آشکار است که در رابطه با بحران عمومی سیاسی ، توبه‌های مکرر فقها در اعمال قهر خشن و بی امان در جامعه هیچگونه تاثیر قابل توجهی در روحیه انقلابی توده‌ها و انزجار آنان از چنین حکومتی نخواهد گذارد . بی‌تفاوتی مردم در قبال این اقدامات و سیاستها مبین بی نتیجه بودن تقلاهای فقها در تخفیف ناراضی عمومی علیه خود و تحدید بحران سراسری جامعه میباشد . اقدامات کنونی فقها که استکباری حتی با فقه شیعه بیدار کرده است ، بی‌مان حدت و عمق بحران جدید میان بالائیها و جدید سراسر جامعه است . خطری که مشاهده آن فقها راه تکاوتی چنین واداشته است ، اگر انقلابیون و بویژه کمونیستها از این بحران در جهت تعمیق و گسترش اعتراضات توده‌ای علیه قدرت سیاسی حاکم و سازماندهی مبارزات سیاسی آنان و بیوند شعارها و خواستهای بی واسطه‌شان با خواست عمومی سرنگونی رژیم فقها که خطر آمدمدان انقلابی توده‌ها را برای رژیم فعلیت میدهد ، استفاده نکنند ، زمینه را برای رشد توهامات لیبرالی ضد انقلابی بساز خواهند گذاشت . بسیج و سازماندهی توده‌های انقلابی علیه رژیم فقها در جهت تدارک قیام انقلابی توده‌ای نمیتواند جز از طریق تبلیغ ضرورت تعمیق مبارزه علیه رژیم که از اعتقاد به ضرورت تعمیق بیکار طبقاتی علیه نظام مسلط ناشی میشود ، افشای توهم لیبرالی " وفاق همگانی " علیه خمینی و همچنین امکان استحاله رژیم ، ضرورت سرنگونی کل رژیم جمهوری اسلامی با تاکید بر جدائی بیگیردین از دولت و ترویج شعارهای دمکراسی انقلابی انجام پذیرد □



چاپ آثار رهبری در این صفحه، معمولاً بدون اطلاع ما حیا نشان صورت میگیرد، ونشانه وابستگی آنان به سازمان ما نیست.

احمد شاملو

مغنی، بساز آن نو آئین سرود  
بگو با حریفان به آواز رود  
که از آسمان مژده نصرتست  
مرا بر عدو عاقبت فرصتست  
مغنی، نوای طرب ساز کن  
به قول و غزل قصه آغاز کن  
که بارغمم بر زمین دوخت پای  
به ضرب اصولم بر آوزر جای  
به مستان نوید و سرودی فرست،  
به یاران رفته درودی فرست.



از گزیده غزلیات شمس  
به اهتمام شفیعی کدکنی

مرا عاشق چنان باید که هرباری که بر خیزد  
قیامت‌های پر آتش ز هر سویی برانگیزد  
دلی خواهیم چون دوزخ که دوزخ را فرسوزد  
دو صد دریا بشوراند، ز موج بحر نگریزد  
فلکها را چو مندیلی<sup>۱</sup> به دست خویش در پیچد  
چراغ لایزالی را چو قندیلی در آویزد  
چو شیری سوی جنگ آید، دل او چون نهنگ آید  
بجز خود هیچ نگذارد و با خود نیز بستیزد  
چو هفتصد پرده دل را به نور خود بدر آند  
ز عرشش این ندا آید: «بنامیزد<sup>۲</sup>، بنامیزد»  
چو او از هفتمین دریا به کوه قاف رو آرد  
از آن دریاچه گوهرها کنار خاک در ریزد.

(۱) مندیل، دستار، دستمال.  
(۲) بنامیزد، ماشاءالله در زبان امروز.

باید بعضی نقرات  
روشن میدارد.  
اعتماد یوسف.  
حسن رشیده.  
\*  
توتم می بخند،  
راه میاندارد،  
واحاق کهن سردسرایم  
کرم می آید از گرمی عالی دستان.  
\*  
نام بعضی نقرات  
رزق روح شده است.  
وقت هر دلتنگی  
سویبان دارم دست  
حرا تم می بخشد.  
روشن میدارد.  
نقل از  
نامه کانون نویسندگان ایران

تمثیل

در یکی فریاد  
زیستن -  
[پرواز عصیانی فواره‌ئی  
که خلاصیش از خاک  
نیست  
ورهایی را  
تجربه‌ئی می کند.]  
و شکوه مردن  
در فواره فریادی -  
[زمینت  
دیوانه آسا  
با خویش می کشد  
تا باروری را  
دستمایه‌ئی کند؛  
که شهیدان و عاصیان  
یارانند  
که بارآوری را  
بارانند  
بار آورانند.]  
زمین را  
باران برکت‌ها شدن -  
[مرگ فواره  
از این دست است.]  
ورنه خاک  
از تو  
باتلاقی خواهد شد  
چون به گونه جو باران حقیر  
مرده باشی.

فریادی شو تا باران  
وگر نه  
مرداران!

- منتشر شده است :
- از علی میر فطروس :  
حلاج (یک بررسی تحقیقی)
  - از دکتر اسماعیل خوئی :  
گایوس خونسرشته بیداران (مجموعه شعر)
  - از نعمت میرزا زاده (م. آرم) :  
۱- گلخشم (مجموعه شعر)  
۲- گلخون (مجموعه شعر)  
۳- به هوای مین (مجموعه شعر)  
۴- یاد افراه نامک (قصیده ای در  
تعرّض به خمینی)

## هدف حزب توده . . .

طبقاتی رابه جلو سوق میدهد؟ تا هنگامی که سرمایه بعنوان رابطه اجتماعی تنظیم کننده مناسبات اجتماعی باقی مانده باشد، قانون کار، قانون کار دستمزدی باقی میماند. هیچ نوع "مشارکتی" محتوای آنرا از تاجایی به مشرقی بدل نمیکند. در چنین شرایطی سخن گفتن، به سبک حزب توده، از "قانون کار مترقی" خاک در چشم کارگران پاشیدن است. دعوت به مشارکت کارگران و سرمایه داران در تنظیم قانون کار، بعنصوان ایده آل کارگران و دستاورد انقلاب بهمن، دعوت به آنست که کارگران بای سند چپا و، و از خود بیگانگی شان امضاء بگذارند و آن را افتخار خسود بدانند این امر مشارکت کارگران در تصمیماتی است که از پیش سلطه سرمایه داران راپیش فرض داشته و تنها قصد آن دارد که کارگران را در نتیجه و حاصل آن مسئول جلوه دهند.

آیا بورژوازی با "مشارکت" مخالف است؟ طبیعی است که سرمایه دار "عاقل"، در شرایط چرخش عادی تولید و تما حباب ارزش اضافی، هرگز میل ندارد هیچ مداخله ای در امور از جانب "غیر" را بپذیرد. مداخله یا شراکت از نظر او و تنها وقتی سودمند است که در جهت حفظ منافع او بکار رود و خطرا دفع کند. بنابراین در شرایط متعارف امور او هرگز حاضر نیست که شراکت تولید کارگران در اداره امور یا برنامهریزی تولید را بپذیرد. اما در شرایط بحران، زمانی که شیرازه امور دستخوش تکانهای شدیدی شده است و زمین زیر پای آنها سست شده، سرمایه داران با کمال میل حاضرند تا کارگران را در نتایج زیان و بحران شریک کنند تا با اینکار از یک طرف انرژی کارگران را از جهت گیری بسوی ریشه کنی مناسبات مالکیت و سلطه سرمایه منحرف کرده و از جانب دیگر خود توده تولیدکننده را نیز بمثابه مسئولین بحران درگیر کنند. وضعیت کنونی بورژوازی امپریالیستی که چند سال است در بحران مزمن دست و پا میزند بهترین نمونه این مدعا است. امروزه آنان در کشورهای متعصب و اروپائی برنامه های دورود را ز فروش سهام کارخانجات به کارگران را دنبال

میکند (بویژه در انگلستان و سوئد) تا از یک طرف ته مانده پس اندازهای کارگران و خرده بورژواها را بصورت سهام شرکتی بسیار پراکنده و بی نفوذ زیر کنترل سرمایه بزرگ در آورند و با سرمایه ای، به نسبت کوچکتر از پیش انبوهی عظیم از سرمایه خرد و پراکنده را تحت پوشش در آورند و از جانب دیگر کارگران را در ضرر ناشی از بحرانی که در آن به سر میبرد مشارکت دهند. این امر مانع از تجمع و تمرکز خشم کارگران بر علیه سرمایه داران بماند. عاملین این بحران (وانگلهای زائیدی که جز تغذیه از تولید نقش دیگری در پیروسه تولید ندارند و بیگانه اند) میگردند و بعکس بخشی از آنان، کارگران سهامدار رادر مقام "سرمایه دار" مسئول و شریک حله میدهند. این در هر دو دادن انرژی کارگران، پراکنده ترک کردن صفوف آنان در شرایط بحران و کند کردن روند کسب آگاهی طبقاتی آنان نقش بسیار مهمی ایفا میکند. کارگران شریک و سهامدار خود را بخشی از نظام در حال بحران می بینند و اعمال آنرا در انقلابی بر علیه آن اقدام علیه خود تصور میکنند. این بهترین زمینه عینی رشد خرافات خرده بورژوازی است. این تسمه ای است که ادامه کنترل اشرافیت کارگری بر توده عقب مانده، کارگران را تهییل میکند.

بنابراین طرح مشارکت، در شرایط بحران مورد پذیرش و استقبال بورژوازی قرار میگیرد و آنان این "شراکت" را حتی تا مرحله ادغام سرمایه ای بالامیرند! بورژوازی امولا از هر اقدامی که در آن موجودیت متمایز کارگران بماند یک طبقه تحت الشعاع قرار بگیرد خرسند است. طرح مشارکت و "شوراهای اشتراکی" نیز دقیقاً همین را تبلیغ میکند: همکاری طبقات و سه مبارزه آنها. کمونیستها جز این نمی اندیشند. تا زمانی که زمان تعرض به مناسبات حاکم فرا نرسیده است، آنان با صدای بلند اعلام میدارند که میبایست در چهار رجب و اقلیت کنونی اقداماتی را جست و تشویق کرد که مبارزه طبقاتی را هر چه تیزتر کند. آنها مبارزه برای دستمزد بیشتر، مبارزه برای شرایط کار انسانی تر

و... خلاصه مبارزه برای خواسته های اتحادیه ای را، نه بماند غایت امر و ایده آل کارگران بلکه بماند گامی جهت پیشبرد امر شکل صفتی - سیاسی طبقه کارگر و تقویت امر فرسوده ترک کردن صفوف کارگران و تشویق اقدامات مستقل آنان، میدانند. چنین است که وقتی نقش طبقه کارگر در برخورد به تولید و برنامه ریزی آن در شرایط فعلی یعنی شرایط سلطه سرمایه بر کار، مطرح میشود، آنان راه حل پرولتری غلبه بر بحران را پیشنهاد میکنند. آنان با دست گذاردن بر روی این حقیقت که بورژوازی مسئول این بحران است و سازماندهی بورژوازی کسار ابزاری است که باز تولید نکیت و بدبختی سرمایه داری بحران را از طریق آن انجام میگیرد، راهی را پیشنهاد میکنند تا از طریق آن آلترناتیو کارگری سازماندهی نوین جامعه و تولید در عمل مطرح شده و مکتب پرورش نطفه های اقتصاد و جامعه نوین، مکتب بردوش کادرهای سازنده جامعه نوین گردد. آنان کنترل کارگری بر تولید را پیشنهاد میکنند و میگویند تا این ایده همه گیر شود و حتی عقب مانده ترین بخشهای کارگران به تجربه خود و با درگیری در این سازماندهی نوین به نقش انگلی کارفرمایان سرمایه بیش از پیش پی برده و گام به گام به لزوم از میان برداشتن نظم سرمایه داری و درک وجود توانائی انجام این مهم در کارگران، متقاعد شوند. کنترل کارگری، یعنی دادن حق و تئویا زرسی به هیئت های نمایندگی کارگران در هر آنچه که به راه اندازی و گردش تولید مربوط میشود، در شرایط بحران نظام، اقدامی زودرس نیست. این اقدام مالکیت خصوصی بروسائل تولید را سلب نمیکند و آنرا به تملک جامعه در نمی آورد اما با اعطای حق و تئویا زرسی به کارگران، نظم عادی چرخش سرمایه را مختل میکند. این اقدام اراده کارگران را در مقابل اراده سرمایه داران، در حیطه اقتصاد و تولید، قرار میدهد؛ حفظ استمرار عملاتی در چرخش امور و تقویت سرمایه ها نقشی حیاتی ایفا میکنند، کنترل کارگری با انشاء آن به هر چه

## هدف حزب توده . . .

مرج ضربه میزند، اعتبارات بانکی شریان تنظیم امور اقتصاد میباشند، بورژوازی نحوه تنظیم این اعتبارات را از چشم اغیار پنهان میکند، کنترل کارگری کارمندان بانک را به اعمال بازرسی، تفتیش دفاتر و اعلان عمومی صورت حسابها در سطح جامعه، فرا میخواند و . . . در یک کلام کنترل کارگری سوسیالیسم نیست اما در خدمت تحکیم سرمایه داری نیز قرار ندارد. کنترل کارگری گامی است انتقالی که از مبارز طبقاتی میان کارگران و سرمایه داران آغاز میکند و به سمت سازماندهی سلطه کار بر سرمایه حرکت میکنند. مکتب کنترل کارگری مکتب تشکلی و آموزش توده پرولتاریا برای مبارزه در راه دگرگونی ساختار تولید در کارخانه و هرواحد تولیدی است. اقدامات کنترل کارگری اقداماتی هستند که امکان پرورش کاردهسای آینده را در اولین شکل بیان اراده کارگران در سازماندهی تولید، میدهند. برقراری کنترل کارگری بمعنای برقراری حاکمیت دوگانه در سطح واحد تولیدی است. مالکیت و مدیریت ناشی از آن در دست سرمایه داران باقی میماند اما توده تولید کننده در نحوه برنامه ریزی و اداره فرآیند تولید حق بازرسی و و تو می یابند. توده تولید کننده بر علیه هیارشی سرمایه در تولید سازمان می یابد و در مصاف با آن گام به گام به سازماندهی سوسیالیستی تولید نزدیک میشود.

کنترل کارگری، اقدامی نیست که از خارج و بطور مصنوعی بر طبقه کارگر تحمیل یا پیشنهاد شود. هنگامی که بحران حادی اقتصاد را در می نوردد و عجز سرمایه داران در مهار آن آشکار میشود، اتلاف محصولات و نیروهای تولیدی هر لحظه لزوم خروج از بحران را گوشزد میکند. در چنین شرایطی نقش طبقه سرمایه دار بمتابه طبقه ای که دیگر در روند تولید نقشی ایفا نمیکند و تنها از محصول تولیدی ارتزاق میکنند با وضوح آشکار می گردد، بهمراه آن سلسله مراتب اجتماعی کار در سطح واحد تولید (کارگاه یا کارخانه) نیز در برابر دیدگان کارگران و دیگر دست اندرکاران فن تولید، نه بمتابه

سازمان ضروری برای گرداندن تولید (آنچنان که در شرایط عادی نمایانند میشود) بلکه چونان هیولائی برای خفه کردن تولید عقلانی و میسرگرداندن تحقق اصال سرمایه داران در جیت سود و بقیمت قربانی کردن اشتغال و نتاحتا سطح زندگی کارگران جلوه میکنند. در چنین شرایطی دخالت کارگران تنها راه جلوگیری از فلاکت، بازگشت به قهقرا و حفظ اشتغال، مطرح میشود. توده کارگران به سوی اقدام مستقل رانده میشوند. عناصر آگاه میبایست این گرایش خودبخودی را زیر شعار و برنما سه کنترل کارگری جهت داده و غریزه طبقاتی توده کارگران را در جهت اقدام مستقل آگاهانه سوق دهند. زمینه عینی برای فراگیر شدن شعار فوق کلامهیا است و اقدامات بسرعت جامعه عمل خواهند پوشید. گشایش حسابهای سودوزیان به همه کارگران نشان خواهد داد که چگونه موتور تولید برای سود، خسارت زیان ناشی از بحران را با اخراج کارگران، خواباندن تولید، کاهش دستمزد و . . . بر توده کارگران سرشکن میکرده است. تجدید سازماندهی از حذف بوروکراسی و کاهش هزینه با لاسری به حداقل ممکن، تنظیم عقلانی حقوق مدیریت و بویژه پادشاهای کلان آنان و بازگرداندن آن برای سروامان دان به وضع مواد اولیه و تجدید ماشین آلات و . . . در یک کلام با حرکت درجهت تنظیم مجدد خط تولید بر اساس پیشنهادات مبتکرانه کارگران و متخصصین انقلابی آغاز میگردد. این اولین گامهایی است که کارگران برای غلبه بر بحران و رکود تولید پیشنهاد خواهند کرد.

بدین ترتیب آشکار است که برخلاف "مشارکت" که همکاری کارگران و سرمایه داران برای گرداندن تولید و خروج از بحران را موعظه میکند و بر آشتی و صلح طبقات بمتابه "شرط طبیعی" موفقیت تکیه دارد، کنترل کارگری اقدام مبتکرانه توده کارگران را در برابر سازماندهی استثمارگران در تولید قرار میدهد و بر تعمیق مبارزه طبقاتی و تعمیق آگاهی طبقاتی کارگران در روند مبارزه برای کنترل تولید تاکید دارد. مشارکت بر لزوم آشتی طبقات و کنترل کارگری بر حق و تو

و بازرسی نمایندگان کارگران برای مهار بحران و بهبود وضعیت تولید و معیشت کارگران تکیه میکنند. بلحاظ تاریخی زمانی که بلشویسم برای اولین بار برای مبارزه با فلاکت و برون رفت از بحران، کنترل کارگری را پیشنهاد کرد، منشویسم کنترل عمومی با اشتراک مساعی کارگران، دولت و کارفرمایان را مطرح کرد. این پیشنهاد (که مورد مسخره لنین قرار گرفت. او به طبعه آنها "طرح شیوغ آمیز وزرای محترم منشویک" مینامید) نام روسی "حق مشارکت" توده ایهاست. هر دو طرح بر حسن نیت و همکاری دولت و سرمایه داران از سوئی و عدم امکان حل بحران بدون مداخله آنان باور دارند. هر دو نقش مبتکرانه و خلاق تولید کنندگان در گرداندن تولید را منکر میشوند و همکاری کارگران و سرمایه داران برای خروج از بحران را اجتناب ناپذیر فرض میکنند.

چنین است که وقتی نقش کارگران در سازماندهی تولید و برنما مهربسی آن طرح نمبگردد، کنترل کارگری و مشارکت دو نقطه مقابل استراتژی مبارزه کارگران را نشان میزند. کنترل کارگری بی اعتمادی به سرمایه داران و دولت آنان را می آموزد و مبارزتریستن کارگران را به پیش میراند، مشارکت خود را با عقب مانده ترین کارگران که زیر آوار خرافات خرده بورژواشی نسبت به حسن نیت کارفرمائی که "برایش کار ایجاد کرده" قرار دارند، تطبیق میدهد.

ممکن است "واقع بینان" بگویند که حق مشارکت برای کارگران هم امروز امکان طرح و تحقق دارد اما کنترل کارگری را شرایطی باید که تنها در آینده ای نامعلوم فراهم میشوند. در پاسخ باید گفت که این سوء تفاهمی بیش نیست که یکبار دیگر نشان میدهد که طراحان این "انتقاد" خود نیز در زمره آنانند که به حسن نیت و تفاهم سرمایه داران "خوش طبت" با وارد دارند. کفتم که هیچ سرمایه داری در شرایط عادی تولید حاضر نیست کوچکترین امتیاز "اضافی" به کارگران بدهد که این یعنی کاهش سود خالص او. حق مشارکت در اداره تولید، اگرچه مماشات با

## گزارشی از جیت سازی

بعلت خصوصیات فنی این رشته و هم بعلت فقدان حداقل وسایل حفاظتی و بهداشتی، کار در شرایط بسیار سختی انجام میگیرد - بویژه در قسمت بافتنی - بطوریکه اکثریت کارگران قدیمی کارخانه از بیماریهای نظیر سل، رماتیسم، آسم، واریس و ضعف اعصاب و... رنج میبرند - برای اطلاع از امکانات ایمنی و بهداشتی یک نمونه کافیسیت و آن اینکه حتی از دادن ماسکهای پنبهای به کارگران خودداری می شود و هم چنین توزیع شیر بسیار نامطلوب است - بهمان میزان که شرایط کار سخت میباشد، میزان دستمزد پائین است، تا آنجا که دستمزد کارگران با سابقه - مثلا ۲۸ سال - سختی به ۱۶۸ تومان در روز می رسد -

وضعیت مبارزاتی کارگران: کارگران بدلیل مختلف دارای پتانسیل مبارزاتی بسیار بالائی هستند - در سال ۵۴ کارگران کارخانه برای اضافه دستمزد به یک اعتصاب باشکوه ۲۱ روزه دست زدند، که گرچه با دخالت شدید نیروهای پلیس، ساواک و حتی ارتش سرکوب گردید، لکن خاطره باشکوه آن هنوز هم در اندام کارگران باقیست - در طول انقلاب غیرمفقدان تشکیلات منظم و منسجم و همچنین فقدان رهبری کارگری، کارگران دست بیک اعتصاب طولانی زدند - لکن بعلت فقدان عنصر رهبری پرولتاریائی و هم چنین پائین بودن سطح آگاهی کارگران این حرکتهاى خودبخودى نتوانست به نتیجه مطلوبی برسد و با تسلط شوروی اسلامی و سپس انجمن اسلامی، حرکتها متوقف شد -

رابطه موجود بین مدیریت و انجمن و شورای اسلامی: گرچه در این کارخانه نظیر اکثر کارخانجات تضادهاى میان انجمن و شورا و مدیریت وجود دارد، لکن بدلیل انزوای شدید این دو نهاد (انجمن و شورا) و هم چنین سوابق بسیار سیاه اکثریت اعضاء فعلی این دو نهاد، مدیریت در مجموع بر جو موجود سوار است - در مرداد ماه مدیریت کارخانه بنام "صدیقی" با تمام اختلاف دستگیر شد - اما انجمن و شورا کوچکترین اقدامی نکردند - همچنین درگیریهای موجود بین خود اعضاء انجمن اسلامی بصورت حادى درآمده است، تا آنجا که جریان انتخاب "شورای مدیریت انجمن اسلامی" که قرار بود در تاریخ ۲۰/۶/۶۳ انجام شود، در آخرین لحظات بدستور وزارت کشور متوقف شد -

موضع کارگران نسبت به شورا و انجمن اسلامی: بلافاصله بعد از تشکیل شورا (و سپس انجمن اسلامی) پیرویه ایزوله شدن این دو نهاد از طرف کارگران آغاز میگردد، بویژه بعد از استعفاء و یا اخراج چند عنصر صادق که در آنها عضویت داشتند، کارگران کاملاً مقابل شورا و انجمن قرار گرفتند - کارگران در حال حاضر جز تمسخر اعضاء

انجمن و شورا، برخورد دیگری با آنها ندارند -

برخورد کارگران با مسایل سیاسی - اجتماعی: تقریباً تمامی کارگران از مخالفان سرسخت رژیم میباشند و در کمتر صحبت و یا بحثی از دادن فحش و ناسزا بمران رژیم خودداری میکنند - مراسم سخنرانی که تا کنون از جانب رژیم برای کارگران ترتیب داده شده با عدم شرکت کارگران مواجه شده اند - در هفته جنگ کارگران از انجام حتی یک دقیقه اضافه کاری خودداری کردند و حتی بطور انفرادی به کم کاری دست زدند - در بحثهای کارگران رژیم بعنوان حامی سرمایه داران و تجار بزرگ معرفی میشود و آنرا رژیم شاه مقایسه می کنند - (برای مثال، کارگری ابراز عقیده میکند که شاه لااقل برای گول زدن هم که شده بود، از کارگران بعنوان کارگران شریف نام میبرد ولی خمینی ما را بی اصل و ریشه می داند و بمبدأ حق تعالی پاسبان می دهد) - لکن این مخالفتها بطور پراکنده است -

تشکل های موجود در کارخانه: در حال حاضر، شرکت تعاونی مصرف، تعاونی مسکن و صندوق قرض الحسنه وجود دارد که البته دارای کارکرد و کیفیت پائینی می باشد - برای نمونه شرکت تعاونی مصرف بیشتر به عرضه اجناس بنجل و موجود در بازار قناعت می کند -

خواستهای کارگران: خواست مشخص و محوری کارگران این کارخانه، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل است و تمامی بحثها و حتی شوخیها حول این محور دور میزند - اما بعلت فقدان سازمان - دهی، اعتراضات و مذاکرات با مدیریت و وزارت کار از مجرای متصدیان و سرپرستان قسمتها میگذرد که طبعاً نتیجهای نیز بدنبال ندارد - تا بحال پیشنهادات زیادی از طرف وزارت کار داده شده که بعلت ارتجاعی و ضد کارگری بودن آنها، توسط تمام کارگران رد شده است - کارگران خواهان تعیین نماینده از جانب خود، بالا بردن ضریب سنگینی کار و میزان سابقه هستند که با مخالفت رژیم روبرو شده است - در حال حاضر هر مسالهای پنجگونی (شوخی یا جدی) با این مساله کشیده می شود - برای مثال زمانی که اطلاعاتها و بخشنامهها بر در و دیوار زده میشود کارگران به مسخره از هم میپرسند چی شده؟ طرح طبقه بندی پیاده شده؟ و سپس جواب میدهند، نه! فعلاً که سوار شده - یا زمانیکه اطلاعاتی سپاه پاسداران مبنی بر اعزام داوطلب به جبهه پخش میشود نه تنها کارگران بطور یکپارچه از اسم نویسی خودداری مینمایند حتی به مسخره میگویند، "توی جبهه که طرح طبقه بندی پیاده نمیشود که ما برویم!"

(به نقل از گزارشات ارسالی نشریه "پیک کارگران" وابسته بسازمان - ۶۳/۷/۲۵)

## مسئله مسکن

و ...

هستند یا بید برای کاهش فشار هزینه مسکن کارخانه را بعنوان میدان مناسب این مبارزه برگزینند - این امر بمعنی تحمیل هر چه بیشتر هزینه مسکن بر سرمایه داران و دولت است - پرداخت هزینه مسکن توسط کارخانه دار رویا دولت برای تادیه بخشی از اجاره بها، وام مسکن، اختصاص خانه ها با اجاره ارزان به کارگران توسط دولت یا سرمایه دار میتواند در خدمت این هدف باشد - بسیج کارگران حول مسئله مسکن میتواند یکی از محورهای مطالباتسی باشد که با اتکاء بدان میتوان تشکیلهای کارگری را سازمان داد - تعاونی مسکن کارخانه بعنوان مثال میتواند بدستوان یک تشکل علنی در خدمت مبارزه کارگران برای مسئله مسکن باشد -

اقتدار متوسط جدید و کارمندان نیز از هر لحاظ در زیر فشار بحران مسکن دچار مصائب شدیدی شده اند - در میان کارمندان نیز میتوان مبارزه برای مسکن را با هدف تحمیل بخشی از اجاره ها به دولت سازمان داد - در این زمینه بویژه شعار وسیلهای مسکن کارمندی حائز اهمیت بسیار است - کارمندان نیز مانند کارگران باید از طرق گوناگون برای کاهش هزینه مسکن که در حکم مبارزه برای افزایش حقوق است مبارزه کنند - طرح درخواست کمک مسکن و یا خانه های دولتی با اجاره ارزان، از جمله این درخواستهاست -

سازماندهی مطالبات و اعتراضات توده ها بپیرامون مسئله مسکن عرصه مهمی در کارزار بر علیه رژیم پتکار رفقا است - برستراین مبارزه و از طریق کسب سازمانگرای بد تشکیلهای کارگری و توده آ را ایجاد نمود و قوام داد - فقهای تسبیکار هر چه بیشتر خواهند نقطه ضعف خود را در حوزه بحران مسکن به بیانه های واکنشی برده بوشی کنند - بر فعالین سازمانگران جنبش انقلابی است که با انرژی فزونیتری ماسک فریب را از چهره کریسد آنها دریده و با توضیح ماهیت استبداد بحران آنرا به کانونی برای اتحاد و ارتقاء مبارزه کارگران و زحمتکشان بدل سازند □

نقدی برینش ...

گوید؟ ( همانجا - تاکیدات از ما ست ) در جای دیگر نویسنده به شوراها - بمثابه " تشکیلاتی که از قابلیت انتعاف بالایی برخوردار بوده و مستواند همراه با تغییر شرایط، وظایف و شیوه مبارزه متناسب با آنها اتخاذ کنند " اشاره میکند . بدینسان معلوم میشود که نویسنده مطلقاً هیچ ایده معینی از شوراهای کارگری ندارد و متأسفانه در توهم عقب مانده ترین توده های کارگر درباره شوراها بعنوان ارگان زلاتینی فاقد هویت و وظیفه معین تاریخی و در عین حال دربرگیرنده کلیه درخواستهای صنفی و سیاسی طبقه شریک است . شورا بعنوان ظرفی برای کلیه درخواستها و چهره های پایدار و تمامیت گرا روپوش ظاهری است برای انکار وظیفه ویژه تاریخی شورا بعنوان پایه قدرت دولتی و اعمال کنترل کارگری . شورا " ارگانی منقطع " نیست که با "تغییر شرایط، وظایف و شیوه مبارزه متناسب با آنها اتخاذ کند" . شورا ارگان شرایط انقلابی است ، شورا پایه قدرت دولتی است . آن شورائی که بنا "تغییر شرایط، وظایف و شیوه مبارزه متناسب با آنها اتخاذ میکند" ، شوراهای اسلامی بمثابه بازوی سیادت دولت

جمهوری اسلامی اند که با تغییر شرایط، وظایف و شیوه های سرکوب را اتخاذ میکنند و یا شوراهای معمر القذافی هستند که در لیبی ابزار حکومتی محسوب میشوند و در کتاب سبز چهره " همه فن حریف " برایشان ترسیم شده ، با این تذکر که این " شوراها " نه ساختمان قدرت دولتی بلکه ابزار اجرائی آنهاند . آیا شوراهای کارگری بمثابه پایه قدرت دولتی میتوانند در فقدان شرایط اعتلای جنبش انقلابی و وضعیت قدرت دوگانه بوجود آیند تا تدارک بدوران تعرض را تسهیل کنند؟ خیر ، زیرا در آن صورت این "شوراها" دیگر پایه قدرت دولتی نیستند از اینرو "شوراهائی" هستند که باید تحت تابعیت قدرت دولتی موجود قرار گیرند و هرآئینه بخواهیم به این "شوراها" تحت شرایط مذکور خملت توده ای بختیم ( توده ها نیز صورت مخفی مبارزه نمیکند ) در آن صورت باید هرچه بیشتر ایده آل های قدرت شورائی را در نظر آورده کارگران به سازش کنیم و با آنکه برای حفظ ایده آل های شورائی محصور خواهیم بود ، این با صلااح "شوراها" را به مجامع کوچکی از روشنفکران ، کارگران بیشتر و تسدیل نمائیم ، که در آن صورت کارکنان توری از شوراهای کارگری را خواهیم داشت که مصنوعاً

ساخته شده اند و هرآئینه بخواهند سر شعارهای دوران انقلابی ( نظیر کنترل کارگری ) جهت متحد کردن توده ها با فشاری نمایند ، جاره ای جز قبول انزوای شکوهمند ندارند . از اینرو ، آقای نقوائی برای تبدیل وضعیت تدافعی جنبش کارگری به وضعیت تعرضی و "محدود نمودن در چهارچوب مبارزات صنفی و اقتصادی کارگری " به ابزار نامناسبی متوسل شده است ، نه بدلیل اینکه این ابزار خود راه چهارچوب مبارزات صنفی و اقتصادی کارگری محدود میکند بلکه بدلیل آنکه استفاد از این ابزار به تمایلات خیرخواهانه و آرزوهای ایشان بستگی ندارد ، و تابع شرایط معینی از رشد جنبش توده ای کارگری است . و اما استدلال سوم با شاه بیت احتیاجات آقبسای نقوائی . وی مینویسد: " باید از هم اکنون برای ایجاد آن ارگانهای توده ای که باید بمثابه ابزار قیام و ارکان جمهوری منسعت از قیام ، عمل کنند مبارزه کرد و آن تشکیلاتی را که باید با اوجگیری مبارزات توده ای به جنبش ارگانهای تبدیل شوند ، باید گذاری کرد . " ( همانجا ، تاکسد اولی از نویسنده است ) پس "شوراهائی" که تراراست در لحظه حاضر پایه گذاری بقیه در صفحه ۳۱

هدف حزب توده ...

سرمایه داری است ، گرچه به چهارچوب سرمایه داری تولید تعرض نمیکند و مطیع و آرام در شرایط سلطه سرمایه و گردن نهادن به آن در جستجوی اتحاد کارگر - سرمایه دار است اما علیرغم تمام اینها سرمایه داران حریص هرگز در شرایطی که مبارزات کارگری نازل بوده و تولید کمابیش بطور متعاقب جریان داشته باشد ، حاضر به قبول کارگران در کنار خود و " سرگوش آب دادن " آنها در اداره امور نیستند . تنها در شرایط اوجگیری بحران و مبارزات کارگریست که آنان یک گام عقب می نشینند تا با اعطای امتیاز کارگران را از پیشروی در مسیر مستقیم بازدارند . تنها در چنین شرایطی است که منشویسم میتواند منادی آشتی طبقات باشد و با کشف زدنهای سرمایه داران روبرو شود ، در غیر

انصورت حتی این بردگان مطیع نیز بمثابه کفار و دشمنان "نظم و خانواده" تکفیر میشود . بنا براین طرح و امکان تحقق حق مشارکت شرایط بحرانی نظام سرمایه داری را پیش فرض دارد . بهمان سان بدیهی است که کنترل کارگری نیز تنها در شرایط حاد بحران و جنبشهای آشکار توده کارگران میتواند زمینه طرح بیاید . تفساوت میان این دو برنامه عمل برای تولید ، در بیش زمینه مادی طرح آنها نیست ، این نقطه اشتراک آنهاست . تفاوت در آنجاست که یکی غایت و هدف را در چهارچوب نظام و از طریق همکاری بسا سرمایه داران محدود میکند و از اینسرو به مسئله قدرت سیاسی نزدیک نمیشود و دومی بمعنای وجود یک قدرت دوگانه در سطح اقتصاد است که نمیتواند در حالت ثبات دراز مدت قرار گیرد . کنترل کارگری گرچه مالکیت خصوصی را نقض

نمیکند اما در گردش تولید سرمایه دارانه اخلال میکند و بنا براین تنها زمانی میتواند بطور کامل و سراسری تحقق یابد که مسئله اینکه چه کسی حاکم است به نفع کارگران حل شده باشد . یعنی تحقق نظام کنترل کارگری در سطح ملی و بمثابه یک قاعده و قانون تنها با یک انقلاب بیرونتری ممکن میاشد . چرا چنین است ؟ گره کسار در آنجاست که کنترل کارگری نمیتواند در محدوده یک یا چند کارخانه منفرد باقی بماند چه سرمایه داران به اتکای توان اقتصادی و نقشی که در اقتصاد ملی بازی میکنند با تغییر چند شاخص تولیدی و جابجائی دستمزدها ، کاهش مصنوعی قیمت و ... این حرکات را عقیم خواهند گذاشت . نهضت کنترل کارگری اگر به سطح ملی و سراسری گسترش نیابد قربانی قانون رقابت سرمایه - بقیه در صفحه ۳۱

## تقدی برینش ...

شوند، نه ابزار قیام هستند، نه ارگان جمهوری منبعث از قیام و همان طوریکه آقای توائبی پذیرفته است، این "شوراها" محصول موقعیت انقلابی نیز نیستند، اما ارگان موسس، ارگانهای آتی میباشند. اگر ما هدین از انقلاب بهمین و تسلط روحانیت حاکم، ضرورت تشکیل شورای ملی مقاومت (یا دولت موقت جمهوری دمکرایتک اسلامی) را جهت خالی نمادن مسند حکومت در فردای سقوط رژیم نتیجه گیری نمودند، پوپولیزم آنارشیستی نیز درجهست سازمان ندادن "الترناتیو" خود، "شورای موسس" شوراها را شکل میدهد تا نکند مسند رهبری شوراها در فردای سرنگونی رژیم خالی بماند! ما سرنوشت چنین شورائی بعنوان ارگان موسس، چنانکه توضیح دادیم، از پیش روشن است. شوراها رادسته ای روشنفکر پوپولیزم است آنارشیست بجای جنبش انقلابی توده ای کارگری نمیتوانند پایه گذاری

## هدف حزب توده ...

داری خواهد شد و از نفس خواهد افتاد. این درسی است که از تجربه انقلاب بهمین نیز میتوان گرفت. اما سراسری شدن کنترل کارگری، یعنی تکامل قدرت دوگانه در واحد کارخانه، در سطح اقتصاد ملی، بدون تعیین تکلیف با مسئله قدرت سیاسی ممکن نیست چه هیچ دولت حافظ مالکیت بورژوائی اجازه چنین تکوین و تشبیتی را نخواهد داد. بنا براین مسئله کنترل کارگری از چهارچوب مناسبات موجود ما بین طبقات فراتر میرود و در تکامل خود میبایست با یک انقلاب پیوند خورد. این تفاوت اساسی سرانجام طرح کنترل کارگری و حق مشارکت است. اولی برنا مریزی در تولید را به مسئله قدرت پیوند میزند و در خدمت سیاسی کردن مبارزه اقتصادی کارگران قرار میگیرد، دومی مسئله را به خود حقوق صنفی خلاصه کرده و خاتمه میدهد. پس روشن است که اختلاف در پیش زمینه طرح این برنامه ها نبود، بلکه در سمت و سوئی است که بخود میگیرند. تفاوت میان استراتژی رفرم و استراتژی انقلاب است. ترویج ایده کنترل کارگری و

نمایند. نفس اقدام به چنین پایه گذاری موبد بیگانگی این روشنفکران با کار در میان طبقه است. برآستی این شورای موسس تا فرار رسیدن اعتلای انقلابی توده ای، چه وظایفی را در برابر خود قرار خواهد داد، ترکیب آن چگونه است و شیوه های مبارزه آن کدامند؟ اگر حزب کمونیست کومله پاسخ به این پرسش ها را در برابر خود قرار دهد، چاره ای بجز دومسیری را که کمینترن برای "شوراها" مصنوعا برپا شده ترسیم نموده، در برابر خود نخواهد یافت. هر آئینه، تاکید حزب کمونیست کومله را بر "جمع عمومی منظم کارگران" بعنوان اهرم مورد اتکای "شوراها" موسس کنونی، مد نظر قرار دهیم، در آن صورت روشن خواهد شد که آنها مسیر بدترین حالت یعنی مسیر بسازش کشاندن ایده آل های قدرت شورائی را در مقابل انظار اکثریت مردم در پیش گرفته اند. این موضوعی است که در مقاله دیگری بطور جداگانه به آن خواهیم پرداخت. □

هضم و جذب تجارب جنبش کارگری سالهای ۶۰ - ۵۸ در این زمینه، از وظایف پیشروان کارگری است. کارهای جنبش طبقه کارگر میبایست اهمیت ترویج این ایده را در شرایطی مانند امروز که امکان طرح آن بمنابا به یک دستورالعمل برای سازماندهی بلاواسطه شوراها، کنترل موجود نیست، درک کنند. تشویق ابتکارات توده ای در این زمینه در آگاه کردن توده های کارگریه قدرت عظیمی که در طبقه شان نهفته است نقش بسزائی دارد. افشای ندانم کاریهای کارفرمایان، نشان دادن رابطه اخراجها و حفظ سود سرمایه داران، هزینه گزاف بوروکراسی و خسارات ناشی از بی توجهی به توصیه های کارگران اهل فن و... همه میبایست در خدمت ترویج این ایده قرار بگیرند، تا در زمانی که جنبش کارگری وارد حالت تعرضی شود عنصر ذهنی برای دست زدن به اقدامات کنترل درآماده ترین شکل خود باشد و سرمایه داران نتوانند با طرحهای از قبیل "طرح مشارکت" و "شوراهای مشورتی" اشتراکی، در مقابل اقدامات مستقل کارگران در اعمال کنترل کارگری و برپائی شوراها، کنترل کارگری، سنگ اندازی کنند. □

## رژیم در با تلاق ...

محدود رژیم نیز است. اگرچه فقها میکوشند چنین وانمود کنند که عدم انجام یک حمله بزرگ و تعیین کننده بخاطر جلوگیری از تلفات سنگین برای هر دو طرف است و ترحیح میدهند با کمترین تلفات کار صدام را بسازند، اما این بلوف دیگر رنگ و لعاب سابق خود را از دست داده است. عملیات میمک نشان داد که در همین ابعاد کوچک هم رژیم قادر به دستاوردهای قابل توجه نیست. وبی گمان به دنبال پایان این عملیات محدود و موفقیت نا چیز حاصل از آن، دوباره همان دور فرسایشی چند ماهه اخیر در جبهه ها حاکم خواهد شد. و رژیم فا ز جدید تعرض دیپلماتیک خود را که به قصد سرنگونی صدام سازمان خواهد داد، آغاز مینماید. منتها این بار برخلاف انتظار فقها، دست دیپلماتها - یگان خالی است و موضعشان از گذشته ضعیفتر! زیرا نشان داده اند که چون کارآئی نظامی تعیین کننده ای ندارند، خطر بالفعلی نیستند که تیروهای ذینفع در منطقه بخاطر مهاز این خطر با چشم پوشی از صدام به سازش با ملایان دست زنند!

بنا بر این بر اساس همه داده ها و برآوردهای عینی، جنگ ایران و عراق هم در عرصه نظامی و هم در عرصه سیاسی به بن بست چشمگیری رسیده است. و خروج از با تلاق که فقها خود برای خسود فراهم کرده اند، هرچه مشکلتر گشته است. این حقیقتی است که دیگر امروزه به روشنی میتوان آن را دید. و البته خود دولتمردان جمهوری اسلامی بیش از هر نیروی دیگری از این حقیقت آگاهند! همانطور که گفته شد دوستان نزدیک آنان نیز سقوط صدام را دیگر جدی نمیگیرند و بنا بر این رژیم تنها و منزوی است. با اینهمه حنایتکاران حاکم در میهن ما چندان خود را بسته و به قیمت اتلاف هزاران نیروی انسانی و آواره کردن صدها هزار از مردم و به قیمت ویرانی و فلاکت اقتصادی و فشار به کارگران و زحمتکشان همچنان جز به سقوط صدام به هیچ چیز رضایت نمیدهند و دیوانه وار شعار جنگ تا پیروزی سرداده وبی آنکه ذره ای به منافع مردم

شهادت رفیق حسین قاضی

طبق اطلاع واصله، روز ۱۳ آبان ۶۳ حاکمان جنایتکار جمهوری اسلامی، رفیق حسین قاضی (رفیق بهرام) کمونیست ثابت قدم را که در صف اول کادرهای قدیمی و رزمنده جنبش کمونیستی مپهن ما قرار داشت به جوخه های اعدام سپردند.

رفیق حسین قاضی که در زمره کادرهای برجسته و مؤسس سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بود، پیش از یکسال در زیر وحشیانه ترین شکنجه های جلادان جمهوری اسلامی قرار داشت لیکن با مقاومت طولانی و پهلوانانه اش پیروزه در تخیمان سفاک را در برابر اراک استوارش به خاک مالید و آخرین فصل زندگی پر بارش را که تماماً وقف مبارزه انقلابی و کمونیستی نموده بود با حماسه ای پرشکوه به پایان آورد. یاد پرغورش جاودانه باد!

ما در آینده نزدیک زندگیمان را با رفیق شهید مانرا در ارگان سراسری سازمان درج خواهیم کرد.

راهپیمائی مردم بروجرد در اعتراض به پاسداران

حدود ۲ ماه قبل دست کمینه چیهای بروجرد که با قاچاقچیان مواد مخدر سر و سری داشتند و خود از عوامل پخش و فروش مواد مخدر بودند، برای مردم باز میشود. بهمین خاطر مردم اعتراضات خود را در هر جمعی بشکل افشاگری ابراز می کردند. تا اینکه روز بروز اعتراضات مردم شدت بیشتری می گیرد. سپاه پاسداران ناچار می شود، قبل از اینکه مردم اقدامی بکنند، رئیس کمیته و معاونش را دستگیر کرده و چند نفر دیگر از کمیته چیها را در ارتباط با مسائل مربوط به قاچاق و مواد مخدر زندانی نماید. سپاه از مردم معترض می خواهد که آرامش خود را حفظ کنند و اگر شکایتی دارند، بیایند و شکایت خود را تسلیم دادگاه نمایند. مردم که همه شاکسی و معترض بودند، در دسته های ۵-۴ نفری برای شکایت حرکت می کنند. در محفل شکایت حدود ۶۰۰-۵۰۰ نفر جمع می شوند، که کم کم تعدادشان به ۱۵۰۰-۱۰۰۰ نفر می رسد. جمعیت

بطور خود بخودی به حرکت درمی آیند و این حرکت شکل تظاهرات بخود میگیرد. در همین تظاهرات شعار مرگ بر کمیته - چیها داده میشود و بعد به شعار مرگ بر "جمهور" (جمهور اسم معاون کمیته می باشد) او در ادامه شعار "مرگ بر رئیس جمهور" یعنی رئیس کمیته و کم کم شعار مرگ بر خامنهای و مرگ بر خمینی تبدیل میشود. این تظاهرات تا ظهر آن روز ادامه می یابد. نیروهای مسلح از آزادحام جمعیت وحشت کرده و خود را کنار می کشند. تا اینکه راهپیمائی خاتمه می یابد. مردم با یکدیگر برای تجمع و راهپیمائی در محل دیگری برای ساعت ۲ بعد از ظهر قرار می گذارند، اما پاسداران که در این فاصله نیروهای کمکی از شهرهای مجاور گرد آورده و در همه جای شهر مستقر شده بودند، مانع جمع شدن مردم می شوند و اجازه حرکت مجدد را ب مردم نمیدهند. بعد از آن بعدت چند روز تظاهرات موضعی در شهر بروجرد ادامه می یابد. از آن تاریخ به بعد در کمیته ها بسته می باشد.

(به نقل از نشریه "کارگران انقلابی غرب تهران" (۷) - وابسته به سازمان)

استرداد پناهندگان ایرانی توسط دولت ترکیه

مدت دو ماه است که دولت ترکیه از پی بردن و پند های خود با رژیم فقها اقدام به دستگیری پناهندگان ایرانی و استرداد آنها به دولت ایران می نماید. کودتاچیان حاکم بر ترکیه یکسال پیش نیز به اقدامات مشابهی بر علیه پناهندگان ایرانی دست زدند و بیش از ۶۰ نفر از شهرهای وان و حق کاری به ایران برگرداندند که برخی از آنها به اسارت پاسداران درآمدند و برخی دیگر حین فرار کشته شدند. اما فشار سازمانهای مترقی ایرانی و افکار عمومی بین المللی دولت نظامی را وادار به عقب نشینی نمود. نظامیان ترکیه اکنون به حيله جدیدی متوسل شده اند. آنها پناهندگان ایرانی را قبل از ورود به شهرهای ترکیه دستگیر نموده و پس از آزار و شکنجه به دولت ایران تحویل می دهند. تا بدین ترتیب جنایت آنها پوشیده بماند. مواردی گزارش شده که پناهندگان دستگیر شده توسط ارتش ترکیه یک هفته تمام توسط جلادان شکنجه شدند. بر اساس قوانین بین المللی مربوط به پناهندگان هرگاه پناهنده ای بطور غیر قانونی وارد خاک کشوری شده و اعلام پناهنده گی نماید کشور خیر حق استرداد پناهنده را ندارد. اما اعمال ضد انسانی و وحشیانه نظامیان ترکیه را محکوم نموده و از همه سازمانها مترقی ایرانی و خارجی دعوت می کنیم که با همکاری و اتحاد عمل بدفاع از حقوق مسلم پناهندگان ایرانی برخیزند.

آدرس در خارج از کشور:

فرانسه  
ALIZADI  
B. P. 195  
75564 PARIS-CEDEX 12  
FRANCE

آلمان  
postfach 650226  
1- BERLIN 65  
W. GERMANY

مابرای تداوم مبارزه  
انقلابی خود به کمک  
مالی شما نیازمندیم

ککهای مالی و وجوه نشریات را به حساب زیر واریز کرده و رسید بانکی آن را بعد از فوق در فرانسها ارسال کنید

CRÉDIT LYONNAIS  
HASSAN 808 439 56 R  
PARIS (FRANCE)

رژیم در باتلاق ...

تا بودی توده ها است. تنفس بلیدی که زندگی سوزاست! و تاریخ، جانسوران لجن زی فراوان دیده است که عاقبت خود در لجن خود خفه شده اند. وبی گمان آینده رژیم خمینی نیز چنین است!

بیانیدشند، در باتلاق خود دست و پا میزنند. چرا؟ زیرا بقای جانورانی چون خمینی و یارانش در گرو مرگ و